

بسمه تعالی

# تاریخچه نساجی در جهان

مؤلف: دکتر الیاس صفاران و مهسا فکری

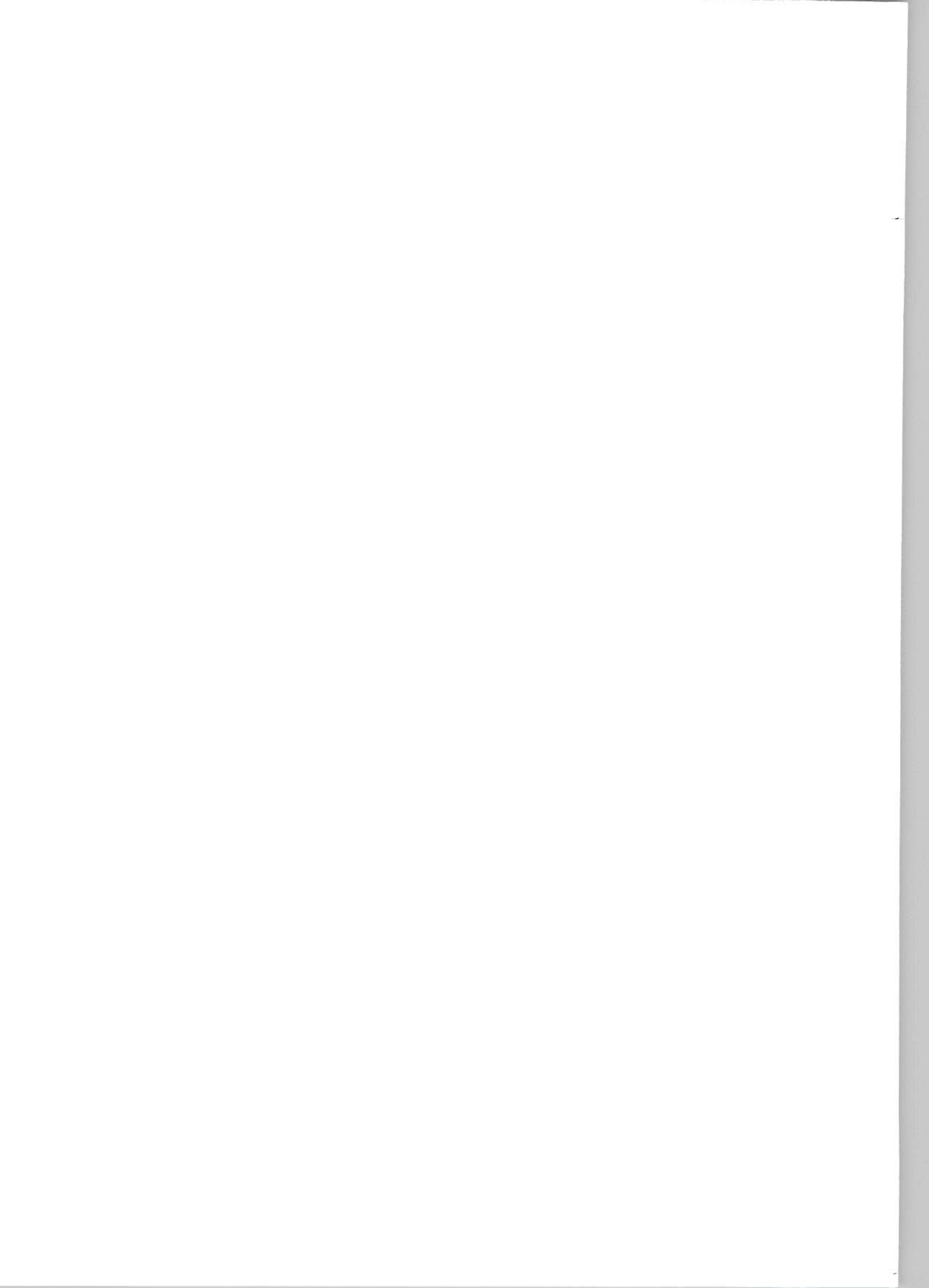
رشته: کارشناسی

1391



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	شکل‌گیری هنرنساجی در جهان
۱۰	منسوجات فنیقه
۱۳	منسوجات سومر
۱۷	منسوجات بابلیان و آشوریان
۲۲	منسوجات کرت
۲۵	منسوجات مصر باستان
۳۲	منسوجات مصر از قرن ۵ تا ۷ م
۴۰	منسوجات اوایل دوره اسلامی
۴۲	منسوجات دوره عباسی و طولونی در مصر (قرن ۷ تا ۱۰ م)
۴۷	منسوجات دوره فاطمی در مصر (اواخر قرن ۱۰ تا ۱۲ م)
۵۰	منسوجات دوره ایوانی و میمالیک (اواخر قرن ۱۲ تا ۱۵)
۵۳	منسوجات یزنان باستان



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶۱	Rome روم
۶۶	Byzance بیزانس
۷۳	منسوجات اروپا در اوایل قرن وسطی
۸۱	منسوجات اروپا در قرن چهارده و پانزده میلادی
۸۴	منسوجات اروپا در قرن شانزده میلادی
۸۷	منسوجات ایتالیا تا قرن هجده میلادی
۹۲	منسوجات انگلستان تا قرن هجدهم
۱۰۰	منسوجات فرانسه تا قرن هجدهم
۱۰۵	منسوجات اسپانیا تا قرن هجده میلادی
۱۱۰	تاریخ چاپ پارچه
۱۱۳	تاریخ بافت پارچه
۱۱۵	منسوجات اروپا در قرن نوزدهم
۱۲۸	منسوجات اروپا در قرن بیستم



## شکل گیری هنر نساجی

در منطقه‌های معتدل مردم شکارچی بیشتر از آنکه لباس بپوشند خود را تزئین می‌کردند. اما امکان دارد بافندگی در آن مناطق قبل از مناطق یخبندان آغاز شده باشد و احتمالاً با استفاده از روش سبدهافی که حالتی منظم دارد صورت پذیرفته است و در کتاب تاریخ تمدن می‌نویسد: «مهارت و استادی انسان اولیه در فن بافندگی بی‌اندازه قابل توجه است در اینجا نیز حیوان استاد انسان بوده است. دیدن خانه عنکبوت و لانه مرغان و درهم شدن الیاف و برگهای جنگلها در یکدیگر، که یک پارچه بافته طبیعی را نشان می‌دهد همه نمونه آشکاری بوده است که در فن پارچه بافی راهنمای انسان شده باشد. این نمونه‌ها به حدی واضح و روشن بوده که ما تصور می‌کنیم پارچه بافی نخستین هنری می‌باشد که انسان به آن دست یافته است.

با وجود منسوجات بدست آمده و نخهای مورد استفاده آنها بنظر می‌رسد در دوره پالئولیتیک یا لاقل اواخر تمدن مزولیتیک Mesolithic و اسکان گوسفند داران یا کشاورزان از دستگاه بافندگی استفاده می‌شده است. بنا بر عقیده فرانکوز بوجر Francois Boucher در مورد قدمت پارچه‌های کتان یا پشمی نمی‌توان نظر قطعی اظهار نمود. اما آنچه مسلم است زنان مسئول جمع آوری نخها بوده‌اند و بافندگی را از روی بافت سبده یاد گرفته‌اند. همچنین اولین بافته‌ها را برای پوشش به بوشمن‌ها Bushmen یا صحرانشینان نسبت می‌دهد.

بشر دوره پالئولیتیک بوسیله شکار و جمع آوری غذا زندگی خود را می‌گذرانند و در برابر حیوانات از خود دفاع می‌کرد. تکمیل روشهای تولیدی در دوره‌های آخر دوره پالئولیتیک قابل بررسی می‌باشد. طی دوره اورینگناسین Aurignacian وسایلی از استخوان و سنگ‌اقه‌های

استوانه‌ای بدست آمد و تزئینات و ظروفها از شاخ گوزن شمالی و خاک رس ساخته می‌شد. در ادامه دوره سولوترین Solutrean تکامل جدیدی در ساخت پوشاک بوقوع پیوست، در این دوره استفاده از سوزن چشمی که دارای سوراخ بود و بر روی پوست بسیار ظریف عمل می‌نمود و استفاده از نخهای ظریف همانند موهای بلند اسب یا پوستهای بریده شده گوزن شمالی معمول شد. آثاری از این دوره در فرانسا، ایتالیا، چکسلواکی و لهستان بدست آمده است.

در اواخر دوره پالئولیتیک در دوره ماگدالینین Magdalenean ابزارهای دقیقی با عاج و استخوان و شاخ بوجود آمد و خصوصاً سنجاها و سوزن به حد کمال رسید و وسیله جدیدی بوجود آمد که آن صفحه دوزندگی استخوان بود و برای فشار دادن سوزن مورد استفاده قرار می‌گرفت و در ناحیه لاگری - باس laugerie- Basse در دوردوگن Dordogne پیدا شد. هنگامیکه درختن درز تمام می‌شد. نخ توسط صفحه نگه داشته شده و بوسیله یک سنگ ریزه بریده می‌شد و خراش بر لبه صفحه در هر بار تکرار باقی می‌گذارد.

طی سالهای ۱۰/۰۰۰ ق.م اروپا از شریخ خلاص شد و سطح آن از جنگلها پوشیده شد و راین زمان انسان نئولیتیک Neolithic از راه کشاورزی، دامداری و داد و ستد گذران زندگی می‌کرد، این تغییرات ابتدا در مرکز دنیای جدید و در خاورمیانه و از آنجا به تمام آسیا گسترش یافت. توسعه وسایل همراه با تکنیک روشهای استفاده از پوست حیوانات و منسوجات تکامل می‌یافتند. در عصر سنگ پوست درخت را که در فصل عصاره‌گیری کتده می‌شد همانند چرم نرمی می‌بردند و پارچه کتان بدست می‌آوردند در آنوقت در سطح زیادی برای پوشاک مورد استفاده قرار می‌گرفت، وسیله مورد استفاده این روش در فرانفلد Frauenfeld سوئیس



Switzerland پیدا شده است.

نخ در عصر برنز Bronze و اوایل عصر آهن Iron بوجود آمد. امروزه با کشفیات در حفاریهای باستانشناسی اصول تمدن ماقبل تاریخ اطلاعات خوبی به ما می دهد. دانش ما در مورد منسوج مورد استفاده آنها در واقع محدود به تعداد کمی از اشیایی است که باقی مانده اند. این اشیاء از مواد فاسد نشدنی همانند نمک، برنز و استخوان می باشد و پارچه هایی که از الیاف گیاهی و حیوانی نظیر کتان Flax، بوریا mat، پنبه Cotton و پشم wool و ... ساخته می شد در طول زمان از بین رفته است.

در قدیمترین محل سکونت بشری در دشت سیلک sialk نزدیک کاشان آثاری بدست آمده است از جمله تعدادی حلقه های دوک ساخته شده از گل رس پخته یا سنگ می باشد که نشان شناخت صنعت نساجی توسط انسان آن دوره می باشد. در غار کمر بند نزدیک دریای خزر قطعات پارچه بافته شده از پشم گوسفند و موی بز بدست آمده و با روش کربن ۱۴ معلوم شد که مربوط به ۶۵۰۰ سال پیش از تاریخ با ۲۰۰ سال کم یا زیاد است. همچنین در خانه های فلات اولیه ایران دوک و خامه هایی مربوط به ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد پیدا شده است که نشان از وجود بافندگی در آغاز دوره نوسنگی می باشد.

دو اثر از زمان جمدت نصر Jemdet- Nasr و حتی اواخر دوره بوروبک uruk دیده می شود. پارچه این لباس دارای طرحهایی نظیر لوزی یا شطرنجی است که کاملاً پشمی بوده اند. رد پای لباسهای پشمی یا کتانی بر روی تیغه مفرغی تبری در غارهای شوش Necropolis مربوط به ۳۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد پیدا شده و نشان دهنده بافت

پارچه‌های لطیف از قطعه‌های مستطیل در ردیف عمودی می‌باشد که به شیوه‌های مختلف دور بدن را می‌پوشانده‌اند.

در تپه شرقی تورنگ تپه و باریم تپه واقع در گرگان مخروطهای گلی، سردوک و سوزن استخوانی و ... بدست آمده است که نشانه رسیدگی و دوختن می‌باشد. در محل باستانی نوسنگی مهره‌گره III از بقایای اسکلت جسدی که در کف یک سبد با پوششی از قیر طبیعی قرار داشت آثاری از پارچه بدست آمده است همچنین در اواخر دوره نوسنگی پیش از سفال مهره‌گره در ایالت گانواز گانقه از دیبا پینگ Dibaping در لانزو Lanzhou سردوک و سوزن‌هایی یافت شده است. پیکره‌هایی از مهره‌گره IV بدست آمده که زنان را با گیسوان دو طرف سر و گردن‌بند در رشته‌های متعدد نشان می‌دهد و پیکر مردان دارای سرپند یا عمامه می‌باشند.

با فندگی با پوست حیوان بلند مو را در عصر میانه برنز (۱۴۴۰ تا ۱۱۵۰ ق. م) می‌دانند. کشفیات مراکز پیش از تاریخ در شمال، شمال‌غربی و مراکز اروپا نشان داده‌اند که بزها و گوسفندان اهلی شده و این مناطق به گله‌داری پرداختند. در دوره برنز مواد پشمی شناخته شده بود و نخ‌ها از انواع مختلف موها تشکیل می‌شدند. در هر صورت ترکیبی از پشم گوسفند و گاو و گوزن شمالی و موی آهو چنانکه در گذشته تصور می‌شد وجود نداشت و آزمایش‌های دقیق نشان داده‌اند تنها پشم گوسفند مورد استفاده بود است و پشم تنها از پرورش اولیه پشم گوسفندان احتمالاً در فلات ایران آغاز شده و تاریخ آن به دوره نوسنگی می‌رسد. بنظر می‌رسد سه نوع گوسفند وجود داشته که گوسفند کوهستان، جلگه‌ای و نوعی قوچ وحشی بوده و پارچه‌های پشمی از مخلوط این چند نوع پشم گوسفند در ایران، بین النهرین، مصر و شمال اروپا پیدا شده است.

بنظر می‌رسد پوشش اولیه توسط اندازه‌های کوچک بافته شده بوجود می‌آمده از آن جمله

نمونه‌های بافته شده پارچه کتانی دوره برنز و پارچه پشمی دوره آهن می‌باشد. آنها تکه بافته بزرگی که برای ایجاد پوشش تکه تکه می‌شود تهیه نمی‌کردند بلکه تعدادی از بافته‌های کوچک را تهیه می‌نمودند تا به هم وصل شده و پوشش مورد نظر را بوجود آورد.

قطعه‌های بافته شده‌ای از زیرخاک‌ها و مدفن‌های عصر برنز (تصویر ۴ و ۳ و ۲) بدست آمده

است که برای لباسهای بزرگتر تهیه شده‌اند. انسانها کم تکه‌های بافته شده را در ابعادی که دقیقاً

با لباس مورد نظرشان توافق دارد می‌بافته‌اند. در مورد برش لباس دوره نئولیتیک و پارچه‌های

پشمی عصر برنز نمی‌توان اظهار نظر کرد، تنها می‌توان گفت که روشهای بافندگی دوره نئولیتیک از

عصر برنز پیشرفته‌تر نبوده است.

الیاف پنبه ۱۵۰۰ سال قبل تا ۱۵۰۰ سال بعد از میلاد در هندوستان کشت و زرع می‌شد و

حدود ۸۰۰ سال قبل از میلاد به ژاپن و چین نیز راه یافت و کشت آن متداول شد. امروزه بهترین

پنبه جهان سی آی لند نام دارد، دارای رنگ نخودی روشن با قطر  $\frac{3}{8}$  تا  $2\frac{1}{4}$  اینچ می‌باشد و در

امریکا U.S.A کشت می‌شود. امریکا، روسیه و چین بیشترین تولید پنبه را دارند.

در مصر باستان پارچه کتان به عنوان سمبل خلوص و پاکی شناخته می‌شد. در قرون

وسطی تجارت کتان یکی از مهمترین منابع درآمد گروه بزرگی از مردم اروپا بود و تا پایان قرن

هجدهم گیاه کتان مهمترین منبع تامین الیاف نساجی در اروپا و بویژه کشورهای ایرلند، بلژیک،

هلند و شوروی به حساب می‌آمد.

با توجه به زیاد شدن اهمیت پنبه در قرن نوزدهم کم کم از اهمیت کتان کاسته شد.

کنف Hemp اولین بار در حدود ۹۰۰ سال قبل از میلاد مسیح با خط سانسکریت معرفی

شده است اما قدمت آنرا تا ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد نیز دانسته‌اند. در هندوستان از این گیاه ابتدا

جهت تهیه مواد مخدر و از گلهای آن برای دارو استفاده می‌شد و سپس با کشت زیاد از الیاف آن

در پارچه بافی استفاده نموده و بعدها از هندوستان به اروپا راه یافت پس از ایجاد ارتباطهای

دریایی در قرن شانزدهم، توسعه و تکامل کشت این گیاه بحد اکثر خود رسیده و از طریق اسپانیا به

امریکای جنوبی و شمالی راه یافت بطوریکه از اواخر قرن هفده تا کنون کشت کنف در ایالت

کنتاکی از رونق خاصی برخوردار است.

ملتها در طی دوره‌های مختلف تشکیل و رشد یافته‌اند و همیشه کم و بیش در پستی و

بلندی‌های خاص برهم تاثیراتی داشته‌اند. در اواخر دوره نوسنگی پیش از سفال مهره‌گره ارتباط

تجاری بین مناطق مختلف برقرار شد. در هزاره چهارم ق. م جو و گندم از ایران به مصر و هم به

اروپا وارد می‌گردید، ارزن از هند به ایتالیا فرستاده می‌شد و جو دوسر و خشخاش اروپا در آسیا

رواج یافت و حتی به چین رسید. لاجورد از پامیر به نجد ایران می‌آمد و یشم سبزه وار در نقاط

دورتر مورد استفاده قرار می‌گرفت، همچنین قسمت مرکزی نجد ایران از نفوذ خارجی در هنر

مصون نماند.

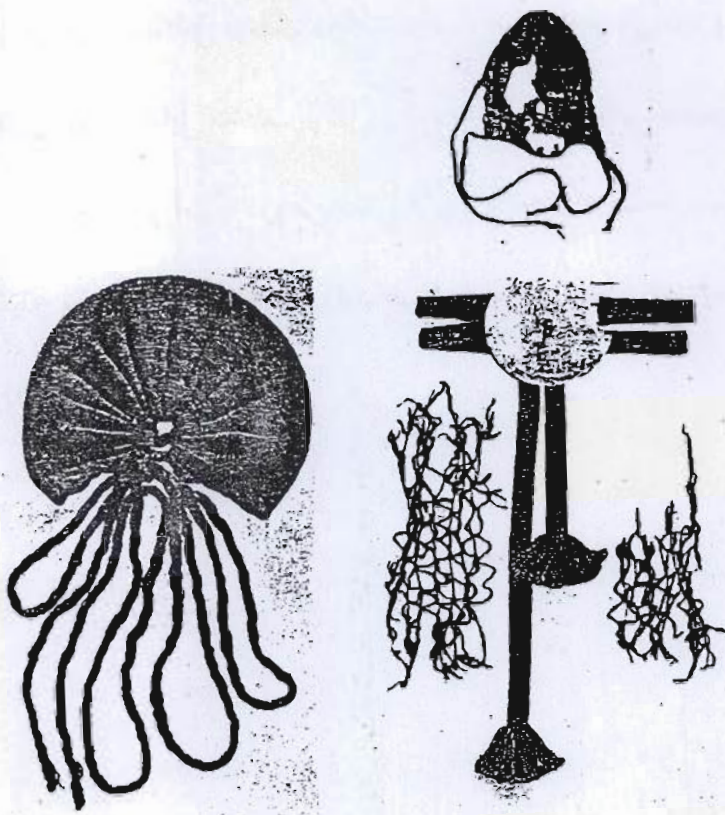
مهاجرتها و هجومهای نظامی سبب اختلاط اقوام و فرهنگها می‌شده که ترکیب آنها

تغییرات بی‌دری را در منطقه به دنبال داشته است، آسیای مرکزی قطبهای تاریخ جهان نخستین،

مراکز تمدنهای یکجانشینی و رمه داران کوچ رو مناطق استپی را با تاثیرات متقابل در خود جای

داده است.

راهها از عوامل مهم تکامل فرهنگ در گذشته بوده است در آسیای مرکزی راههای اصلی فرهنگی و تجاری حرکت قبایل مختلف و نقل و انتقالات نیروی نظامی معمولاً کوهستانهای صعب العبور و صحراهای بی آب را دور می زدند و از رودخانه های بزرگ چون سند در پاکستان، آمودریا در آسیای مرکزی به عنوان راههای ارتباطی استفاده می کردند. نقش اصلی را در همه دوره ها راهها به عهده داشته اند.



۱- لباس پیدا شده از دوره کهن برنز- موزه کپنهاک - کتان



۲- لباس پیدا شده از دوره کهن برنز- موزه کپنهاک - کتان



۲- لباس پیدا شده در آرامگاه اجنوبی - دوره برنز قدیم - موزه کپنهاک - کتان



۳- لباس پیدا شده از دوره کهن برنز - موزه کپنهاک - کتان

## منسوجات فنیقیه Phénicia

معلوم نیست فنیقیان از کجا و چه وقت آمده‌اند. دانشمندان بندر صور برای هرودوت نقل کرده‌اند که اجدادشان از خلیج فارس به این شهر زمین آمده و در قرن ۲۸ ق. م آن را بنا نموده‌اند. مفهوم فنیقیه ممکن است به معنی رنگ سرخی باشد که به بازرگانان صوری می‌فروختند. یا مقصود درخت خرماي سواحل فنیقیه باشد. این ساحل زمینی باریک به طول صد و شصت و به عرض شانزده کیلومتر بوده و میان سوریه *suria* و دریای مدیترانه قرار داشت از زمان سلسله ششم پادشاهان مصر به بعد این مردم مشغولترین بازرگانان جهان قدیم بودند. و هنگامی که در ۱۲۰۰ ق. م از زیر سلطه مصر خارج شدند تسلط بر دریای مدیترانه مخصوص ایشان بود. آنها در کار بازرگانی بسیار زبردست، مدبر و حيله‌گر بودند و خدایان متعددی داشتند.

انتشار الفبا توسط فنیقیان نشانگر ارتباط و تاثیر آنها بر فرهنگ و بازرگانی بوده است آنها کالاهای اقوام جنگجوی نواحی اطراف را از راه‌های دریایی عبور می‌دادند. بازرگان فنیقی در سال ۱۱۰۰ ق. م پاپیروس را از مصر وارد کردند، پاپیروس در برابر لوح‌های سنگین گلی بسیار سبک و الفبای مصری بسیار زیاد و عالیتر از مقاطع هجایی ناپخته مورد استفاده خاور نزدیک بود.

لباس فنیقیان از جنس کتان بود. پارچه‌های بنفش رنگ فنیقی‌ها بسیار باارزش و معتبر بودند و منسوجات فلاب دوزی که به راحتی قابل تشخیص در اسناد و مدارک هستند بر میل در استفاده از لباسهای مجلل و زیورالات رنگی تاکید می‌کند.

دو رنگ قرمز و ارغوانی برای فنیقی‌ها، دارای بالاترین اهمیت صنعتی و تجاری بود. فنیقی‌ها نقش مهمی در تاریخ پارچه غرب ایفا کردند، و به عنوان خالقین منسوجات بویژه در



سیدون sidon که بوسیله Homer و ازکیل Ezekiel تعریف شده‌اند نفوذ خوبی در هنر هندسی دوره درخشان طلوع مشرق زمین داشتند.

نواحی ساحلی از سیلیسیا Cilicia تا سینا Sinai همیشه منطقه ترانزیت و تماس عناصر نژادی گوناگون بودند. از هزاره سوم، ساکنان آنجا در کار تجارت و داد و ستد بوده که هر دوی عنوان واسطه و تولیدکننده منسوجات در زمان خود بودند، مردمان فنیقی که به نظر می‌رسد از قرن ششم ق. م. بیشترین ناحیه را اشغال کردند، بعدها اولین مرکز شهری تجارت و ارتباطات را ایجاد کردند.

رنگهای روشن در لباسهای مناطق ساحلی استفاده می‌شد. کشف کارگاههای رنگرزی دلیل بر اهمیت این صنعت می‌باشد. رنگهای آبی با استفاده از برگ نوعی گیاه Woad بدست می‌آمد. ثروت صنعتی فنیقی‌ها و بعد در دوره کارتاژها carthago بالاتر از همه از آوازه پرشور رنگ ارغوانی تیریان بود. ابتدا کیمیاگران تیریان از رنگی استفاده می‌کردند که بوسیله یونانیان و کورت نیز استفاده می‌شد. این رنگ از نوعی حلزون صدف دار که در شرق کورت یافت می‌شد بدست می‌آمد اما این منبع دریایی روشی پرهزینه و پیچیده برای استخراج رنگ به مقدار زیاد آن را دربر می‌گرفت. هر حلزون صدف دار تنها چند قطره‌ای اندک فراهم می‌نمود و این مایع یک شانزدهم مقدار اصلی آن بود و این تحت شرایط ثابت و نظارت نزدیک در شکل‌گیری کامل رنگ میسر بود. در واقع مایع گرفته شده از حلزون سفید شیری است و در برابر نور به سبز مغز پسته‌ای و سبز تغییر رنگ می‌دهد و گران‌ترین رنگ را که تقریباً ارغوانی تیره بود ازان بدست می‌آوردند. این روند و جریانها طولانی و طاقت فرسا بود و هزینه این رنگ ارغوانی بسیار بالا بود با کشف جزایری در

اتلانتیس منبع رنگ جدیدی که یک گل‌سنگ بود به نام روکلانتین توریا *rocella tinctoria* که از آن رنگ ارغوانی بدست می‌آمد کشف شد. و نوعی درخت بسیار بزرگ به نام اراتروا *Orotova* در جزیره تندریف *Tenerife* که از خود صمغ قرمز بیرون می‌داد نیز کشف شد. این منبع برای فنیقی‌ها دارای بالاترین اهمیت صنعتی و تجاری بود. رنگ ارغوانی اساساً به رنگ فنیقی معروف بوده. رنگ زرد از گیاه سافرون *saffron* گرفته می‌شد و رنگ قرمز از گیاهان مدر *madder* و حنای *henna* نیز بدست می‌آمد.

## منسوجات سومر Sumer

با توجه به خرابه‌های نیپور شاید بتوان اولین شاهان سومری را به ۵۲۶۲ ق. م نسبت داد. اما بطور قطع سومریان د ۳۶۰۰ ق. م در شرق نزدیک به طرف باختر غرب فرات زندگی می‌کرده‌اند. با تمام پژوهشهایی که به عمل آمده تاکنون معلوم نشده سومریان از چه نژادی هستند و از کدام راه به سرزمین سومر آمده‌اند.

آثار باقی مانده این قوم نشان می‌دهد سومریان مردمی کوتاه بالا و تنومند بایینی بلند و راست و غیر سامی بوده‌اند. (تصویر ۵) اکثراً ریش داشته و تنها موهای پشت لب را می‌سترده‌اند. بزرگترین شاه سومر اور - انگور همه سرزمینهای آسیای غربی را تحت فرمان درآورد و نخستین قانون نامه‌ای را که تاریخ می‌شناسد انتشار داد و آن را به نام شمس (نور خدایان) معرفی نمود. زمانی که تمدن سومر روی کار آمد بدون شک پرستش خورشید مدتی بود انتشار داشت و مظهر آن نیایش شمس (نور خدایان) بود و خورشید را تنها چرخشی از ارباب آتشین شعله‌های خدا می‌دانستند که در روز بالا می‌آمد. آنها خدایان مختلفی داشتند که بیشتر در معابد بسر می‌بردند و هدایایی برایشان می‌آوردند. بزرگترین معبد به صورت زیگورات بود با سه تا هفت طبقه و وسعت به مراتب کمتر از طبقه پایین که شایسته خدایان حامی شهرهای سومر بود.

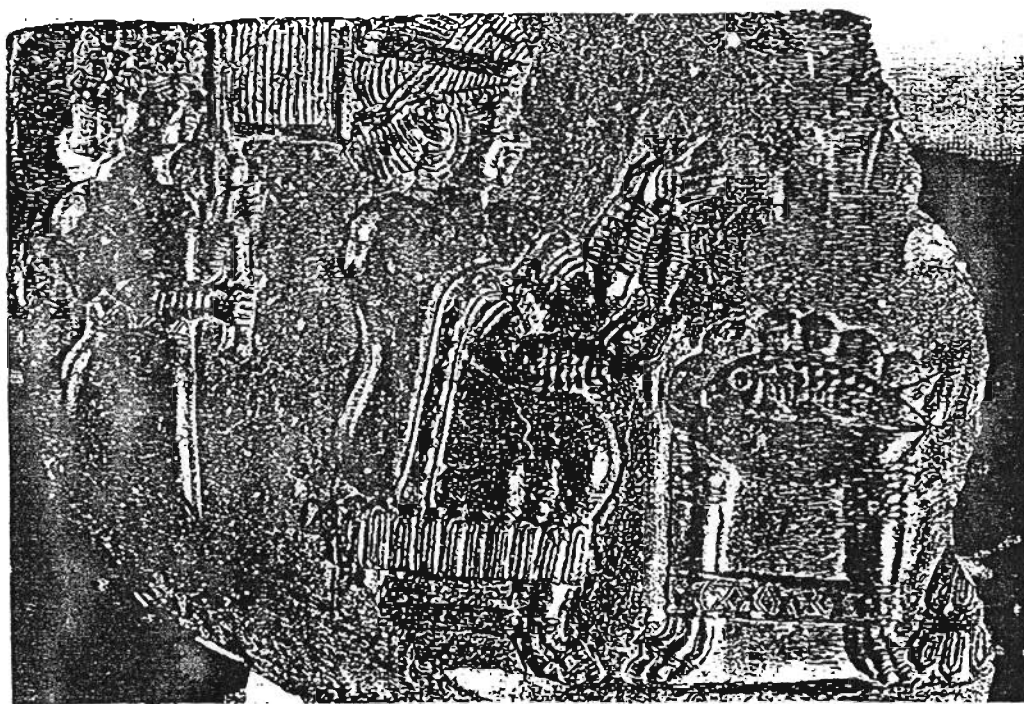
سومریان در قدیمترین شکل خود یعنی دوره ال عبید Al Vbaid در هزاره چهارم ق. م برای پوشاک خود از پارچه‌های پشم تابیده نازک گوسفندان (تصویر ۶) و موی بزها استفاده می‌کردند. شال پشمی آنها از ترکیب پوستها یا خزها یا پارچه صاف یا خیلی پرزدار تشکیل شده بود و آنها علاوه بر استفاده از پوست و پشم و موی حیوانات تولیدات نساجی نیز

داشته‌اند. (تصویر ۷) که بیشتر از کتان بوده است، آنها در شهر کیش شرق فرات جایگاه کهن‌ترین فرهنگ شناخته شده نیز از پوست گوسفند و پشم تابیده نازک برای خود لباس تهیه می‌کردند. در این دوره پارچه بافی صنعت رایجی بود و کسانی از طرف شاه معین می‌شده بر آن نظارت می‌کردند.

در این دوره سومر با هند و مصر روابط تجاری داشته است و از این دو سرزمین و خصوصا هنرمندان دره‌های هند تاثیر می‌پذیرفته است این نفوذ هنری بر بافندگی و تزئین پارچه نیز تاثیر داشت. بنابراین بعضی عقاید مصر از هنر و علم سومر تاثیر پذیرفته بود.



۵- سومریان



۶- فتح ریان دوره سومر - موزه لوور پاریس - ۱۰۰۰ تا ۵۴۰ ق.م



۷- سومری از معبد ایشتار - لوور پاریس

تمدن بابل و آشور احتمالاً از آمیختن تمدن سومرواکد Akkad و یا بوسیله آنها بارور شده است. بابل از لحاظ تاریخ و نژاد مردم نتیجه آمیختن اکدی‌ان و سومریان به شمار می‌رود آغاز این تاریخ با وجود حمورابی یعنی ۲۱۲۳ ق.م آغاز می‌شود. دو هزار سال پیش از میلاد بابل یکی از ثروتمندترین شهرهایی بود که تاریخ قدیم و جدید شاهد آن بوده است. بابل بر ساحل نهر فرات قرار داشت. این قوم بسیار ثروتمند بوده و احتمالاً واضح علم نجوم می‌باشند و به علم پزشکی کمک بسیاری نموده‌اند، علم لغت را پدید آورده‌اند و نخستین قانون توسط این تمدن نوشته شد و اصول علم حساب و فیزیک و فلسفه را به یونانیان آموختند.

بابلیان چهره سامی داشتند مشکین موی و سیه‌چرده بودند مردان غالباً ریش داشتند و گاه کلاه گیس می‌گذاشتند. هر دو زن و مرد گیسوان خود را بلند نگه می‌داشتند. تمدن بابلی اصولاً بر پایه بازرگانی تکیه داشته است. تعداد خدایان زیاد بود چرا که نیروی تخیل مردم حدی نداشت و احتیاجاتی که مردم برای آنها خود را نیازمند خدایان می‌دانستند نامحدود بود. در قرن نهم ق.م نزدیک به ۶۵۰۰۰ خدا در بابل وجود داشته است و مشهورترین خدایان خدایان نجومی بودند. زمانی که ثروت عمومی زیاد شد مردم به رنگهای گوناگون علاقه پیدا کردند و لباسهای رنگارنگ از جمله کبود روی سرخ یا سرخ روی کبود می‌پوشیدند. رنگها به صورت خطها و دایره‌ها یا نقطه‌ها درمی‌آمد. پارچه‌ها را با پنبه و پشم می‌بافتند (تصویر ۸) و چنان خوب رنگرزی و زرکشی می‌کردند که گرانترین کالای صادراتی بابل همین گونه پارچه بود. نویسندگان یونان و روم باستان با ستایش و تحسین از این پارچه‌ها نام برده‌اند بنابراین گفته ویل دورانت در این دوره

پارچه زریفت، قالبهای نرم و پارچه‌های خوشرنگ تهیه می‌شده است.

آشور تمدن جدیدی بود که در حدود پانصد کیلومتری شمال بابل با به عرصه وجود گذاشت و بتدریج شهرهای عیلام، سومر، اکد و بابل را تسخیر کرد و بر فنیقیه و مصر دست یافت. خدایی به نام آشور نام خود را به شهری داد که امروز شناخته شده و مربوط به ۳۷۰۰ ق. م می‌باشد و سپس تمام مملکت به این نام خوانده شد شلمنصر اول کشورهای کوچک شمال را زیر فرمان خود درآورد اما نخستین نام بزرگ در تاریخ آشور نام تیگلت - پیلسر است.

زندگی اقتصادی مردم آشور با مردم بابل تفاوت فراوانی نداشت چرا که ساکنان این دو ناحیه در واقع ساکنان شمال و جنوب فرهنگ و تمدن واحدی بوده‌اند. آشوریان برخلاف بابلیان که بیشتر بازرگانی می‌کردند به کار کشاورزی پرداختند. و رنگ کردن پارچه در آشور رایج بود.

آشوریان در سال ۱۲۵۰ ق. م امپراطوری بابل را مغلوب نمود و در طی قرن هفتم و هشتم به اوج فرهنگ خود که از چند فرهنگ تشکیل شده بود رسیدند. جنس لباس آنان از پشم یا کتان سفید بود و نقشهایی از گل سرخ بر آن قلابدوزی می‌کردند. رنگهای قرمز، سبز، و ارغوانی درخشان قهوه‌ای، ارغوانی تیره ارغوانی مایل به آبی و قرمز تیره مورد استفاده بود.

پادشاه کندیس ارغوانی با برودری دوزی زرین می‌پوشید، پارچه‌های ضخیم با ارزشن پوشاک که در سومر مرسوم بود در بابل و آشور ترقی نمود و پشم پیشرفت تدریجی در یافت تکمیل شد چنانکه در لوحه‌ها، پارچه پشمی به تکرار ذکر شده است. در بابل صفتی برای نخ و بافته‌های پشمی وجود داشت. (تصویر ۹) از ظرفهای سفال پیدا شده بنظر می‌رسد رنگ در پوشاک دوره آشور سبز یا قرمز یا لبه زرد بود و لباس با حاشیه‌ای در دو رنگ یک در میان آراسته



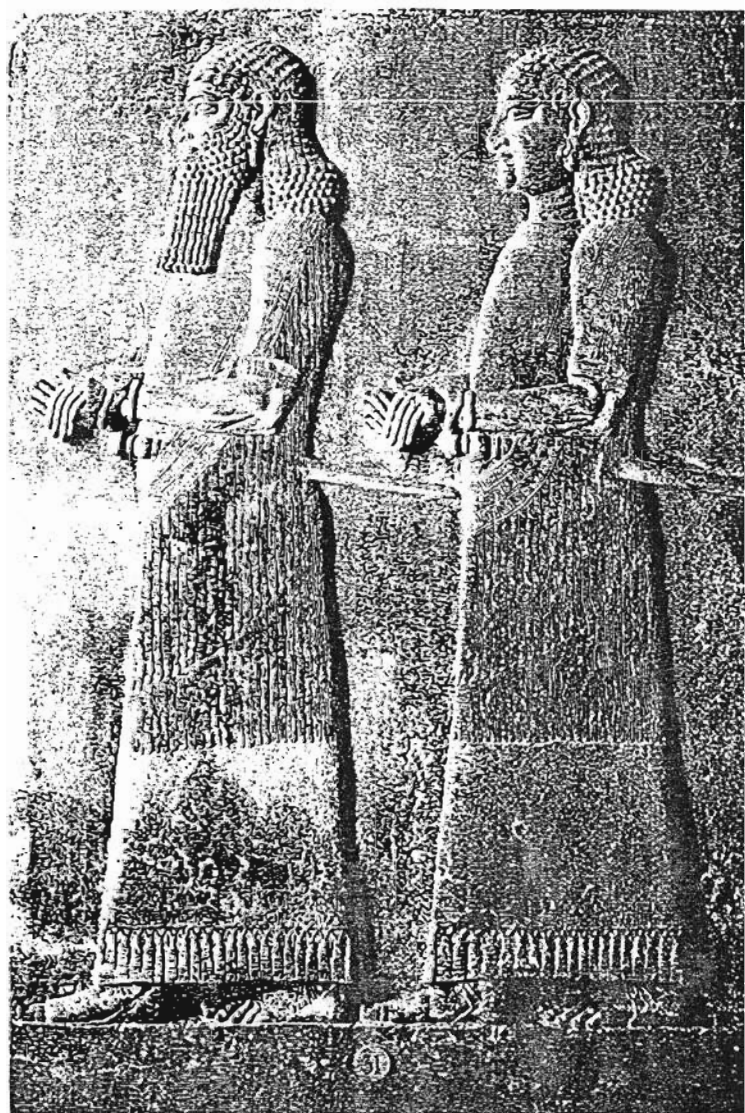
می‌شد. وسایه‌های گوناگون از قرمز که کم‌رنگ آن بنظر بیشتر می‌رسد و اشاره‌هایی از آبی، قرمز،

قهوه‌ای، ارغوانی تیره، ارغوانی آبی، قرمز تیره در پوشاک وجود داشته است.



۸- موزیسینهای بابلی - نینوا - قصر آشور بانیهال - قرن هفتم ق. م - لوور پاریس

۹- دو افسر شاه سارگون از خرساباد - قرن هفتم ق. م - کوور پاریس



## منسوجات کرت Creta

تمدن کرت از ۱۸۹۴ تا ۱۹۲۰ کشف شد زنان نیمه برهنه و مردان کرت در قسمت بالایی بدن برهنه هستند و این لباس آنان را به مردمانی ما قبل تاریخ میانی شرقی مربوط می سازد به گفته هومر در میان دریای مدیترانه سرزمینی به نام کرت با نود شهر وجود دارد. روزگاری این جزیره بسیار پرثروت بود و با ناوگانی نیرومند بر قسمت اعظم دریای اژه و بخشی از شبه جزیره یونان سلطه داشت. در این جزیره آثاری از عصر نوسنگی مشتمل بر ظرفهای سفالی، قطعات دوک نخریسی و مجسمه و ابزار و سلاح بدست آمده است.

قرن شانزدهم و پانزدهم ق. م اوج تمدن اژه‌ای و عصر طلایی و کلاسیک کرت است. اجتماع کرت تقریباً برمدار مادر سالاری می‌گشت و اعتقادات دینی کرت مشتمل بر عناصر فیشیسم Fetichisme، خرافات، ایدئالیسم و احساس احترام بود و کوهها، غارها، سنگها، عدد سه، درختان، ستونها، خورشید، ماه، بز، مار، کبوتر و گاورا می پرستیدند. در نظر انسان کرتی مادر لاهوتی یا مادر خدا، نماینده سراسر حیات است.

از اوایل ۱۷۵۰ تا ۱۵۸۰ ق. م و اول ۱۵۸۰ تا ۱۴۵۰ ق. م گونه‌های متعددی از البسه که با منسوجات قیمتی دوخته می شدند آغاز به ظهور کرد. گلوتز Glotz می نویسد مدتها قبل ساکنان کرت پشم رسی می کردند و تنها تکه‌های کمی بواسطه شرایط آب و هوایی در گورستان زافرپورا Zapher- Papoura و میسنی Mycenae یافت شده است. (تصویر ۱۰)

مردمان کرت از کتان که درخت آن زراعت و پرورش می یافت استفاده می کردند و پشم رسی و بافندگی صنایع نزدیک در کرت و دیگر نقاط بود و در رنگ آمیزی تفاوت داشتند. از پشم

چینی گوسفندان تا برش پارچه‌ها و هر چه مربوط به البسه می‌باشد، شانه‌های پنبه‌زنی، آلانی که گلوله پشم رسیده را روی آن می‌گذارند ماسوره‌های شکاف دار که طول محور آنها سوراخ می‌شدند، سنجاقها و درفشها و سوراخ‌کن‌ها یافت شده‌اند. منسوجات و پارچه‌ها با قلاب دوزی همراه می‌شدند، سفالینه‌ها، گلدانها و مجسمه‌ها نشان دهنده پوشاکی عالی با تزئینات فلابدوزی می‌باشند که لبه‌های تیز یا قلم موهای عالی یا حتی بوسیله خاک رس شکل می‌گرفتند. ( تصویر

(۱۱)

تجارت خارجی در گسترش لباس کرتی نقش قابل توجهی داشت. پارچه‌های رنگ شده و جواهرات در این داد و ستدها جایگاه بسیار مهمی داشتند، زنان میسنی به سبک کرتی لباس می‌پوشیدند و در جستجوی پارچه‌های اشرافی بافته شده در این جزیره نیز بودند. بنابر ارتباط راههای شرق و غرب و شمال و جنوب تمدن و در نتیجه لباس کرتی در مناطق مختلف و حتی کل مدیترانه نفوذ کرد و نامهای جدیدی به خود گرفت.

از قرن شانزدهم کرت‌ها که با نام کفتی kefti در مصر شناخته می‌شدند در نقاشیهای مقبره با ویژگی مشخص فیزیکی قابل شناسایی هستند مثل دامن‌های بسیار بدن نما و چکمه‌های بلندشان، آنها در حال آوردن محصول خود به سرزمین فراغنه هستند، بویژه محصولاتی نظیر منسوجات بخاطر تجارت پارچه و راههای دریایی فنیقیان بود که هنر مصریان بر لباس کرتی اعمال نفوذ کرد. نوآوری کرتی‌ها احتمالا با روشهای کارخانه‌ایی و از هنر و تولید عمده برای یک بازار عظیم صادراتی رابطه داشته است.



۱- نیگور خدای رویش از قرن هفتم ق. م - لوور پاریس

۱۰- فیگوراز کنوسوس - خدای مار - موزه هراکلیون



کشت جو و ارزن و گندم و اهلی کردن گاو و گوسفند و بز از دورترین زمانهایی که از آن آگاهی داریم در مصر و بین النهرین معمول بوده است این حیوانات و گیاهان هرگز به صورت وحشی در مصر دیده نمی شوند بلکه در زمینهای آسیای باختری و مخصوصاً یمن و عربستان قدیم می توان آنها را یافت. کشت دانه و اهلی کردن حیوانات در زمانهایی که از آن هیچ سندی در دست وجود ندارد در عربستان پیدا شده و از آنجا به سرزمین بین النهرین (سومر، بابل و آشور) و مصر انتقال یافته است.

فرهنگ و تمدن در نخستین سلسله های سلطنت در زمان باستان از شکار و کشاورزی سود می جست و به جای ابزار سنگی از ابزار فلزی استفاده می شده است. مصریان کرجی می ساختند، گندم را آرد می کردند و با الیاف کتان پارچه و فرش می بافتند. آنها خود را با زیورآلات می آراستند و با مواد معطر خوشبو می کردند. و به آرامش شخصی علاقه مند بودند. بافندگان مصری فرشها و پارچه های گلابتون دار برای زینت دیوارها، پشتیها و بالشها را چنان ظریف و لطیف می بافتند که مایه حیرت است.

در آغاز تمدن سلسله های نخستین کودکان سیزده ساله سر تا پا برهنه بودند و جز گوشواره و گردنبند نداشتند و دختران به جهت شرم به کمرگاه خود کمربندی از مروارید و خرمهره و ... می آویختند. خدمتگزاران و کشاورزان تکه پارچه ای دور کمر خود می بستند. در دوره سلطنت قدیم بدن مصریان در کوچه و بازار تا نافگاه برهنه بود و لنگ کوتاهی از پارچه سفید تا بالای زانورا می پوشاند. (تصویر ۱۲) حتی کاهنان در دوره سلسله های نخستین به پوشاندن عورت بسنده می کردند.

## منسوجات مصر باستان Ancient Egypt

هیچکس نمی‌داند مصریان قدیم از کجا به این سرزمین آمده‌اند. پاره‌ای دانشمندان آنان را از اختلاط مردم نوبه، حبشه و لیبی و از طرفی مهاجران سامی یا ارمنی می‌دانند. حتی در آن زمان نیز نژاد خالص و یکدستی بر روی زمین وجود نداشته است. احتمال دارد مهاجران آسیای باختری و حمله‌کنندگان، تمدن و فرهنگ عالیتری را با خود به مصر آورده باشند و از آمیزش آنان با بومیان نیرومند نسل دورگه‌ای بوجود آمده باشد.

احتمال دارد پاره‌ای قسمتی در تمدن مصری از سومر و بابل سرچشمه گرفته باشد، در آن زمان ارتباط‌های بازرگانی میان بین‌النهرین و مصر وجود داشته که خصوصا از راه ترعه سوئز صورت می‌گرفته است. به نظر می‌رسد خط نویسی تصویری مصر، مربوط به دوره پیش از سلسله‌های سلاطین، از بلاد سومری به آن سرزمین رسیده باشد. قدیمی‌ترین رمز تصویری که تاکنون شناخته شده است در فلینه رزتبری بر روی قطعه‌های سفال و ظروف کالی و تکه‌های سنگ در مقبره‌های ماقبل تاریخ مصر و اسپانیا کشف شده که تاریخ آن به ۷۰۰ سال پیش از م می‌رسد. این رموزها و علامتهای خط نویسی که در حوضه مدیترانه به دست آمده شامل نزدیک به سیصد رمز است که بیشتر آنها در نواحی مختلف با هم شباهت دارند و این خود نماینده رابطه بازرگانی میان کشورهای اطراف مدیترانه در ۵۰۰۰ سال ق. م می‌باشد و بیشتر جنبه علامت تجاری دارد. صنعتها نیز به نظر می‌رسد در باختر آسیا ایجاد شده و سپس به مصر انتقال یافته است بطوری که ریشه و عنصرهایی که نیل از دجله و فرات گرفته رشد و ترقی نموده بارور شده و تمدن خالص و ویژه مصری را بوجود آورده است.



هر چه توانگری بیشتر می شد لباس و انواع آن افزایش می یافت. در دوره میانه لنگ بلندتری از لنگ نخستین به پوشش مصریان افزوده شد. در دوره سلطنت جدید، پوششی برای سینه و روپوشی برای شانه‌ها اضافه کردند (تصویر ۱۳) که گاه به گاه می رفت. در دوره‌های فراوانی و تجمل اخیر زنان دامن تنگ را دور انداختند و به جای آن پارچه عریض و طولی بر دوش می انداختند و کنار آن را زیر سینه راست سنجاق می زدند. و زردوزی و حاشیه و گلابتون دادن به لباس رواج یافت. زن و مرد گردن، بازو، مچ دست و پا را با جواهرات می آراستند.

بافتندگان مصری بوسیله رشته‌هایی از نخ که در تمام پارچه‌بافی نظیر آن دیده نشده است پارچه می بافتند. قطعه پارچه‌هایی بدست آمده که حدود ۲۰۰۰ هزار سال ق. م بافته شده است این پارچه‌ها از ظریفترین پارچه‌های امروز ظریفتر هستند و بدون ابراز دقیق از ابریشم تمیز داده نمی شود. بنظر می رسد بافتن پارچه‌کنانی از کارهای مصریان است.

مصریان برای بافت پارچه از فیبرهای گیاهی استفاده می کردند بخصوص از کتان که در دوره باستان در مصر رشد می کرده است. پارچه کتان سبک و خنک است و به راحتی قابل شستشو است. به همین دلیل برای لباس کار در آب و هوای گرم مناسب می باشد. و از گیاه بردی Papyrus یا پاپیروس، ریسمان، طناب، حصیر، کفش سرپایی و کاغذ می ساختند. (تصویر ۱۴)

الیاف پشم که در بیشتر سرزمینهای باستانی آسیایی مورد استفاده بود، توسط مذهب مصریان ناپاک شمرده می شد هر چند در قرن اول پیش از میلاد ردهای پشمی مورد استفاده قرار می گرفت استفاده از پشم در معابد و هنگام دفن ممنوع بود. بدون شک پذیرش پارچه کتان توسط مصریان بیشتر مدیون رنگ سفید طبیعی اش بود. چرا که رنگ سفید مقدس بود و مذهب مصر حتی در

مسایل هنری قوانین سختی داشت. آنها به دلیل ترس از خطر شوم شدن و بوجود آمدن مصیبت با هر نوع تغییری در نمایاندن هنر از آنچه تا آن زمان ریشه گرفته بود مخالفت می‌ورزیدند. طلا و رنگها در مصر بیشتر برای حمایلها، شال کمرها و جواهرها بکار می‌رفت.

در طی سه هزار سال بنظر می‌آید در کارگاههای بافندگی پارچه‌های کتان بصورت افقی بافته می‌شدند. (تصویر ۱) دستگاههای بافندگی عمودی تنها در هزاره دوم ظاهر شدند. در کنار مومیایی‌ها تکه‌های پارچه‌ای پیدا شده است که ابعاد کوچکی دارند. مصریان تمام قسمت‌های پائینی بدن را می‌پوشاندند در حالیکه قسمت‌های بالایی بدن را برای استفاده از نور با پارچه‌های شفاف پوشانده یا برهنه باقی می‌گذاشتند. برهنگی کامل شرایط فروتنانه‌ای بود که برای هر کسی بجز کودکان مورد نظر بود. در پیکر تراشیهای مصری پیکره‌های بسیار کمی بدون پوشش دیده می‌شود. خانواده‌های با اصل و نسب در تمثالهایشان عریان هستند و این تمثالها به جهت از دست ندادن طبقه اشان بعد از مرگ بوجود می‌آمده است. در پیکر تراشیهای ممفیس Memphis زنان اغلب لباس پوشیده‌اند و مردان و پسران جوان آزاد چنین نیستند و آن بدان جهت است که در بعضی مذهبها ممکن است استثنا وارد شده باشد.

با توجه به پیروزی توت موسیس سوم Tutmosis III هنر بافندگی در مصر بطور کامل پیشرفت نمود چه بسیاری از بافندگان خارجی برای سکونت به آنجا آمدند و نام سرین syrian مترادفی برای بافنده شد. این پیشرفت در تولید منسوجات موجب معرفی سبکهای آسیایی شد و تغییری در پوشاک مصری بوجود آورد. این پیشرفت بواسطه منسوجات یافته شده در آرامگاه توت آنخ آمون Tutankhamen (سلسله ۱۸) مشخص شده است.

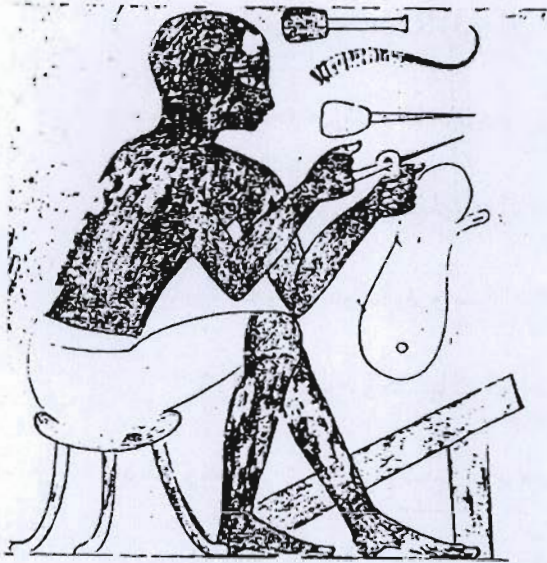
دوره رامس Ramesses (قرنهای ۱۲ و ۱۳ ق. م) به پارچه سبک و روشن، چینه‌های ظریف

یا جمع شده توجه می‌شد. نقاشان مصری پادشاه جدید، شفافیت پوشاک زنان را بوسیله تاریک کردن، بواسطه ترکیبی از رنگهای مواد تیره نشان می‌دادند. مدل سازی و نمایش برجستگی حلقه‌ها بوسیله سایه در سفید و سیاه منتقل می‌شد.

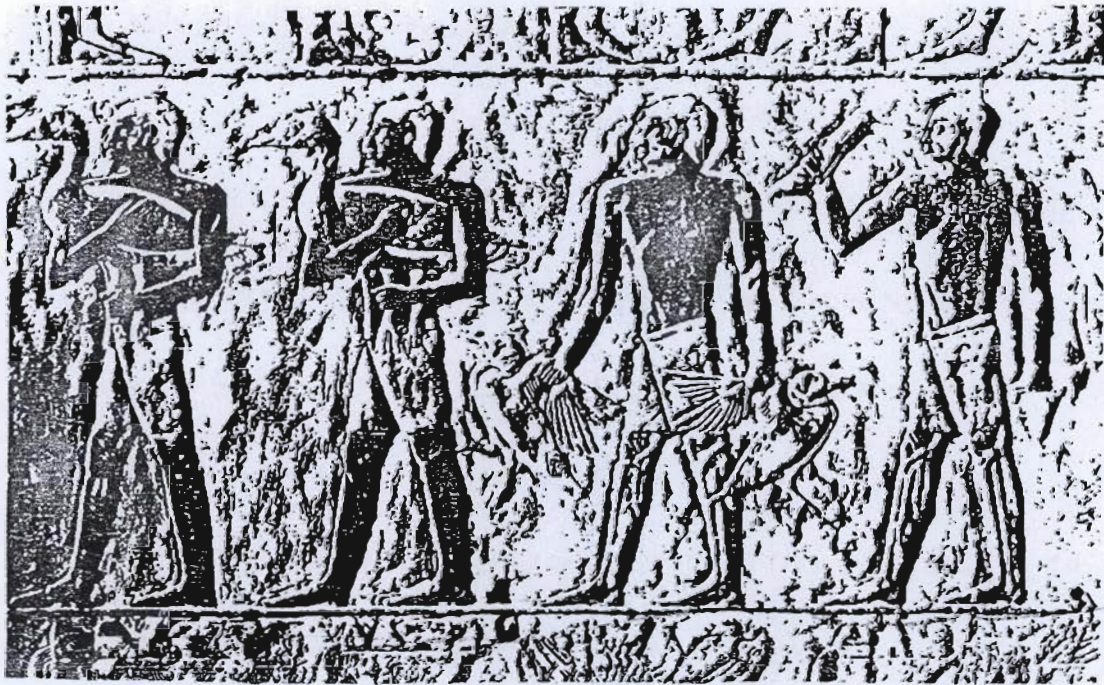
از شواهد موجود و کشفیات فهمیده می‌شود که طراحی منسوجات به نظر خیلی گوناگون بوده‌اند و عمومی‌ترین طرح شامل دایره‌های منظم یا اشکال گل روی لباس با حاشیه زینتی است که احتمالاً به عنوان لباسهای رسمی سلطنتی بافته می‌شد. شکل‌های زینتی این گمان را بوجود می‌آورد که بطور جداگانه قلاب دوزی شده‌اند. نقشهای هندسی و شبیه به بدن ماهیان و فلس‌های آنان نیز مورد استفاده مصریان قرار داشت. و این از آن رو بود که رابطه بسیار نزدیکی با موجودات دریایی رود نیل داشتند. (تصویر ۱)

پوشاک مصریان بدلیل آب و هوای گرم از جنس کتان تهیه می‌شد و برای طبقه بالا جنس ملامل مورد استفاده بود که از الیاف بزرگ استفاده می‌کردند بیشتر از رنگ سفید و گاه از رنگهای تیره نیز سود می‌جستند. لباس شنّتی shenti از کتان تهیه می‌شد. و پیراهن‌ها را با زیبایی و مهارت بسیار با نخ‌های زرد که به شکل الیاف نازک درآمده بود پرودوری دوزی می‌کردند. در مصر مردان پشت کارگاه بافندگی می‌نشستند و فرآورده‌های فراوان با قیمت نازل تولید می‌کردند.

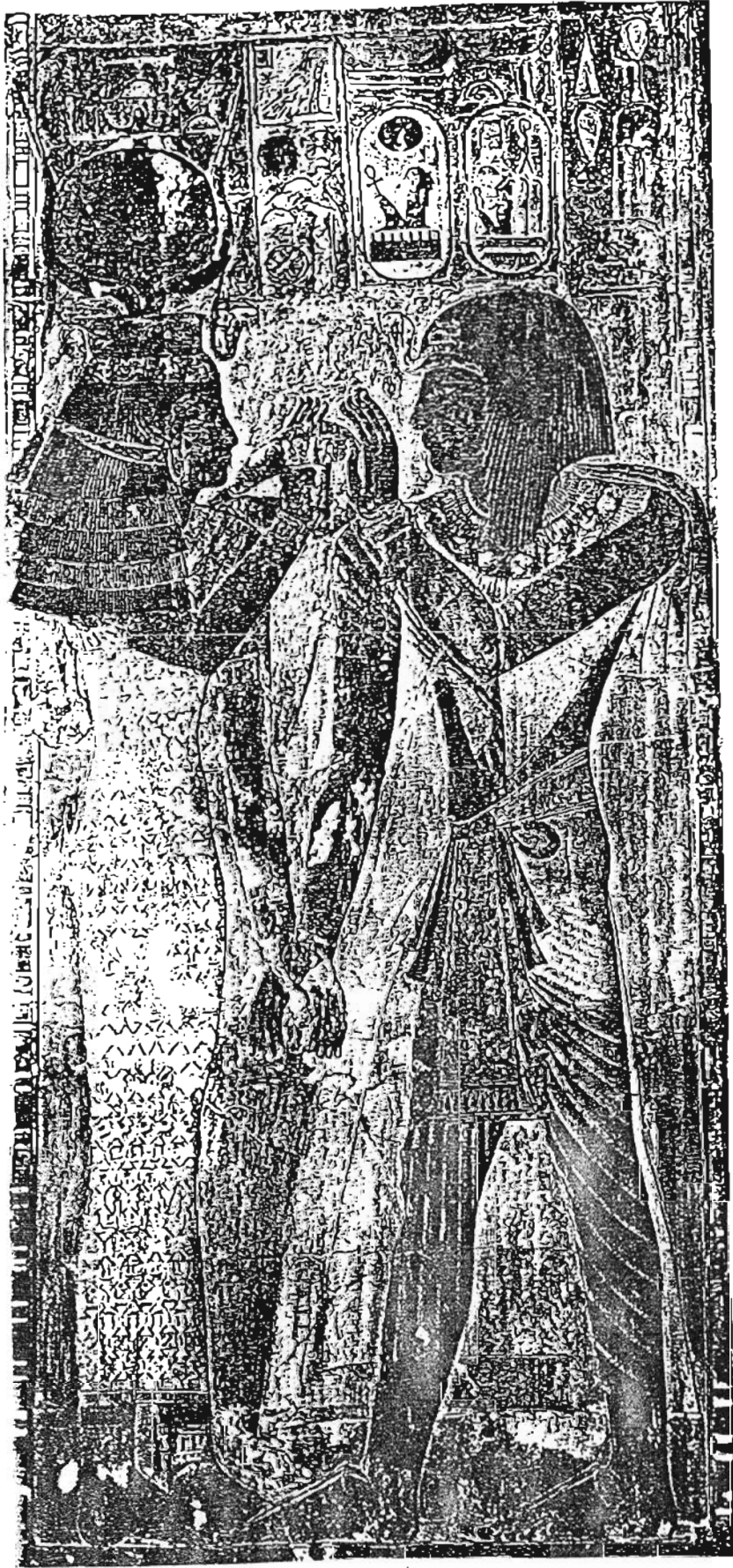
بعد از سلسله‌های هجدهم و نوزدهم از ۱۵۸۰ تا ۱۳۲۰ ق. م می‌توان نفوذ هنر اژه‌ای را به هنر مصریان ردیابی کرد که هنوز با واسطه فنیقیان صورت می‌گرفت.



۱۴- طریقه ساخت صندل - موزه متروپولیتن نیویورک.



۱۲- لباس مصریان از مصطبه اکت هتپ ۲۵۶۳ تا ۲۴۲۳ ق. م - لوور پاریس



۱۳- نقاشی از سلسله نوزدهم - لوور پاریس

## منسوجات مصر از قرن ۵ تا ۷ م

نساجان مصری در این دوره از موضوعات ایرانی تقلید می‌کرده‌اند چنانکه در بافته یک گوبلن که دارای نه رنگ می‌باشد و دو صحنه بر روی یکدیگر قرار گرفته‌اند (تصویر ۲۸۹). در قسمت بالایی شاه را در وضع معمولی و سنتی خود نشان می‌دهد و مراحل مختلف جنگ سواران تیرانداز که در میانشان سیاه پوست هم هست دیده می‌شود. و در قسمت پایین ماه و ستاره‌ها بر زمینه آبی رنگ نقش شده است. بنظر می‌رسد این نقش که موضوعش تجلیل از شاه است بر سبیل نساجان ایرانی از روی یک نقاشی دیواری ساخته شده بوده است و مصریان آنرا از روی نقش یک پارچه ساسانی تقلید کرده‌اند. نسبت سرهای بزرگ به تنه و وضع نشانه گیری و رزم آوری شبیه به سبک هلنیستی متاخر مصری می‌باشد این پارچه احتمالاً به آخر قرن ششم و اول قرن هفتم تعلق دارد و در آنتی نوته بدست آمده است. (تصویر ۱۵)

بافته‌های دارای نقش انسانی که اغلب در متن تزئینات دایره وار قرار دارند وجود دارد این بافته‌ها در زمینه طرحهای بزرگی دارند. روش بافت آن به تاثیر از هنر دستی مصری و سوربایی و با روش ایران ساسانی می‌باشد. طرح سوارانی که بر روی زین اسب برگشته و کمان می‌کشند بسیار رایج است. در این نقشها سواران حیوانات را که گاهی بر روی هم قرار گرفته‌اند پایمال می‌کنند (تصویر ۱۶) که به سبک ساسانی بافته شده‌اند در پارچه‌ای مصری دو سوارکار دیده می‌شود و درخت مقدس بین آنها قرار دارد تاریخ این پارچه به ۶۵۰ میلادی می‌رسد.

از بافته‌های بدست آمده از آنتی نوته مربوط به سده ۷ میلادی نقشهایی از پشم رنگارنگ بر متن گلی کمرنگ وجود دارد (تصویر ۱۷) سبک آن مطابق اصل نقش در قاب دایره وار است که

درخت مقدس بین دو سوار قرار دارد. این بافته بین کونست گور به موزئوم در برلن و موزه ژرمنی نورمبرگ تقسیم شده است. دو سوار رویروی هم قرار دارند دارای کلاه خودی یا سه پر و سوار بر اسب بالدار که نیمرخ شبيه به اسب ماهی دارند در حالی که یک درخت زندگی با قرار یافتن پرنده‌هایی بر آن بین دو سوار قرار دارند. زیر اسب‌ها شیرها در مقابل هم هستند و در سطح اطراف آنها حیوانات دیگر همانند ببر چهار پایان را از پای درمی‌آورند در حاشیه قاب دایره‌هایی وجود دارد که درونشان نقش گوزن و سگها وجود دارد. این پارچه مصری از اصول هنر تزئینی ساسانی که دارای تقارن و شکلی هندسی موجودات جاندار است تبعیت می‌کند.

گورستان زیرزمینی آنتی نوه شهر مصری در کنار رود نیل است که امپراطور هاردین در آن معبدی به افتخار دوستش آنتی نوئوس ساخت و شهر را آنتی نوه نامید. دو قطعه پارچه دیگری از این مکان بدست آمده است که نقش حیوانات روی آنها نمودار مظاهر ویژه‌ای هستند. قوچ (تصویر تا ۲۷) مظهر خورنه یا فره و نشان قدرت شاهی است و اسب بالدار (تصویر ۱۸) تغییر شکل از خدای ورثرغن می‌باشد. ورثرغن ایزد دین کهن ایران و پشتیبان ایران و ایزد حمله پیروزمندانه است این تصویر بر روی نقش برجسته‌های آشوری و برنزهای لرستان نیز وجود دارد و گردونه میترا را بر استودن نیشابور می‌سازد. نشان یک نیروی شاهی است که ایزدی آنرا تقدیس می‌کند. بر پارچه‌ای دیگر نقش قوچ شرقی با نوارهای موج از آنتی نوه در موزه لیون قرار دارد (تصویر ۱۹) این قوچها در میان قابهای چرخ گونه قرار نگرفته‌اند و در چند ردیف و در جهت مخالف نقش شده‌اند.

کشور مصر در قرن هشتم میلادی مسلمان شد در حالیکه قبطنی‌ها از دیرباز به فن بافندگی

اشتغال داشتند. هنر قبطی همزمان با تاثیر هنر ایرانی به کشورهای همجوار تحت تاثیر قرار گرفت و به این جهت در برخی پارچه‌های قبطی نقشهای تزئینی ساسانی آمیخته به عناصر هنری بومی و بیزانسی دیده می‌شود بافندگان در ایجاد چهارخانه یا دایره‌های قاب وار اصرار دارند تا نقش را محصور نمایند. گاهی نقشهای محصور شده از عناصر هندسی یا گل و برگ تشکیل شده‌اند و گاهی حیواناتی به صورت قرینه رویرو یا پشت به هم هستند که در میان آنها آتشدانی یا درخت مقدسی قرار دارد و یا نقش سوارانی در حال تیراندازی و تاخت اسب در حال شکار حیوانات وحشی است. این اصول هنری قبل از وارد شدن به هنر عربها در هنر بیزانسی سهم مهمی را داشته‌اند. رنگ پارچه‌های قبطی ویژه و متفاوت با پارچه‌های ایرانی است.

نقش زن در میان پنجره گجبری و نقش ماسکهای انسانی و پرندگان متقابل از هنر ایرانی اقتباس شده است. در (تصویر ۲۰) که بافته‌ایست مربوط به قرن پنجم و ششم میلادی جنبه ذهنی بودن قوی دارد و بنابراین نخیل بافته شده است چرا که نقش سرها در یک شکل واحد تکرار می‌شود و بر روی هم قرار می‌گیرد و به دلیل تکرار واحد یک نقش جلوه‌ای تصنعی می‌یابد.

بر روی نمونه‌ای دیگر از بافته‌های قبطی (تصویر ۲۱) نقش اشخاص زیر قوسهایی بر روی دو ستون قرار داده شده است که تقلیدی از هنر پیکرسازی دوران یونان گرایی است این نقش بر روی ظرفهای سیمین ساسانی نیز بکار برده شده است. و با توجه به استودانهای قدیم ایران شرقی می‌توانیم بگوئیم که این بافته‌ها برای پیچیدن مردگان تهیه شده‌اند.

هنر بافته‌های قبطی دارای خطوط هندسی و ترکیبات خطها می‌باشد در حالیکه با استفاده از هنر ساسانی به سرانجام می‌رسد و جنگ و شکار را در زندگی صحراگردی به نمایش می‌گذارد.



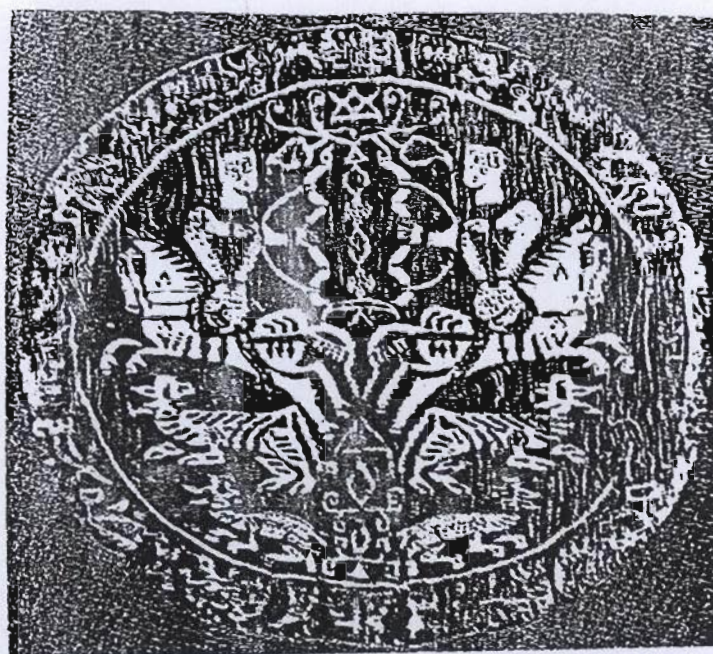
کهن‌ترین مبدا بافته‌های آنها ناحیه‌ای بوده که ابتدا با آن در تماس بوده‌اند. یعنی ایران و با نمونه‌های بافته‌های بین‌النهرین و سوربایی و بیزانس به میانجی ایران آشنا شدند.

کار چاپ کردن یا مهرزدن طرح تزئینی بر روی پارچه در زمان قبطی‌ها مرسوم بود و در دوره اسلامی در مصر تکمیل شد و سپس به اروپا و مخصوصاً به آلمان راه یافت. نساجان عرب برای چاپ طرح‌های تزئینی روی پارچه قالب چوبی بکار می‌بردند. و این تزئینات معمولاً طرح کلی شکل‌های توریقی به رنگ طلایی بود که نمونه‌اش نیز در موزه متروپولیتن موجود است.

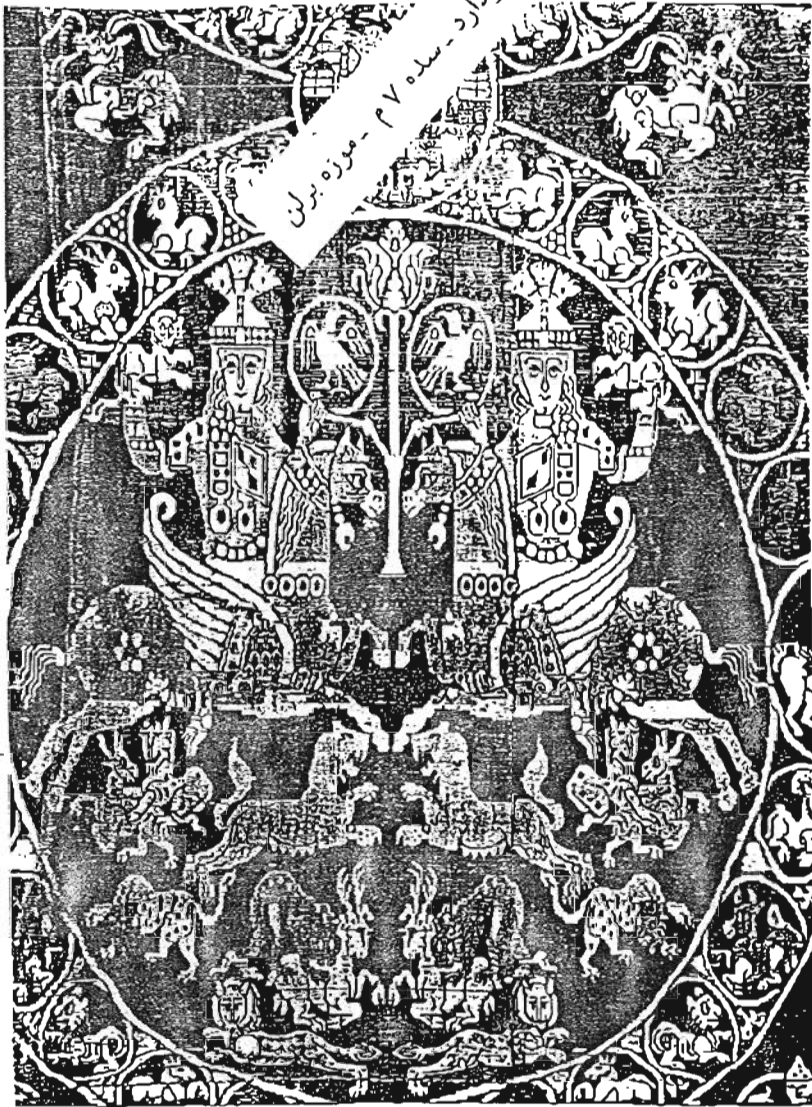


۱۵- خسرو در میدان جنگ - سده ۷-۶م - آنتنی نوئه - موزه لیون.

۱۶- مصر - سواران کماندار - سده ۶-۵م - موزه لیون



۱۷- مصر - سوارکاری کی کلاہ خود پر سردار - سیدہ ۲۷ - موزہ بنی

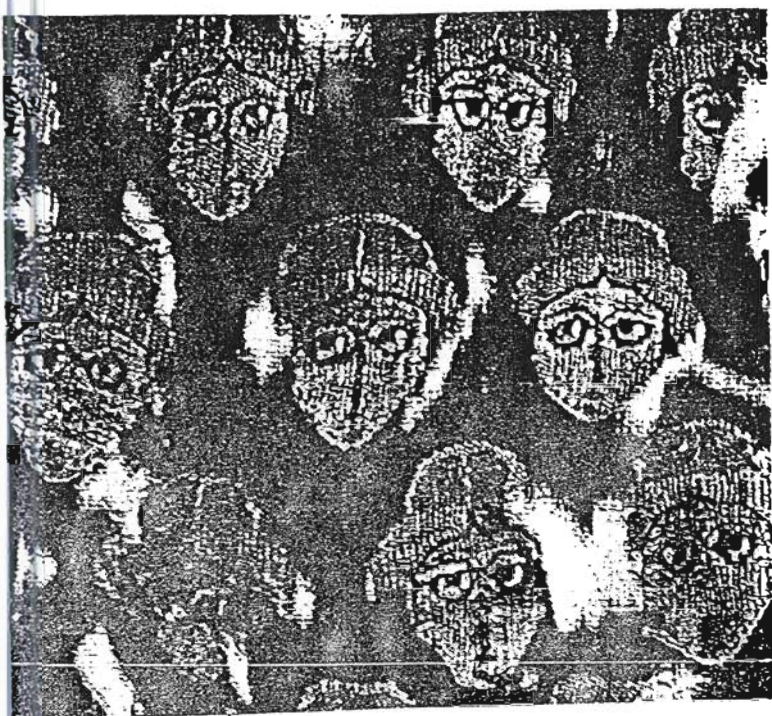




۱۸- آتشی نوعه - قوچ - سده ۷-۶ میلادی



۱۹- آتشی نوعه - قوچ - سده ۷-۶ - موزه لیون



۲۰- دیوارپوش قبطی - سده ۶-۵ م - لیون



۲۱- مصر - بافته قبطی - سده ۶-۵ م - بروکلین

### منسوجات اوایل دوره اسلامی

تاریخ اسلام از هجرت آغاز می‌شود یعنی زمانی که مسلمانان از آزار و شکنجه کفار مکه رو به مدینه آوردند. اعراب مسلمان با نداشتن مهمات لازم، تنگدستی و سادگی زندگی و کمی تجربه در امور جنگی بزرگترین دولتهای آنروز جهان را در مدت کوتاه کمتر از بیست سال درهم شکستند بنابراین جرجی زیدان مهمترین فتوحات اسلامی در مصر، شام، عراق و افریقا در زمان عمر صورت پذیرفت.

بازرگانان قریش تا ایران و حبشه هم می‌رفتند از ایران موم و شکر و ... و از شام خوار و بار و پارچه حمل می‌کردند. در دوره خلفای راشدین تا حدود سال ۴۰ هـ مرسوم ترین پارچه برای لباس کرباس بود.

منسوجات اوایل دوره اسلامی چه پارچه‌های پشمی و چه ابریشمی با سبک پارچه‌های ساسانی و مسیحی شرقی بافته می‌شد و روی آن کتابت عربی و خط کوفی بکار می‌رفت. تعدادی پارچه ابریشمی مربوط به قرن هشتم یا اوایل قرن نهم م (دوم و سوم هـ) موجود است. رنگ این پارچه‌ها زرد است و زمینه‌ای سبز همانند منسوجات اخصیم دارد و آنها را بافت کارگاههای سوریه در دمشق و انطاکیه می‌دانند.

پارچه ابریشمی موجود است که این پارچه دارای تعبیرات ساسانی درخت نخل است و در دوره اسلامی تقلید شده است. نقش برگ نخلی درون مناطق بادامی شکل، جواهرات مسیحی قبرس را بخاطر می‌آورد و بدون شک توسط سوریه بافته شده است. دوره مدراج نقش و شکل طوماری حاشیه ترنجی از خصوصیات نقش پارچه اوایل دوره اسلامی است و تعبیرات ساسانی

در دوره اموی و عباسی در خارج از ایران و خصوصا عراق و سوریه بسیار استفاده می شده است.

این تعبیرات نقشهایی همانند عقاب و درخت نخل و بیشتر باروش دوره سلجوقی بوده است.

یک تکه پارچه عمامه در موزه صنایع اسلامی قاهره موجود است که بنا بر کتابت روی آن

در سال ۷۰۷ م (۸۹ هـ) یافته شده است و تکه پارچه دیگری موجود است که بر آن یک ردیف شتر

یافته شده و کتیبه‌ای دارد که نشان می دهد در کارگاه خصوصی در ناحیه القیوم یافته شده است در

این ناحیه و نقاط دیگر مصر علیا کارگاههای بافندگی وجود داشت که با سبک معروف قبطی

ر قماش می یافته اند.

## منسوجات دوره عباسی و طولانی در مصر (قرن ۷ تا ۱۰ م)

ابومسلم خراسانی با درایت و جنگ در ۱۳۲ هـ خلافت را بدست عباسیان سپرد. در این دوره برای اولین بار وزارت بدست ایرانیان سپرده شد و حدود پنجاه و چند نفر به خلافت رسیدند. در دوره هارون و مامون دولت عباسی به منتها درجه عظمت و فرهنگ و تمدن اسلامی به حد کمال رسید. خلافت عباسیان تا ۶۵۶ هجری ادامه داشت بعد از هجوم مغول به مصر گریختند و در آنجا حکومت کردند.

در سال ۶۴۱ م (۲۱ هـ) مصر بدست عربهای مسلمان فتح شد اما این فتح در زندگی مسیحیان و قبطی‌های بومی آن سرزمین تغییرات زیادی نداشت. اوایل دوره اسلامی منسوجات به سبک و گونه قبطی و ساسانی تولید می‌شد اما بتدریج یک روش صحیح و ویژه اسلامی در منسوجات بوجود آمد و در تمام مناطق اسلامی انتشار یافت، عربهای قبطی و مسیحیان اهل حرفه و صنعت در ساختن مسجدها و قصرها و کارخانه‌های نساجی به کارگمارده شدند.

طراز در آن زمان حاشیه‌ای بود شامل کتابت و نوشته‌ای که یا بافته می‌شد و یا روی پارچه گلدوزی می‌شد و پارچه‌هایی که اینگونه با حاشیه تزئین می‌شد طراز گفته می‌شد. در این کارگاهها که تعدادی از آنها در قصر خلیفه بود لباس فاخر با حاشیه طراز بافته می‌شد که هر سال از طرف خلیفه به اطرافیان و افراد عالی‌مقام هدیه داده می‌شد.

کارخانه‌های طراز باقی مصر از لحاظ منسوجات کتان و ابریشم مشهور بودند و پارچه‌های مصر به سایر کشورهای سوریه و عراق صادر می‌شد. نقشهای ابتکاری مصر به سوریه انتقال یافت و موجب شهرت زریهای دمشق شد.



قطعه‌ای پارچه با ابریشم قرمز و کتان که رویش کتیبه‌ای گلدوزی شده و متعلق به قرن نهم است در سامرا بدست آمده و نشان دهنده محل کارخانه آن یعنی شهر تنیس نزدیک پورت سعید می‌باشد. شهر تنیس پنج هزار دستگاه بافندگی داشت و در چندین گونه پارچه از جمله پارچه‌ای به نام قصب معروف بود. این پارچه از کتان نازک بود و برای عمامه بکار می‌رفت. پارچه معروف دیگری به نام البدنة وجود داشت که برای لباس خلیفه‌ها بافته می‌شد و پارچه بو قلمون که رنگ آن تغییر می‌کرد و برای روپوش زین و تخت شاهی استفاده می‌شد نیز وجود داشت.

ناصر خسرو سیاح و شاعر ایرانی قرن یازدهم در سفرنامه‌اش می‌نویسد: آنچه در کارخانه سلطانی بافته می‌شود به کسی نفروشدند و ندهند. در کنار شهر تنیس در شهر تونه پارچه کتانی اعلا و بخصوص کسوه‌های کتانی کعبه بافته می‌شد.

خلفای عباسی هر سال کسوهایی که در کارخانه‌های دولتی بافته می‌شد از بغداد به مکه می‌فرستادند. این پارچه‌ها که از جنس ابریشم بود به دببق یا جامعه کعبه معروف بود و در شهر دمباط پارچه‌های عالی سفید بافته می‌شد که تکه‌ای از این پارچه به تاریخ ۳۲۸ هـ (۹۳۹ م) در موزه متروپولیتن وجود دارد. شهرهای دیگری چون اسکندریه، فسطاط یا قاهره قدیم کارگاههای پارچه بافی داشته‌اند. قطعه‌ای پارچه کتانی مربوط به قرن دهم از شهر فسطاط در موزه موجود است.

در مصر علیا در شهر اشموئین و بهنسا پارچه‌های عربی بافته می‌شد، از منسوجات اسلامی مصر تعدادی از شهر العزم نزدیک اسیوط و همچنین در ارمینت و درنکه و اخصیم و خرابه‌های فسطاط پیدا شده است. سبک بافت آنها معمولاً بافت پرده دیوار یا قالیچه نما است که

تار آن از کتان و پود آن از ابریشم یا پشم است. بعضی پارچه‌ها بطور کلی از ابریشم بافته و سپس با نخ طلا روی آن گلدوزی می‌شد.

بافت پارچه‌های پشمی با سبک قبلی که در قرن ششم و هفتم به حد کمال خود رسیده بود در زمان عربهای مسلمان ادامه یافت و پارچه توری شکل که اغلب برای عمامه و شال گردن بکار می‌رفت از ابریشم یا کتان سیاه رنگ بود و روی آن حاشیه تزئینی داشت. پارچه‌های طراز دوره عباسی دارای کتابت کوفی با انواع مختلف بود که در بعضی موارد تاریخ و محل بافت پارچه را ذکر می‌کرده‌اند.

نمونه‌هایی از پارچه‌های یاد شده در موزه متروپولیتن وجود دارد. از جمله پارچه‌ای که جز یک شال گردن می‌باشد (تصویر ۲۲) و با پشم و کتان چند رنگ بافته و تزیین شده است این پارچه دارای چهاربند مختلف العرض است که تزیین بند اصلی از طرحهای ترنجی استفاده نموده و داخل آن تعبیرات مختلفی وجود دارد و بوسیله شکل‌های شبیه پرند، برنگ سفید و زرد و سیاه روی قرمز از هم جدا شده است. در قسمت حاشیه بند اصلی کتابت کوفی به رنگ سفید بر زمینه سیاه بافته شده است. در بند دیگران شکل انسان و حیوان و پرند و گل داخل مناطق شش گوش قرار گرفته است. طریقه ترمیم شکل‌های انسانی و حیوانی که تنها شباهت مختصری به اصل طبیعی دارند از مختصات منسوجات طولونی قرن نهم است. گروه دیگری از منسوجات قرن نهم دارای مخلوطی از کتابت بخط عربی و قبلی است و بنظر می‌رسد این پارچه‌ها توسط قبلی‌ها و برای خودشان بافته می‌شده است.

در میان پارچه‌های پرده که در مصر پیدا شده تعدادی پارچه خشن و ضخیم دیده می‌شود

که شاید بجای فرش یا برای آویزان کردن بکار می‌رفته است. این تکه‌ها در موزه متروپولیتن موجود است بر روی یکی طاورس بزرگی نقش شده و بر یکی دیگر کتابت به خط کوفی دارد.

تزیین پارچه‌های کتان که در کارگاههای دولتی بافته می‌شد از ابریشم بود. بر روی یکی از قدیمترین قطعات طراز که در موزه اسلامی برلین موجود است نام خلیفه هارون الرشید نوشته شده و تاریخ ۸۰۹-۷۸۴ م (۱۹۴-۱۷۰ هـ) و نام بافنده آن مروان بن مرعی روی آن دیده می‌شود بر روی آن کتابت کوفی و طرح هندسی با ابریشم چند رنگ بافته شده است. جرج د. برات مجموعه‌ای از منسوجات طراز و تزیینات دیگر دوره عباسی را به موزه متروپولیتن هدیه کرده است. این تزیینات با بافته شده و یا با ابریشم رنگارنگ بر روی پارچه گلدوزی شده است. تاریخ آن‌ها ۸۹۵ م (۲۸۲ هـ) می‌باشد.

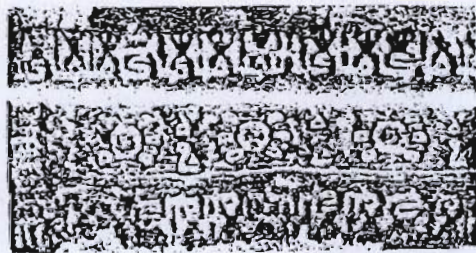
اغلب پارچه‌های کتانی دارای کتابت متعلق به قرن دهم است و روی آن نام خلیفه المقتدر بالله یا نام خلیفه‌های دیگر دیده می‌شود. خطهای کوفی روی این پارچه‌ها با تزیینات متنوع آمیخته شده است و در بعضی حرفها به شکل نیم برگ نخلی منتهی می‌شود.

قطعه‌ای پارچه متعلق به قرن دهم م (چهارم هـ) موجود است که در آن نخ طلا بکار رفته و در بعضی قسمتها با نخ طلایی که از کتان قهوه‌ای و قطعات باریک پوست طلاکوب ساخته شده تزیین شده است، این طراز بر خلاف تصور از ابتکارات صنعتگران اسلامی است و از ابداعات بیزانس نیست.

بیشتر منسوجات سبک قبطی دارای نقش انسان و حیوان است و از پشم استفاده شده است اما چند تکه پارچه با تزیین ابریشم بر روی آنها باقی مانده است. تکه‌ای پارچه در موزه

متروپولیتن با طرحهای ترنجی که داخل آنها نقش حیوانات و پرندگان و تعبیرات گل به رنگ سفید و زرد و آبی و سبز و قرمز بر زمینه قرمز تزیین شده است و پارچه‌ای با تزیین ابریشمی از این دوره در موزه قاهره و موزه برلین و موزه بروکسل وجود دارد.

در موزه متروپولیتن شش قطعه پارچه وجود دارد که از جنس کتان می‌باشد و بر روی آنها تزیین یا کتابت نقاشی یا مهرزده شده است طرحها با قلم نی به رنگ قهوه‌ای تیره و طلایی نقاشی شده است. بر روی یکی از این قطعه‌ها که مربوط به دوره عباسی است یک لوحه مستطیلی شکل کشیده شده که داخل آن کتابت و نقشهای توریقی دارد و شبیه به سرفصل قرآنیهای خطی قرن نهم است که ممکن است علامت کارخانه مصر باشد. بر روی بعضی پارچه‌ها نام خلفای عباسی قرن نهم و دهم دیده می‌شود و در دار الطراز صنعا در یمن بافته شده است.



۲۲- پارچه پشمی با تزیین بافته - دوره قبطی و طولانی - قرن ۹ م - ۵ هـ

## منسوجات دوره فاطمی در مصر (اواخر قرن ۱۰ تا ۱۲ م)

دولت فاطمی مصر در خاک مغرب افریقا تاسیس شد و چون فرمانروایان خود را به حضرت فاطمه زهرا (ع) دختر پیغمبر (ص) منتسب می دانند آنها را فاطمیان می خوانند و بنابر نام اولین فرمانده آنها عبیدالله مهدی آنها را عبیدیان نیز می گویند. آنها از اواسط قرن چهارم هجری از افریقا وارد مصر شده و آن کشور را که تحت استیلای عباسیان بود فتح کردند. و شهر قاهره را در سال ۳۶۰ هجری بنا نموده به نام المعزالدین الله اولین خلیفه فاطمی نام گذاردند.

در دوره فاطمی منسوجات بهتر و عالی تر از دوره عباسی در مصر بافته می شد. به اهمیت طراز افزوده شد و کارگاههای موجود در شهر تنیس و اسکندریه و دمياط بیشتر از قبل فعال بودند. پارچه های کتان و ابریشم در نهایت لطافت و ظرافت بافته می شد بطوری که سیاح ها و مسافرن این پارچه ها را تحسین می کردند و در نوشته های خود گفته اند: جامه کامل را به اندازه ای لطیف و نازک می یافتند که میشد از سوراخ انگشتری عبور داد.

باندگان دوره فاطمی در کتابت و تزیین از دوره عباسی پیروی می کردند. قطعه ای پارچه عریض موجود است که شکل های هندسی و حیوانات بر روی آن قرار دارد و در قسمت وسط و دو طرف آن کتابت به خط کوفی قرار دارد (تصویر ۲۳) کتابت کوفی در ابتدا با سبک دوره عباسی صورت می گرفته در این قطعه پارچه حروف بلند و کتابت زیبا از ابریشم زرد و با دوره ای به رنگ آبی بافته شده است.

در دوره فاطمی نوع جدید از حروف کوفی به نام کوفی مشجر بکار می رفت که انتهای بعضی حروف به نقش نباتی و برگ نخلی ختم می شد. از بافته های سبک دوره فاطمی تعدادی

نمونه عالی در موزه متروپولیتن وجود دارد. پارچه‌ای از جنس کتان نام خلیفه فاطمی الظاهر و تاریخ ۱۰۳۶-۱۰۲۱ م (۴۲۸-۴۱۲ هجری) بافته شده است (تصویر ۲۳) این پارچه دارای دو بند تزئین می‌باشد که در یک ردیف طرح ترنجی یک در میان قرمز و آبی تیره دیده می‌شود و در داخل آنها نقش پرندگان و عقاب بافته شده است. دو طرف یک بند کتابت با رنگ قرمز و شکل طوماری آبی وجود دارد.

نوع دیگری از تزئینات دوره فاطمی (تصویر ۲۴) دلی‌ای پنج بند عریض به رنگ زرد طلایی، آبی روشن و تیره و قرمز دیده می‌شود که بوسیله نقش خرگوش در مناطق کوچک که از بندهای مشبک تشکیل یافته تزئین شده است. در نمونه دیگر (تصویر ۲۵) بندهای افقی دارای نقش باز شکاری می‌باشد و در وسط هر جفت نقش، برگ نخلی بافته شده و نقشهای تزئین طوماری شکل بر زمینه سبز رنگ کشیده شده است و با ابریشم و نخ طلایی پوست روده مطلا بافته شده است. این سبک طراحی از خصوصیات دوره خلیفه المستنصر است که از سال ۱۰۳۶ تا ۱۰۹۴ م (۴۲۸ تا ۴۸۷ ه) حکومت می‌کرد. این طرح دارای تزئین بافت طلایی است که شبیه پارچه لباس موسوم به البدنة است و در تنیس مخصوص خلیفه بافته می‌شده است.

قطعه‌ای پارچه متعلق به دوره خلفای فاطمی قرن دهم میلادی دارای نقش دویوز پلنگ خال دار است که با زنجیر به درخت مقدس بسته شده‌اند (تصویر ۲۶) و روی قبای سن ماکسیم در کلیسای سنت اتین در شهر شینیون فرانسه دیده می‌شود. این پارچه به نمونه‌های ساسانی شباهت دارد.

منسوجات دوره فاطمی در قرن دوازدهم تنها خط نسخ جای خط کوفی قرن بازدهم را

گرفت، معمولا حرفهای نسخ با نقش ها و تعبیرات توریفی ترکیب می گردید. نمونه این گونه بافته هلاو بند با حاشیه آستین در موزه متروپولیتن است که نام خلیفه عبدالمجید الحافظ و تاریخ ۱۱۴۹ - ۱۱۳۰ م (۵۴۴ - ۵۲۵ هـ) بر روی آن وجود دارد. تزئینات پارچه قرن دوازدهم به خوبی قرن یازدهم است. تکه ای پارچه کتانی موجود است که دارای رنگ آبی و تزئینات ابریشمی رنگارنگ می باشد. این پارچه از چند بند و یک طرح ترنج بزرگ که داخل آن یک جفت غزال بافته شده تشکیل یافته است.

پارچه کتانی نیز وجود دارد که به روش چینی با دوره کتابت مفصل و به رنگ طلایی با اطراف سیاه نقاشی شده است. این پارچه شبیه منسوجات کتانی یا کتابت گلدوزی شده می باشد و نمونه ای پارچه های چایی این دوره می باشد.

از پارچه های چایی دوره فاطمی می توان به یک قطعه پارچه کتانی لطیف متعلق به قرن دهم (تصویر ۲۷) موجود است که دارای تصویر شیر است، رنگ آن قهوه ای و طلایی است و در داخل مناطق مربع شکل و در خارج مناطق در تمام سطح پارچه نقش شده است. بطور کلی شش قالب مختلف در این پارچه استفاده شده است چهار قالب برای تصویر شیر و یک قالب برای زمینه مناطق مربع و یک قالب برای حاشیه مربع.

## منسوجات دوره ایوبی و ممالیک (اواخر قرن دوازدهم تا پانزده)

در سال ۵۶۷ هجری سلطان صلاح الدین ایوبی دولت فاطمیان را منقرض کرد. پس از حکومت صلاح الدین و پسران او سلاطین مملوک به حکومت رسیدند. در سال ۹۲۳ ه ق سلطان سلیم عثمانی osmani مصر را گشود و حکومت مملوک‌ها را منقرض ساخت.

در این دوره طریقه بافت پارچه قالی‌نما که از دوره فاطمی رایج بود کمتر از قبل ادامه داشت پارچه‌ای در موزه متروپولیتن موجود است که از طرف اورت میس اهدا شده و دارای طرحهای برگ نخلی و گل شقایق و برگ طبیعی می‌باشد که از نظر سبک به کارهای فلزی دوره ممالیک اول قرن چهاردهم شباهت دارد رنگهایی که در این پارچه به کار رفته است سفید، گندمی، قهوه‌ای روشن، آبی روشن، سیاه و رنگ نقره‌ای و طلایی است.

بافت پارچه‌های ابریشمی در این دوره‌ها نیز هنوز صورت می‌گرفت. پارچه ابریشمی در موزه متروپولیتن موجود است که به دوره ایوبی متعلق است و در قرن سیزدهم م (هفتم ه) در سوریه بافته شده است (تصویر ۲۸) رنگ این پارچه زرد طلایی است و زمینه‌ای سبز دارد، طرح آن عقاب و پرنده‌های جفت در داخل مناطقی است که بوسیله بندهای مواجی شکل یافته‌اند. میان هر دو پرنده نقش درخت نخل دیده می‌شود و بنظر می‌رسد که سبک دوره سلجوقی اقتباس شده باشد. روش ترسیم عقاب و درختان نخل همانند اندازه و روش ترسیم سلجوقی می‌باشد و با بافت این دوره اشتباه می‌شود. چندین قطعه بزرگ از این پارچه ابریشمی در بلده العزم مصر پیدا شده و بنظر می‌رسد زیر نفوذ روش سلجوقی در اوایل قرن سیزدهم م (هفتم ه) در سوریه بافته شده باشد.



پارچه‌ای ابریشمی با رنگ نارنجی و سبز در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن موجود است که به نیمه دوم قرن سیزدهم نسبت داده شده است. این پارچه دارای نقش پرندگان زوج میان حلقه‌های دایره شکل یافته شده است و به دوره اوایل ممالیک تعلق دارد و ممکن است بوسیله کارگاههای سوریه بافته شده باشد.

گلدوزی دوره ایوبی و ممالیک در مقایسه با گلدوزی‌های زیبای دوره فاطمه که با نخ طلا و نقره ایجاد می‌شود بسیار ساده‌تر است. کارهای گلدوزی با طرح مسلسل و کتابت بخط کوفی و نخ رابه قرن دوازدهم نسبت می‌دهند. و بعضی گلدوزی‌های دیگر که با ابریشم چند رنگ کار شده و شامل تصویر حیوانات و پرندگانی است که بین آنها نقش درخت بافته شده، به قرن دوازدهم و سیزدهم نسبت می‌دهند. یک روپالشی کتان متعلق به قرن سیزدهم م (هفتم ه) در موزه ویکتوریا و آلبرت موجود است که روی آن طرحهای لوزی و داخل آنها نقش اشخاص نشسته و تصویر شیر و طاووس و پرندگان دیگر گلدوزی شده است و دو تکه‌ی مشابه آن در موزه کوپریونیون نیویورک وجود دارد که بر آن نقش گل و گیاه و حرفهای ناخوانا گلدوزی شده است.

گلدوزی‌های دوره ممالیک دارای طرح زاویه دار است و طرح تزئینی بصورت تکرار دوخته می‌شده این نوع دوخت راهلباین Holbein می‌گفته‌اند. بطوری که دوخت در جهت پود بوده و در ظاهر بنظر جزئی از بافته می‌رسد. تزئین چاپی در دوره ممالیک ادامه داشت. نمونه‌های چاپی قرن سیزدهم و چهاردهم معمولاً دارای طرحهای لوزی شکل و نقش گل و طوماری برونگ آبی، قرمز و قهوه‌ای هستند.

منسوجاتی که سبک چینی دارند به قرن چهاردهم و پانزدهم تعلق دارند. تعدادی پارچه

حریر از خزانه کلیساها پیدا شده که اکنون در موزه کونست گوریه برلین و موزه ویکتوریا و آلبرت لندن قرار دارد. بر روی این پارچه‌ها نام و لقبهای ناصر محمد بن قلاوون سلطان مملوک مصر و سوریه که در تاریخ ۱۲۹۳ تا ۱۳۲۰ م (۶۹۳ تا ۷۴۱ هـ) حکومت داشته است دیده می‌شود. طرح این پارچه‌ها تحت تاثیر منسوجات چین که در آن زمان در خاورمیانه معروف بوده شکل گرفته است.

پارچه ابریشمی در موزه متروپولیتن موجود است که به زمان ابن قلاوون تعلق دارد. (تصویر ۲۹) این پارچه به رنگ نارنجی و دارای زمینه‌ای فیهوای می‌باشد و به بندهای افقی تقسیم شده که میان آنها طرحهای موسوم اسلامی و تعبیرات مختلف گل که از سبک چین اقتباس شده دیده می‌شود. پارچه‌ای معروف در کلیسای سنت ماری در دانزیک با قطعه‌های باریک چرم مذهب بر زمینه ابریشم سیاه بافته شده که بر روی آن تصویر طوطی و اژدها به روش چینی و کلمه الناصر نقش شده است و منظور ناصرالدین محمد قلاوون است.

پارچه‌های مهم دیگری نیز به سبک چینی موجود است از جمله روپوش و شانه پوش لباس کشیشان به هنگام انجام فرایض مذهبی متعلق به کلیسای سنت ماری و دوپیش بند مخصوص مراسم در کلیسای روزنبرگ وجود دارد که نام عبدالعزیز بافنده آن بر رویش دیده می‌شود. برخی این پارچه‌ها را کار چین یا آسیای میانه می‌دانند اما احتمال بافت آنها بر سبک مصریان بیشتر است.

## منسوجات یونان باستان Greece

تمام سرزمینهایی که در گذشته‌های دور به وسیله اقوام یونانی اشغال شدند یونان یا هلاس Hellas گفته می‌شود. نیاکان یونانیان احتمالاً سالهای بسیاری در تپه‌ها و دره‌های اپیروس زندگی کرده‌اند. یونانیان با هلنی‌ها نامی که ایشان به خود داده بودند به نظر می‌رسد حاصل درهم آمیزی مردمان اژه و مهاجمان هند و اروپایی باشند.

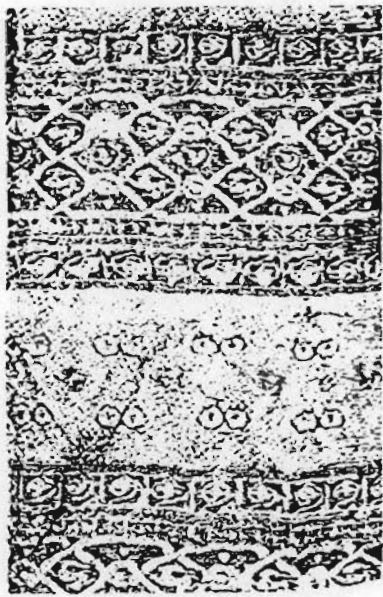
بعد از مصر فنیقیه در یونان نفوذی عظیم داشت. شاید صنعت کشتی سازی را فنیقیان به یونانیان آموختند. آنها شیوه‌های تازه و مناسبتری برای فلزکاری، پارچه بافی و رنگ رزی ابداع و به یونانیان یاد دادند. پیرامون یونان تمدنهای مصر، کرت و بین‌النهرین وجود داشت و یونان ارکان صنعت و علم و هنر خود را از آنها آموخت و به شکل درخشانترین تصویر تاریخ درآورد. گذشتگان اروپائیان از شرق زمین بافتن پارچه‌های گرانبهایی را فراگرفتند و بازرگانان ونیزی بهره‌های فراوان از فروش این پارچه‌ها بردند. فرانسوی‌ها صنعت حریر بافی و بافت پارچه‌هایی با الیاف گلابتون طلا و نقره و منسوجات لطیف و شفاف و تافته را از مسلمانان آموختند و تمدنی که امروزه به یاری اروپائیان در جهان برتر است ادامه بنیادهای یونانی است که آنها نیز مبانی و اصول آنرا از ملل باستان شرق زمین مانند مصر، سوریه، کلد، ایران و هندوستان دریافت کرده است. در زمان اسکند هزاران بازرگان و پیشه ور یونانی به امید نفع و انجام معاملات سودمندی در کشورهای شرق به دنبال لشگر او در حرکت بودند. بیشتر آنها در شهرهای جدید سکونت کردند و روشهای جدیدی از فعالیت صنعتی و بازرگانی را در آن شهرها پدید آوردند. نفوذ معاملات و هنر یونانی در شرق زمین از نتایج زمان حیان اسکندر است.

پارچه‌های مورد استفاده معمول اهل خانه بوسیله خود آنها بافته و یا اصلاح می‌شد بعضی زنان پشم‌ها را پاک می‌کردند و برخی با چرخ‌ریسندگی آنها را تبدیل به نخ می‌نمودند. بعضی زنان بر روی چهارچوب فلابدوزی کار می‌کردند اما پارچه‌های ویژه یا در کارگاه‌های شهر بافته می‌شد و یا از خارج وارد می‌کردند. پارچه‌های پنبه‌ای اعلا از مصر و آموررگوس و تارنتوم، پارچه‌های پشمی رنگین از سیراکوز، پتواز کورنت، قالی از خاور نزدیک و کارتاژ و رواندازهای رنگارنگ از قبرس وارد می‌شد. در اواخر قرن چهارم زنان کثوس بازکردن پيله ابریشم و تافتن آن را فراگرفته بودند و در بافندگی چیره دست شدند بطوری که گاه مازاد احتیاج خود را می‌فروختند. لباس یونان باستان از جنس پشم یا کتان و یا ململ بود. پارچه کتان به یونانیان بوسیله ایونیان Ionian معرفی شد و آنها از طریق سوریه، فلسطین و مصر بدست آورده بودند. مردم عادی لباسهایی در رنگهای تیره، قرمز یا قهوه‌ای مایل به قرمز به گفته هرودت می‌پوشیدند. در شهرهای بزرگ ساحلی زنان طبقات بالای اجتماعی لباسهایی از جنس مجلل و تقریباً نازک و سوارخ دار و ارغوانی می‌پوشیدند، این دلیل بالارفتن شمارگوسفندان و توسعه صنعت بافندگی با پشم و کتان بود. گونه لباسهای وارداتی برای یونانیان و رومیان اغلب از آسیا می‌آمد. آنها معمولاً خرقة ضخیم، کلاه، شلواری بانوارهای ضربدری از کتان یا پارچه‌های دیگر به پا می‌کردند نوارهای زینتی با شکلهای هندسی و بعدها تصاویر پیکرنگاری بود. در نقش بافته‌های امپراطوری قرون وسطای اروپا قرینه سازی دقیق و جزئیات تصویر شناسی دیده می‌شود و تا حدود زیادی تحت نفوذ هنر ساسانی بوده است بطوری که طی چندین

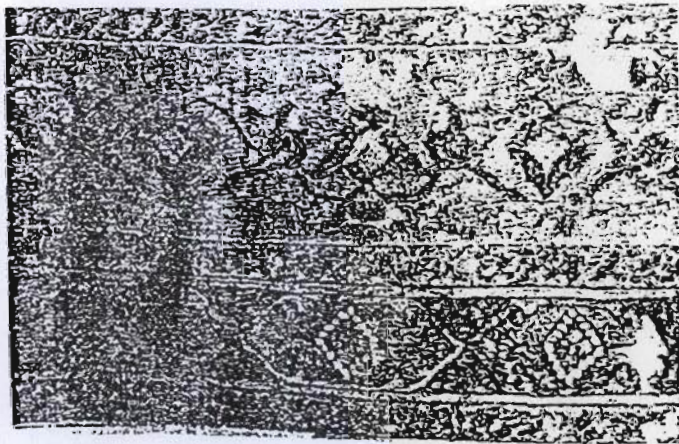
قرن بعد از انقراض سلسله ساسانی در کارگاههای یونانی قسطنطنیه از نمونه‌ها و نقشهای کهن هنر ساسانی استفاده می‌کرده‌اند و یافته‌های قرون وسطی گاه از نقش‌های یافته‌هایی که از مشرق به مغرب زمین برده می‌شد موضوع خود را که نقش مجالس بود تقلید می‌نمود.



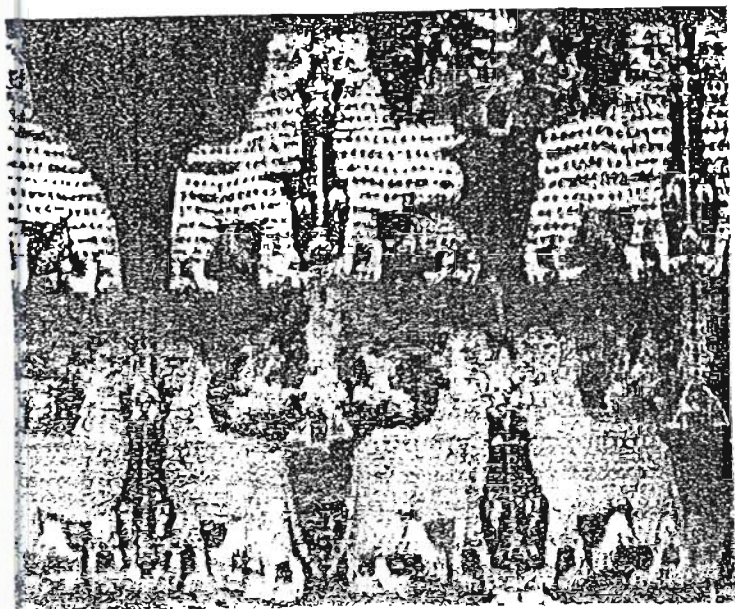
۲۳- پارچه کتان با تزئین بافته - دوره فاطمی مصر - ۱۰۲۱-۱۰۳۶ م و ۴۲۸-۴۱۲ هـ



۲۴- پارچه ابریشمی با تزئین بافته - دوره فاطمی - ۱۱ م و ۵ هـ



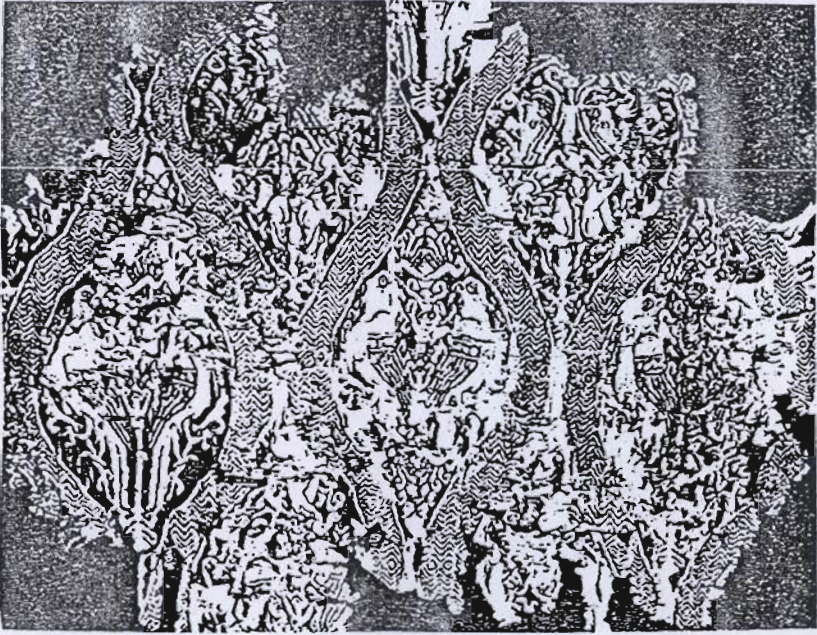
۲۵- پارچه کتانی با تزئین بافته - دوره فاطمی مصر - ۱۱ م و ۵ هـ



۲۶- شینیون - بافته دوره فاطمی - لباس سن مکسیم - ۱۰ م.



۲۷- پارچه کتانی با تزئین مهرزده شده - دوره فاطمی مصر - ۱۰ م و ۴ هـ



۲۸- پارچه ابریشمی دوره ایوبی - سوریه - ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ هـ





- یونان



- یوزان

ایتالیاییها با آنکه در نخستین دوران حیات خود از هنرهای یونانی اقتباس و بهره می‌بردند خود نیز دارای سجایا و خصوصیت‌های ریشه دار و محکمی بودند. هنر رومی وارث بلافصل تمام فرهنگهای گذشته حوضه مدیترانه و ترکیبی از هنرهای روزگار باستان بود و به طور کلی با هنر یونان تفاوت داشت و از آنجا که رم نقش بزرگی در انتقال تمدن به اروپای غربی داشت در دوره‌های بعد نمادی از هنر روزگار باستان به شمار می‌رفت.

قدرت روم که بعد از اتروسکها بر ایتالیا حاکم شد قومهای ستیزنده ایتالیا را مطیع حکومت واحد روم گردانید و ملت‌های اروپای غربی، مدیترانه و خاور نزدیک را در زیر پرچم امپراتوری روم گرد آورد. در طول اوجگیری قدرت روم قلمرو دولت واحد از دجله و فرات تا مرزهای اسکاتلند کشیده می‌شد. در حدود سال ۳۱ ق. م اوکتاویانوس Octavianus به جنگ داخلی و طولانی که نودسال به طول کشیده شده بود خاتمه داد و با لقب اوگستوس Augustus نخستین امپراتور روم شد.

در زمان هرودوت Herodot (۵ ق. م) مردم لباسهای خود را از پشم گوسفندان می‌بافتند و در زمان توسعه عظیم صنعت یونان در پایان قرن پنجم، تقسیم کار میان کارگران گسترش یافت بعضی برای پشم چینی، شست شو و پنبه زنی، ریسندگی و بافتندگی تکمیل و رنگرزی بکار گرفته می‌شدند پس از تشکیل امپراتوری روم بعضی زنان در کارگاهها یا کارخانه‌ها و خصوصا در نساجی به کار اشتغال داشتند. در زمستان ثروتمندان خزهای نرم استفاده می‌کردند. ابریشم چنان عادی بود که مردان همانند زنان می‌پوشیدند. ابریشم و

پارچه‌های کنفی را با رنگهای گران ملون می‌کردند لباسها، پرده‌ها، فرشها و روپوشها همه با قلابدوزی زر و سیم تزیین می‌شد.

در سه قرن اول پوشش اصلی رومیان توگا Toga بود که برای زنان و مردان یکسان به کار می‌رفت و در موارد رسمی پوشیده می‌شد در حالیکه تمام طبقات در خانه و خارج از خانه قبا یا پیراهن ساده‌ای در بر می‌کردند. توگا در واقع همان کاربرد هیماتون برای یونانیان را داشت اما به شکل نیم دایره بود و از پشم به شکل مستطیل که دور بدن پیچیده می‌شد و شانه و بازوی راست آزاد می‌ماند. (تصویر ۳۱)

مردم عادی توگای سفید و قضات، کاهنان و طبقات ممتاز توگای بنفش می‌پوشیدند. که با مهارت برودری دوزی شده بود این لباس بعدها لباس سستی امپراطوری شد. سپس به توگا پیراهن اضافه شد و زیر آن زیرپوش تازانو بتن می‌کردند. برای زنان نخی و برای مردان پشمی بود. زنان روی زیرپوش خود ردای راسته و بلندی تا مچ پا که استولا Stola نام داشت می‌پوشیدند. و گاهی یک کمر بند روی آن بسته قسمتی از بالاتنه را از بالای آن درآورده به حالت آزاد روی کمر بند می‌انداختند. (تصویر ۳۲) جلو پیراهن سناتورها از بقیه تا پایین دامن را نوار نسبتاً پهن بنفشی به نام کلاووس Clavus به نشانه موقعیت برتر اجتماعی می‌دوختند و باریکتر آن روی پیراهن زنان برودری دوزی می‌شد.

یافته‌هایی از پارچه‌های بافته شده با طرح گلها، حیوانات واقعی یا افسانه‌ای، ارابه، درشکه، چرخها و نخلها به ما رسیده‌اند این بافته‌ها سبکهای بافندگی با ارزش را همراه با رنگهای استثنایی منسوجات رم که در پایتخت بافته شده‌اند را نشان می‌دهد. در بافت پارچه

پرده‌ای، سوزن دوزی و بافندگی روشهای متنوعی بوجود آمد که بعضی از آنها از ایران یا چین اقتباس می‌شدند.

کشورهای شرق توليدات بسیار متنوعی را به روم عرضه می‌کردند. مصر و سوریه پیراهنهای بی‌آستین و آستین دار با قلابدوزیهای پشمی تزئینی تولید می‌کردند، پالمیر ابریشمهای چینی شبیه پارچه‌هایی که در سال ۱۹۲۴ در آرامگاههای لولان Lu-Lan و نوین اولا Noin-Ula یافت شده وارد می‌کرد. تیر Tyre و بریتس Berites به جهت تولید لباسهای ابریشمی مشهور شدند. و لباسهای بدست آمده از آشمین Ashmin و آنتینونه Antinoe تزئینات فراوان و متنوعی از شرق، یونان باستان و مسیحیت را نشان می‌دهد.

منسوجاتی که توسط روم بافته شده و در گنجینه‌های کلیسای غربی جایگه اغلب آثار مقدس و لباس عبادت اسقفها نگهداری می‌شود بدست آمده است. پارچه‌های قلابدوزی شده و پرکار معمولا برای افراد عالیمقام مسیحی مورد استفاده قرار می‌گرفت.



۳۱- پوشش مرد روم - لوور پاریس.



۳۲- پوشش زن روم - موزه رم

Handwritten text, possibly a title or page number, oriented vertically on the right side of the page.



روزی که قسطنطنیه توسط کنستانتین Constantin در جای بیزانس قدیم بنیاد گذاشته شد (۳۳۰ م) آغاز منطقی تاریخ امپراطوری بیزانس شماره شده می شود. نیمه شرقی امپراطوری روم با نام امپراطوری بیزانس نزدیک به هزار سال یعنی فتح قسطنطنیه به دست ترکها در سال ۱۴۵۳ دوام آورد. پس از مرگ کنستانتین (۳۳۷ م) امپراطوری میان سه پسرش تقسیم شد و یکی از آنها سرانجام بر تمام کشور دست یافت پس از دو امپراطوری دیگر والتین Valentinianus توسط رومیها به امپراطوری برگزیده شد. او برادر خود را امپراطور شهر روم قرار داد و کشور روم به دو قسمت شرقی و غربی با پایتخت قسطنطنیه و شهر رم تقسیم شد. در قرن پنجم میلادی روم شرقی از مغرب به دریای آدریاتیک، از جنوب به حبشه، از شرق به فرات و دجله و از شمال به سرزمین تاتار محدود بود. ژوستینیان Justinian (۵۲۷ تا ۵۶۵) نامی ترین امپراطور پس از کنستانتین بود.

همزمان با شکل گیری شریعت مسیحی تفسیر نمادین واقعیت بسیار مورد توجه قرار گرفت و سبک ساده، تزئینی و انتزاعی بیزانس که در آثاری از هنرمندان خاور نزدیک مانند نقاشیهای دیواری دورا - اوروبوس ریشه داشت به تدریج بر هنر مسیحی چیره شد. و در هنگام حیات تجدید یافته ایران و قدرت باور نکردنی اسلام موجودیت یونان در معرض تهدید قرار گرفت و ناتورالسم (طبیعت گرایی) به واسطه خیالپردازی و هنر نمایشی توسط هنر تزئینی شکست خورد.

در سال ۳۳۳ کمی بعد از نامگذاری کنستانتینوپل Constantinople، کنستانتین فرمانی

جهت کنترل شدید بر فروش پوشاک با رنگ ارغوانی و پارچه‌های ابریشمی که با طلا کار می‌شد صادر کرد. برای نابود کردن قاچاق بعضی از این پارچه‌ها در کرמוنا Cremona، و نیز Venice و آمالفی Amalfi اقداماتی انجام دادند.

تجارت پارچه با کشورهای خارجی، مصر Egypt، چالديا Chaldea و خاور دور Far East بسیار مهم بود. در هر خانه تقریباً بر تن هر کس پارچه‌های زیبا دیده می‌شد. چینیه‌ها راز پرورش کرم ابریشم را قرن‌ها پنهان نگاه داشته بودند، ابریشم از اختراعات چینی بود و صادرات ابریشم خام تنها از کشور چین صورت می‌گرفت. تا قرن ۶ کاروانهای ابریشم چین به روم می‌آمد. جاده بزرگ ابریشم از ترکستان چین آغاز، از ایران می‌گذشت و به شهرهای بندری سوریا می‌رسید که مرکز نساجی بزرگی در آن تاسیس شده بود. با جنگ بین ایران و روم و حق ترانزیتی که کشورهای بین راه می‌گرفتند رومیان بدنبال راهی تازه برای ورود ابریشم برآمدند. بعد از کشف باد موسمی اقیانوس هند از نخستین قرن میلادی راه عربی ابریشم توسعه یافت چنانکه ساحل غربی هند را به بندرهای مصری دریای سرخ پیوست و به این جهت مصر مرکز جدید صنعت ابریشم شد و از سرزمین کوشان بطور ترانزیت عبور می‌کرد و موجب شد کوشان در سده‌های دوم و سوم میلادی بخاطر تجارت با روم ثروتی بدست آورد. در این صنعت مصر با پارچه‌های ظریف، رنگارنگ و مصور خود همانند جامه‌ها، پرده‌ها، آویختنیها و روپوشها سرآمد کشورهای دیگر بود.

بعضی زیراندازها در این دوره از جهت فنی با پارچه‌های ساخت گوبلن یکسان است. بافندگان بیزانسی پرند، پارچه‌های مطرز و حتی کفنه‌های نقش دار که از پارچه‌های سفید با

نقشهای واقعی از فرد مرده مزین بود می‌یافتند. در قسطنطنیه هر کس از روی لباسی که بر تن می‌نمود شناخته می‌شد و هر طبقه به یک نوع مشخص از زیبایی و ظرافت لباس ارج می‌نهاد چنانکه منظره کلی لباسها در یک مجلس بیزانسی بسیار گوناگون و رنگارنگ بود.

در بیزانس دو تحول مهم در منسوجات بوجود آمد، در سده سوم میلادی بافنده‌های سوربایی با استفاده از ماکو پارچه‌های نقش دار می‌یافتند و تحول دوم پرورش کرم ابریشم بود که با حمایت امپراطور ژوستینی نین در ۵۲۲ میلادی تخم ابریشم و بذر درخت توت را دو نفر راهب پارسی در عصای خود پنهان کردند و از چین به بیزانس (روم شرقی) آوردند.

پوشاک بیزانسیها با پارچه‌های زیبای ابریشمی، حریر و زریفت درهم آمیخته می‌شد و در این دوران بدلیل نفوذ و رواج مسیحیت بدن کاملاً پوشیده می‌شد. (مرد و زن پیراهنهای بلند و راسته با آستینهای بلند از ابریشم یا کتان می‌پوشیدند و روی آن کمربند می‌بستند. مردان بلند پایه روی پیراهن خود دالماتیک Dalmatique که یادآور توگای رومی بود برشانه می‌افکندند.

و زنان روی پیراهن خود شال بلند چون پالا یا گاستولای رومی بر دوش می‌افکندند و گاهی نیز آن را بر سر می‌انداختند. مرد و زن شال خود را روی شانه راست با سنجاق می‌بستند.

لباس مردان اغلب پارچه‌ای ساده و بدون نقش بود که بر آن نوارهایی برودری دوزی می‌شد و زنان اغلب از پارچه‌های نقش دار استفاده می‌کردند و بعدها پیراهن کوتاه از کتان یا ابریشم ظریف در زیر پیراهن به نام ژوب Juppe برای زنان وجود داشت و آن را روی پیراهن اصلی خود می‌پوشیدند. لباس عهد بیزانس با گذشت زمان و طی سده‌ها مجلل‌تر شده و تاثیر زیادی بر لباسهای قرون وسطی و رنسانس اروپا گذارد و مبنای لباسهای رومی شد و امروزه

اثر آن در لباس اسقفها و کشیشان باقی مانده است.

ژوستینیان برای اولین بار صنعت حریر بافی را از شرق به غرب منتقل کرد. در کارگاههای معرق کاری بیزانس نقش بافته‌های ایرانی نفوذ نموده بود چنانکه در قرن پنجم و ششم میلادی معرقی کاری‌های شبیه به پرده‌های ساسانی منگوله دار تقلید می‌شد که در آن تصویر پرندگان و یک جفت شهپر به صورت متناوب نشان داده شده است. و نقشهای طاووس بادم گسترده و آویزی برگردن و شاخه‌ای در منقار و نقش حیوانات اساطیری در یک ردیف تکرر شونده در قابهای چهارخانه شبیه به موضوعات هنر ساسانی دیده می‌شود.

تزئینات منسوجات ساسانی در بافندگی رم شرقی تاثیر فراوان داشت در رم جائیکه تاثیر هنر چینی در منسوجات تزئینی دیده می‌شود، تزئینات همانند سبک ساسانیان از حرکت دایره وار و یا طرحی هندسی برخوردار است. منسوجات تزئین شده با این روش گردش وار در دایره‌ها و چرخها rotata و در گوشه‌ها Scutalata نامیده می‌شوند. (تصویر ۳۳ و ۳۴)

پارچه یک بالش کوچک ابریشمی متعلق به گنجینه سانکتاسانکتوروم در لاتران Latran (واتیکان) می‌باشد که زمینه‌ای ارغوانی دارد و شبیه به نقشهای دیگر از کار هنرمندان ساسانی است و تاثیر هنر ساسانی را در هنر پارچه بافی بیزانس نشان می‌دهد، دایره‌های مماس در ردیفهای موازی قرار دارند و موضوع را در زمینه گرد می‌آورد. شکارچیان پیاده هستند و نیزه‌های خود را در شکم شیرها فرو برده‌اند. سگها شیرها را دنبال نموده و آنها آماده حمله هستند در قسمت پایین دو رام کننده پشت به هم دارند. و هر دو بچه شیری که توسط قویشی تحدید می‌شوند به نیزه می‌زنند. نخل، قابهای دایره وار و شیرها یا سرهای برگشته شبیه

به بافته کفن سن کاله و بافته سنت اورسول در کولونی است که احتمالاً در قرن هفتم بافته شده است.

نقش حیوانات متقابل چون اسب سوارها و شیر و تیرانداز به پشت برگشته در محدوده دایره و نقش فیل که در نقشهای صخره‌ای طاق بستان کنده شده است در بافته‌های بیزانس بسیار بکار برده شده است. تکه دوزی Applique که توسط ایرانیان باستان ابداع گردید جای سوزن دوزی را گرفت و این هنری بود که در دوران جنگهای صلیبی از ایران به اروپا رفت و در آنجا محبوبیت یافت.

بافته‌های بیزانس قرن ۱۱ و ۱۰ م با قطعه‌های پارچه بدست آمده از ایران شرقی در سده‌های ۸ و ۹ م شباهت و وابستگی دارند. این نوع نقش‌ها از خط سیر سومر و بابل یا نینوا شروع می‌شود از ایران هخامنشی می‌گذرد به دوره ساسانی و سپس به بیزانس، اسلام و اروپای لاتین زیان منتهی می‌شود. (تصویر ۳۵)



۳۳- موزاک - بافته بیزانسی - سده ۸ میلادی - لیون.



۳۴- ابریشم بیزانس - قرن شش و هفت ق. م.



۳۵- ایتالیا - ۱۲۱۱.

## منسوجات اروپا در اوایل قرن وسطی

تاریخ نویسان دوره هزارساله پس از فروپاشی سرزمینهایی که سابقاً جزو ایالت‌های امپراطوری بودند و از ۴۰۰ تا ۱۴۰۰ میلادی دوام آورده است را سده‌های میانه، قرون وسطی یا عصر تاریکی نامیده‌اند. تمدن سده‌های میانه بازتابی از آمیختگی مسیحیت، سنت‌های رومی و روحیه نوحاسته و پرتوان ملت‌های سلتی، ژرمنی یا بربر بنابر نظر رومیان بوده است. در سده سیزدهم کلیسا به اوج قدرت‌ش رسیده بود و اروپای غربی به عنوان سرزمین تمدنی بزرگ و دارای پیشینه نمودار شده بود و همواره تحت تاثیر گذشته یونان، روم و بیزانس و دنیای اسلام قرار داشت اما این تأثیرات را با روش‌های جدید و متفاوتی مورد استفاده قرار می‌داد.

پیشرفت‌های فنی همچون اختراع ابزارها، مکانیسم‌هایی که دامنه تسلط انسان بر محیطش را افزایش می‌داد و تولیدات صنعتی را راحت‌تر می‌نمود حاصل شده بود. کلیساها بردگی را محکوم کردند و برای مهارت فنی و نیروی بدنی ارزش قابل‌شوند. در سده‌های میانه صنعتگر آزاد عامل فعالیت تولید بود و شهرهای گسترش یافته با انسان‌هایی آزاد انگیزه برای داد و ستد و صنعت را بیشتر می‌کرد.

در میان سلسله فرانک‌های آلمان پارچه کتان بندرت برای لباس استفاده می‌شد و اغلب آنرا صادر می‌کردند، در گال Gaul کتان از قرن پنجم کاشته می‌شد و بنظر می‌رسد تولید منسوجات خیلی ظریف که توسط بربرها مورد استفاده بود بواسطه تجارت بین فرانک‌های آلمان و ایتالیا مورد استفاده قرار می‌گرفت این پارچه‌های کتانی توسط طبقه ثروتمند به عنوان زیر پیراهن، پیراهن بی استین یا با استین و شلوار کوتاه مورد استفاده قرار داشت. احتمال دارد



منسوجات از کرباس که به صورت شل بافته شده است و از آنها اثرهایی نیز بدست آمده است  
بعد از پوشاک رومی مورد استفاده بوده باشد.

پشم در سلسله فرانکها برای شلوار بلند و کوتاه استفاده می شد، شلوارهای کوتاه  
معمولا با گل نوارها، شیدرهای سه برگ، گل‌های چهار برگ و خالها که بنظر می آید در بین بیشتر  
طرحهای مورد استفاده بود تزین می شدند. در حدود ۴۷۰ میلادی شاهزاده سلسله فرانک به  
نام سیگسمر Sigismer پوشاک ابریشم بتن کرد و از سنگهای نفیس و طلا و جواهر بر روی  
پارچه استفاده نمود. اگر چه او به سبک ملی خود لباس می پوشید. این تجمل نشان دهنده نفوذ  
تزینات رم و منطقه شرقی در میان بربرها بود و فرانکها دیگر به ادامه پوشش خویش در  
استفاده از پوست حیوانات نپرداختند.

انتخاب لباس در مناطقی که تحت نظر فرانکها و سلسله‌های شارل کبیر بود سنن معین  
رومن را حفظ کردند اما توسط نیروهای اشغال گر مجموع جدیدی از پوشاک همانند  
شلوارهای کوتاه، پیراهنهای آستین دار و بی آستین، و روسری در بین آنها رواج یافت همچنین  
با استفاده از منسوجات رومی تزینات مورد استفاده در پوشاک که مطابق روز و سلیقه تغییر  
می کرد غنی تر شد. تغییر مهم دیگر این بود که رنگها دیگر معنای سمبولیک نداشتند به همین  
جهت رنگهای ویژه‌ای به طبقات مختلف تحمیل نمی شد.

از سال ۹۰۰ مردم فلاندر Flander با نام بافندگان ماهر شهرت یافتند و کت‌های پنبه  
دوزی می پوشیدند. فلاندری‌ها در بافت پارچه‌های کتانی بسیار ماهر بودند و پارچه‌های بسیار  
نازک چون ممل، تور و گاز می بافتند و آهار زدن پارچه‌های لطیف منشاء فلاندری داشت.

طی دوره ترقی از قرن ۹ تا ۱۳ تولید منسوجات، خصوصاً در کارگاههای امپراتوری رم که برای خاندان سلطنتی کار می‌کردند به سرعت توسعه یافت در این منسوجات رنگ قرمز و بنفش ارغوانی با رنگ ارغوانی تیره و زرد ترکیب می‌شدند. عباهای بزرگ به این منظور که مخصوص امپراتور هستند تزیین می‌شدند و گاهی اوقات باسیلوس Basileus این لباسهای گران قیمت را به عنوان پیشکش برای حکمرانان خارجی می‌فرستاد تئوفانوس Theophanos شاهزاده‌ای رومی زمانیکه در سال ۹۷۲ با اوتو Otto ازدواج کرد در چمدانش مقداری از این پارچه‌های بافته شده همراه برد. همچنین مسافران، زائران و مبارزان جنگهای صلیبی در این انتشار شریک بودند اما صادرات آنها بطور کامل برخلاف پوشاک نامرغوب که می‌توانستند به راحتی صادر شوند ممنوع بود.

پارچه ابریشمی از صومعه موزاک Mozac در پوی دودم فرانسه بدست (تصویر ۳۳) آمده و اکنون در موزه بافته‌های شهر لیون Lion در فرانسه است. نقش این پارچه دو شاه را در برابر یکدیگر در دو سوی درخت مقدس در حال شکار نشان می‌دهد و این نشان باورزی از تقلید تصویر سازان امپراتوری قرن هشتم از موضوع‌های هنر کلاسیک ساسانی است.

تزیینات منسوجات بندرت بعد از قرن ۶ تغییر کرد. موضوعات مورد استفاده در نقش پارچه‌ها شکل‌های حیوانات با انسان و موضوعات دینی بود. تاثیر ساسانیان با جنگهای امپراتوری رم که علیه ساسانیان در قرن ۶ و اوایل قرن ۷ درگرفت شروع شد. (تصویر ۳۶) در قرن ۱۱ تا ۱۴ نقشهای هندسی (تصویر ۳۷) که گاهی بوسیله طرحهای ملایم و متحدالشکل پر می‌شدند بر روی پارچه دیده می‌شود. همچنین شکل‌های هندسی گوناگون تکمیل کننده

بکدیگرند ، نقشهای منحنی درهم پیچیده با نمایی شیب به بوته جقه و خطهایی اسپیرال مانند همراه با اسلیمی‌ها دیده می‌شود. در این نقشها تاثیر هنر اسلامی ایران بچشم می‌خورد. (تصویر ۳۸)

در دوره کارولینگیان Carolingian ، اواسط قرن یازده در فریسیای Frisia هلند بواسطه تاسیس صنعت جدید، پارچه‌های برای استفاده بر روی تابوت با کیفیتهای متفاوت جهت استفاده راهبان و روستائیا بافته می‌شد. هلندیها در گذشته‌ها از گوسفندانی که در مزرعه‌هایشان می‌چریدند پشمهایی بدست می‌آوردند و با آنها پارچه می‌بافتند. لوئیز پرهیزگار پارچه‌هایی برای استفاده بر روی تابوت را به عنوان هدیه در روز بزرگ روزه داری به کارکنان طبقه دوم ساکن در قصرش می‌داد. او پارچه‌های ابریشم را به اعیان طبقه بالا و پارچه کتان و پشم را به خدمتکاران می‌داد.

در حالیکه پارچه‌های خشن بافته شده توسط بافندگان محلی نیاز عمومی را تامین می‌کرد طبقه اشراف پارچه‌هایی با قیمت زیاد مورد استفاده قرار می‌دادند این پارچه‌ها دارای رنگهای روشن و متنوع بود و اغلب صادر می‌شد. در قرن یازده در نوروز پارچه فلاندری تقریبا در سطح بالایی مورد استفاده قرار می‌گرفت و بنیادی برای توسعه پارچه در قرنهای بعد بود و استفاده از ابریشم در این دوره تحت تاثیر روم صورت می‌گرفت.

در اوایل قرن ۱۳ مورخان به رداهای ارغوانی یا باقوتی مردان و زنان اشاره می‌کنند. در این دوره موضوعات تصویری در بافته‌های ابریشمی تنوع بسیار زیادی می‌یابد به گونه‌ای که تا آن زمان هیچوقت در اروپا پارچه‌هایی به این اندازه مرغوب ، عالی و لطیف برای مصرف

لباس وجود نداشت.

در فلورنتین Florentin به جهت فرمانهایی در راستای محدود نمودن پارچه‌های گران قیمت خصوصا آنها که با نخهای طلا بافته می‌شدند تولید کنندگان پارچه‌هایی از ترکیب ابریشم و کتان یا ابریشم و مواد مازاد تولید می‌کردند و پارچه‌های نقش دار کتانی را مخصوص مبل و پرده می‌بافتند.

علیرغم معروفیت زیاد ابریشم کتان سقوط نکرد و تولید کنندگان کتان در فنلاند Finland که پارچه‌های مورد استفاده اروپا را از اوایل قرون وسطی تهیه می‌کردند از کتان در دو سوم منسوجات و از ابریشم در یک سوم آنها استفاده می‌کردند. در این دوره در اسپانیا، فنلاند و مناطقی از فرانسه پارچه‌های پشمی تولید می‌کردند.



۲۶- موزاییک سن ویتالدا - راونا - قرن ششم م.

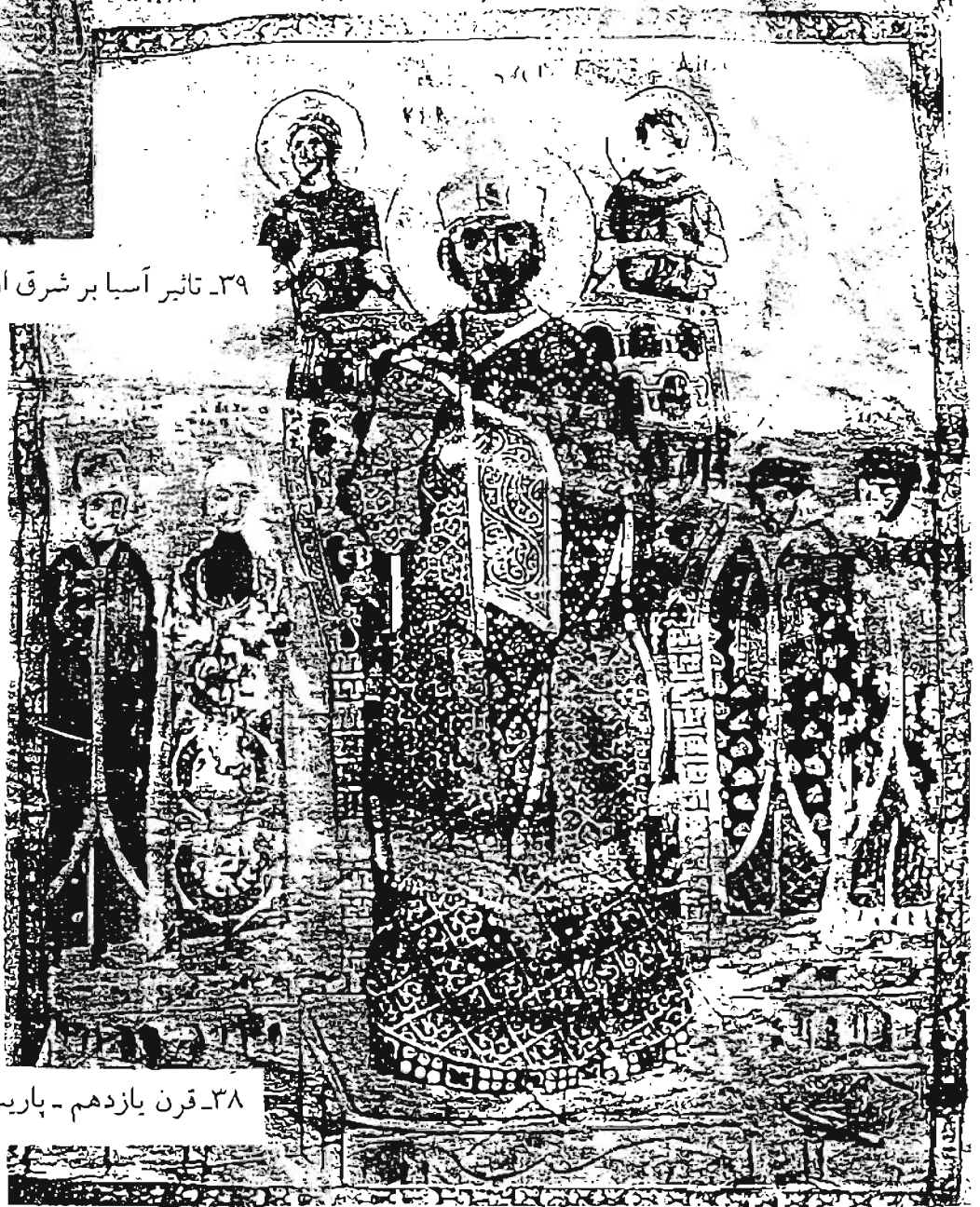


۳۷- جلد کتاب مقدس سنت جان - پاریس - قرن یازدهم.



ΕΦΥΡΟΝΦΕΒΕΙΣΑΛΗΠΙΟΝΙΑΘΙΑΝ  
 ΑΤΙΣΟΙΠΙΤΟΓΑΤΩΝΑΕΙΟΥΤΗΝΟ  
 ΤΩΠΑΦΟΗΤΙΣΙΝΚΑΘΕΛΟΙΣΗΑ  
 ΟΥΝΙΝΣΗΑΜΑΝΑΒΑΙΤΗΕΜΒΡΑ  
 ΑΙΟΙΟΝΟΡΑΔΕΣΟΤΕΙΟΝΑΡΑΧΗΝΑ  
 ΠΙΡΗΝΟΡΑΡΕΙΟΤΕΟΠΗΑΧΙΤΑΝΙΕΛΑ

۳۹- تاثیر آسیا بر شرق اروپا - ۳۰ تا ۴۲۰ - فلورانس.



۳۸- قرن یازدهم - پاریس.

## منسوجات اروپا در قرن چهارده و پانزده میلادی

اتفاقات ایتالیای سده سیزدهم سرآغاز عصری نو می‌شود که تا چند سده و حتی تا زمان اخیر ادامه خواهد یافت به جهت پیشگامی هنر ایتالیا و ارتباط میان عصر جدید با پیش درآمدش، هنر ایتالیا در اواخر سده سیزدهم و چهاردهم را رنسانس آغازین نامیده‌اند. در این دوره رونق و گسترش تجارت پشم در بسیاری از شهرهای ایتالیا موجب افزایش ثروت و قدرت آنها شد. فلورانس به فروش انواع منسوجات در سراسر اروپا شهرت داشت. صنفا و صنف قدرتمند پشم همزمان با افزایش ثروت نفوذ سیاسی بیشتری بدست آوردند و به این وسیله شهر و حمایت از هنر در اختیار آنان قرار گرفت.

حکومت و انتلافهای صنعتی ناپایدار که معمولاً خیلی زود تغییر می‌یافت در اثر موانع و رقابتهای اقتصادی وجود داشت. شورش چومپی در سال ۱۳۷۸ در فلورانس صورت گرفت که در جریان آن کارگران کوشیدند حکومت را از چنگ اصناف بازرگان خارج کنند. رویدادهای سده دوازدهم تا چهاردهم پیش درآمدی برای شروع درازمدت ناتورالیست و شبیه سازی در هنر اروپا بود.

بعد از قرون وسطی ایتالیا عمده‌ترین تولیدکننده پارچه ابریشمی و پشمی بود و فلورانس پارچه‌های بسیار لطیفی از پشم انگلستان تولید می‌نمود. پارچه‌های ابریشمی ایتالیا در طول قرن ۱۵ و ۱۴ به شهرت زیادی رسیدند و توانستند طراحی پارچه را تا قرن حاضر تحت تأثیر قرار دهند.

در سال ۱۳۴۰ اولین نشانه تغییر لباس پدیدار شده پارچه‌های لباس دارای محتوایی



مجلل بود که در غرب اروپا با کارخانه‌های اسپانیا و ایتالیا و در لامباردی از ژنوا یا ونیز بوجود می‌آمد. در لوکا Lucca بافت ابریشم توسعه قابل توجهی یافت و اولین شرکت از بافندگان شمال ایتالیا در ونیز با دستگاه بافندگی خودشان بوجود آمد، اتحاد آنها در سال ۱۲۶۵ صورت پذیرفت. مهمترین ابریشم بین‌المللی از قرن چهاردهم تا شانزدهم بافته‌های لوکا بود.

از سال ۱۰۰۰ ونیز برقرار کننده ارتباط بین شرق و غرب بود و نباید فراموش کنیم نیکولو پولو Venetion Nicolo polo چگونه در ۱۲۶۰ به قازان Kazan مسافرت کرد و همینطور به بخارا و چین Bokhara- chin، و مارکو پولو کتاب حیرت آور و مشهور خود از سفر معروفش را نوشت، او در تمام سفرهایش برای ونیز برترین پارچه‌های ابریشمی و گرانبها را از شرق وارد می‌کرد، همچنین ادویه و جواهرات فاخر و از غرب پارچه‌های پشمی و کتانی صادر می‌نمود.

در قرن چهاردهم و پانزدهم در اسپانیا ابریشم با وسعت زیادی استفاده می‌شد و این بواسطه کارخانه ابریشم واگذار شده توسط مسلمانان در دوره تسلط آنها بود. گسترش قابل توجه ابریشم با مبادله منظم فروشندگان مشخص ادامه یافت و نمایشگاهی در شاپانی فرانسه و پاریس از مقدار زیادی ابریشم برپا شد.

ابتدا مرکز توسعه دهنده و تولید کننده ابریشم در شمال لوکا بود و در ونیز، ژنوا و توسکانی نیز تولیدات وجود داشت اما پس از افول ثروت سیاسی لوکا و در نتیجه ضعیف شدن صنعت نساجی آن، ونیز، ژنوا و فلورانس در طول قرن ۱۴ و اوایل قرن ۱۵ در صنعت نساجی پیشرفت زیادی حاصل نمودند.

نوعی پارچه ابریشمی که در ونیز بافته می‌شد از سال ۱۲۶۵ دیده شده است، این پارچه از ابریشم خالص یا کتان و یا ترکیب این دو می‌باشد. پارچه‌های ابریشمی لوکا دارای نقش شیر در دایره هستند و ممکن است به پارچه‌های ونیزی شباهت داشته باشند همچنین پارچه‌های با نقش پرندگان در دایره که سرها و پنجه هایشان با طلا بافته شده است از نقش پارچه‌های بافته شده در لوکا می‌باشد.

ژنوا مرکز بافت پارچه در ایتالیا بود. ایتالیا مرکز صادرات بود چرا که در راهها بر کشورهای دیگر برتری داشت. ایتالیا ساتن، مخمل، تافته و پارچه‌های ابریشمی که سلیقه‌های تجملی را راضی می‌نمود تولید می‌کرد.

صنعت نساجی در قرن ۱۵ تغییر مهمی نمود چنانکه با ازدواج هنر یک سوم از کستیل Castil و کاترین از لنکستر Lancaster رمه‌های زیادی از کوسمندان را به عنوان جهیزیه همراه آورد.

در قرن ۱۴ و ۱۵ از پوشاک پشمی با مواد مرغوب مشرق زمین همانند قباکی برداری شد، و این موجب شد از اواسط قرن پانزدهم قیمتها به شکل چشمگیری پایین آمد (تصویر ۳۹) تاثیر سبک آسیا و شرق اروپا را بر پوشاک غرب نشان می‌دهد نقشهای ختایی درست با قرار گرفتن بین یکدیگر یادآور طرحهای توریقی می‌باشد.

برخلاف پوشاک ابریشم، پوشاک پشم در رنگهای تک بافته شدند همانند ماهوت روشن برای لباسهای معمولی و برای جشنها بر روی این پارچه‌ها قلابدوزی و تکه دوزی از طرحها و نقشهای حیوانات و گیاهان صورت می‌گرفت این تزئینات بر پارچه جنبه نشان

مصرف کننده آن را داشت چنانکه درخت گلی و طاووس برای چارلز ششم و خرس و قوی خون آلود برای داک - دی - بری مورد استفاده قرار می گرفت. بعضی لباسهای روزمره نیز همانند عباهای سبز تیره و جامعه بلند زنان جوان تزیین می شد.

پارچه ابریشمی متعلق به پاپ وجود دارد که مربوط به سال ۱۳۶۱ می باشد و دارای طرح طوطی و بره ها و گورن همراه با نقش گلها و تزیینات زربافت از طلا می باشد. از اوایل قرن ۱۴ ایتالیاییها با بافتن نوعی پارچه های ابریشمی پرداختند که تحت تاثیر منسوجات وارداتی از امپراتوری مغول در طول قرن ۱۳ و زمان چنگیزخان مغول قرار داشت و تأثیراتی از چین، آسیای مرکزی و ایران داشت و لباسهایی به نام تاتار در ایتالیا پیدا شده است که یکی از آنها لباس رسمی پاپ هنریک هفتم و لباسهایی از حکمرانان ورونا می باشد.

مضمونهای شرقی بر روی طرح منسوجات ایتالیایی که شامل نقش حیوانات متأثر از سبک شرقی با نقشهای اروپایی بود بوجود آمد. از دربار لوکا تعداد زیادی پارچه ابریشم مربوط به سال ۱۳۷۶ که شبیه به پارچه های باقی مانده از اواخر قرن ۱۴ ایتالیا می باشد باقیمانده است این پارچه ها دارای خطهای اریب و زمینه اطلس نما هستند.

پارچه های ابریشمی از قرن چهاردهم دارای سه رنگ شدند که نوعی گرانتیمت آن با استفاده از پودهای طلایی بافته می شد و گاهی پوستهایی باریک و بریده شده همراه با پوشش طلا یا قطعه ای پوست تاب داده شده بر روی پارچه ابریشم یا کتان بوجود می آمد.

مخملهای ساده که در قرن ۱۳ در ایتالیا کمتر بافته می شدند در طول قرن ۱۴ بسیار زیاد شده و دارای طرحهایی از فیگور بودند و در سال ۱۳۷۶ مخمل در سه رنگ بافته می شد.

در طول قرن ۱۵ بر روی پارچه‌های ابریشم نقشهای دارای پرسپکتیو ظاهر شد و ژنوا و فلورانس مهمترین مرکز بافنده پارچه ابریشم بودند در این قرن نقش انار بسیار رواج داشت اما بافت ابریشم با نقش حیوانات در سرتاسر قرن ادامه داشت. بافندگان ایتالیایی در بافت زربفت‌های پیچیده، مخمل و حریر گلداز بوسیله ابریشم‌های رنگی و نخهای طلایی بخصوص بر روی مخملها مهارت یافتند.

## منسوجات اروپا در قرن شانزدهم میلادی

نیمه قرن پانزدهم اختراع چاپ بر روی کاغذ ساخت کتاب را برای اولین بار به صورت نازل و فراوان تغییر داد. محققین کلاسیک رنسانس دانشهای زیان یونان را احیا کردند، تعداد زیادی از نسخه‌های خطی یونان را کشف و انتشار دادند و شمار قابل توجهی از کارهای نویسندگان یونان را که شناختی از قرون وسطی داشت جمع آوردند و در نتیجه عقاید، اصول، شکلهای ادبی و روشهای قابل استفاده نویسندگان رنسانس بطور گسترده‌ای توسعه یافت.

آئین جدید اصلاحات فرقه در حال اعتصاب به اساس بسیاری از بنیادگرایی این کلیسای کاتولیک روم به رهبری مارتین لوتر (Martin Luther) (۱۴۸۳-۱۵۴۵) پیروز شد و اصول آئین پروتستان بزودی زمینه ورزیدگی منحصر به فرد درونی بر کوشش معنوی و رستگاری شد. ملاحظه‌ای چون انجام دستور خداوند در روان فرد بدون لزوم مداخله کلیسا، کشیش یا آئین مذهبی بود.

۱۴۹۲ کریستف کلمب Colomb بواسطه پافشاری به اندیشه یونان باستان در کروی بودن دنیا، یک راه کشتیرانی جدید بازرگانی از غرب به شرق یافت. نظام نجوم و الهیات قرون وسطی که وابسته به بطلمیوس Ptolemaios بود (از قرن دوم بعد از میلاد) و به عقیده اوزمین ساکن و پیرامونش کره ماه چرخش داشت. جهنم در مرکز زمین و همچنین در زیر نظام کره قرار داشت. ۱۵۴۳ کپرنیک Copernic فرضیه جدیدی درباره نظام جهان منتشر کرد که بجز زمین، خورشید در این مرکزیت قرار دارد و زمین در میان تعدادی سیاره که پیرامون خورشید گردش دارند قرار دارد. جانشینان کپرنیک فیزیکدانانی چون کپلر Kepler و گالیله Galilei و

پزشک انگلیسی و طبیعی دان ویلیام هاروی Harvey بود.

قوانین واقع بنیانه علمی بر تمامی وجوهات زندگی تظاهر یافت و کل شاخه‌های هنر و ادبیات را در خود جای داد. پرداختن به پرسپکتیو، مبحث نور، روشنائی و رنگ توسط هنرمند بزرگ لئوناردو داوینچی و هم عصران وی ترسیم و مورد تحقیق قرار گرفت. اندیشه علمی عصر رنسانس مرزهای هنر را در نورددید و هم پای علوم و ادبیات گسترش یافت.

در قرن شانزدهم تمدنهای امریکا، افریقا و آسیا همدیگر را کشف کردند و روابط خود را نزدیکتر نمودند. در دنیای قدیم بویژه در غرب و جنوب اروپا تغییرات مهمی در رژیم سلطنتی رخ داد در حالیکه نقاط دیگر قاره همچنان تحت سلطه اربابان فئودالی باقی ماند و لباس بیانی ملی را در خود بوجود آورد. هنر تغییر شکل آهسته خود را کامل کرد و اهمیت به لباس با تاکید به اشرافیت و تجمل قرن شانزدهم موجب بوجود آمدن پارچه‌های گران قیمت و سنگین و قلابدوزی‌های ضخیم جواهرات مجلل و بندهای لطیف شد فرانسه، انگلیس و کشورهای پایین از صنایع خود حمایت می‌کردند. در نتیجه مراکز ثروت بوسیله تجارت وسیع و رو به توسعه بود.

پیشرفت فنون، اختراع چرخ ریسندگی و ماشین پرداخت پارچه، تاسیس کارگاههای یافتگی با کارآیی بیشتر و استاندارد برای تولید لباس و جنگهای صلیبی موجب شرایط جدیدی شد که به توسعه ارتباطات بین المللی کمک کرد. احیای دادوستد اقتصادی صورت پذیرفت، ثروتمند شدن شاهان و ظهور سیستم شرکت اجباری در شهرهای تجاری و صنعتی موجب ایجاد طبقه جدید تاجران و پیشه‌وران شد. در نتیجه یک رژیم سرمایه‌داری جدید

داخل شد که منبع تجلیل پوشاک و استقرار نظامی برای تجارت شد. و سرزمینهای مدیترانه بار دیگر بزرگی از دست رفته تجارت خود را که با حمله اعراب ایجاد شده بود بدست آوردند.

اواسط قرن شانزدهم تاجران آلمان، فنلاندیها و فرانسویان اجناس کالاهایی به لیسبون

بردند تا معامله پایاپای با محصولات کشورهای بیگانه انجام دهند و محصولات نظیر کتان

مصری، ابریشمهای پارسی، عراق و سوری و پارچه‌های کتان هندی را با خود به خانه بردند.

در این راه، مراکز جدید لیون Lyon که مرکز مالی اصلی اروپایی بود و انتورپ به برتری رسید.

با این موقعیت شهرهای ایتالیا، ونیز، میلان، فلورانس و ژنوا واکنش نشان داده توسعه

شبکه‌های بانکی و صنایع مجلل و بویژه صنعت ابریشم و صنعت جدید توری دوزی را

تسریع بخشیدند.

دوره رنسانس همچنان در سبکهای سده‌های هفدهم و هجدهم ادامه می‌یابد. دوره

باروک لباسها از نوع پرزبورتین و بی‌فایده‌ترین لباسها هستند که بشر تا آن زمان طراحی کرده

و دوخته بود. پارچه‌هایی از دبیت و زریفت پرزرق و برق مورد استفاده قرار می‌گرفت و در

ظاهر پوشاک تجمل نمایی و احساساتی غلبه دارد.

در سده هجدهم جهان سیاسی شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد. امپراتوری دریایی بریتانیا که بر سر قاره امریکای شمالی. و شبه قاره هند با فرانسه کشمکش دارد به قدرتی عظیم مبدل می‌شود. در مقابل امپراطوری لرزان و فرسوده مقدس روم، دولت کوچک ولی تجاوزگر پروسیا Prussia سردر می‌آورد. و در اندک مدتی به یک قدرت مهم نظامی تبدیل می‌شود. از

طرف خاور نیز قدرت بی‌چون و چرای روسیه نیمه آسیایی خودنمایی می‌کند.

## منسوجات ایتالیا تا قرن هجده میلادی

در ایتالیای قرون وسطی زیر پیراهنی از جنس کتان، پشم یا ابریشم پوشیده می‌شد در سده سیزدهم هم چانه‌بند زنان از پارچه کتان سفید بود. تهیه ابریشم در ایتالیا از سال ۱۱۴۸ در شهر پالمو Palermo آغاز شد، مشخصه این دوران نقشهای گل و بته دار است که در تمام پارچه‌ها تکرار می‌شود.

ابریشم بافی بطور قابل ملاحظه‌ای در لوکا Lucca گسترش یافت که در اصل بوسیله یهودیان در قرن دهم به آنجا آورده شده بود. در شروع قرن چهاردهم نبردهای داخلی موجب تبعید گروهی از بافندگان و تاجران شد و آنها به همراه چرخ‌های بافندگی و کارگزارانشان در شمال ایتالیا سکنی گزیدند. در ونیز یک شرکت MSR تاسیس شد که یک تولیدکننده مهم ابریشم از قرن چهاردهم تا شانزدهم بود.

ونیز از سال هزار میلادی با خدمات ناوگان خود بزرگترین خریداران و باز کردن بندر خود برای تولید غرب این شهر تبدیل به مهمترین تهیه کننده بازار جهانی شد، نام نیکولوپولو و سفرش یادآور معروفی از این شهر است. البرت شامبادر در کتاب صلاح الدین قهرمان بزرگ اسلام می‌نویسد: «اروپا آموزش‌های ارزنده‌ای از تمدن شرق فرا گرفت و تحول کاملی را از این تمدن بزرگ بدست آورد... نیاکان ما از مردم مشرق زمین بافتن پارچه‌های گرانبهایی را فرا گرفتند که بازرگانان ونیزی بهره‌هایی فراوان از فروش این پارچه‌ها می‌بردند...» (تصویر

(۴۰)

تغییرات مدل پوشاک و طرح پارچه در ایتالیا، انگلیس، آلمان و فرانسه از حدود ۱۳۴۰



تا ۱۳۵۰ در غرب صورت گرفت، اولین نشانه انسانگرایی تمایل به هنر دنیوی بود. در این زمان ملوک الطوائفی به پایان رسیده بود و طبقه فئودالی جای آنرا گرفت، هنرمندان با استعداد نظیر بیزانلو Pisanello، پالایوتولو Pollaiuolo و ژاکوب بلینی Jacopo Bellini مدل‌های لباس رنتش‌هایی برای طراحی پارچه می‌آفریدند.

رنسانس در اروپا همگام با زوال هنر رومی - یونانی و پایان جنگهای صلیبی از ایتالیا سرچشمه گرفت تاثیر رنسانس و گسترش صنعت چاپ بر لباس بخصوص مردان موثر بود. پوشاک زنان ایتالیا در عهد رنسانس، طرحهایی هنرمندانه و پارچه‌هایی گرانبها و مرغوب داشت. پارچه‌هایی چون زربفت، (تصویر ۴۱) مخمل برودری دوزی، ساتن، (تصویر ۴۲) حریر گلدار و پارچه‌های طلایی مروارید دوزی شده. پارچه‌های بافته شده از طلا و نقره و پوست حیوانات که از شرق و شمال اروپا در روسیه می‌آمد برای پوشاک زنان به بازار سرازیر می‌شد. بر روی لباس برودری دوزی و سوزن دوزیهای اغلب عمدی (تصویر ۴۳) و گاهی افقی صورت می‌گرفت که بسیار تجملی بود این نوع تزئین در قسمت جلو و پایین لباس زنانه و مردانه نیز صورت می‌گرفت.



۴۰- ابریشم - قرن سیزدهم ایتالیا - موزه تاریخ لیون.



۴۱- ونیز - ۱۷۱۰.



۴۳ - مد ایتالیا و فرانسه - لوور پاریس - ۱۵۲۵.



۴۲ - فلورانس - ۱۵۵۰ تا ۱۶۰۰.

## منسوجات انگلستان تا قرن هجدهم

اوایل دوران تا قبل از قرن دوازدهم هم پارچه‌های نقش‌دار با طرح‌های لوزی، ماه و

ستاره از رونق طولانی برخوردار شد و پارچه‌های زربفت سیاه رواج یافت. (تصویر ۴۴)

در انگلستان قرن شانزدهم پارچه‌های برودری دوزی و قلاب دوزی‌های خطی و اغلب

با طرح‌هایی از اسپیرال دیده می‌شود (تصویر ۴۷ و ۴۶ و ۴۵) در این قرن ترکیب نقش جلیبا و

نقش هندسی هشت ضلعی شبیه به کاش کاری قرن هفتم هجری در ایران بر روی کف

پوش‌های بافته شده دیده می‌شود. مردان اشراف انگلیسی بر پوشش طرح‌های پرکار برودری

دوزی شده به صورت راه راه و یاراه‌راه‌های ساده برای افراد پایین‌تر مورد استفاده قرار

می‌دادند. (تصویر ۴۸)

پارچه‌های بسیار لطیف توری در اوایل قرن هفدهم بوسیله طرح‌هایی از مخمل مورد

استفاده بانوان و بخصوص اشراف بود و سبکی از ساخت پارچه به وسیله رودوزی‌های شبیه

به پنبه دوزی دیده می‌شود این گونه پنبه دوزی بر روی لباس زنان در قرن هجدهم نیز ادامه

داشت و شکل‌های لوزی که گاهی با حاشیه در قسمت پایین دامن نقش می‌گرفت (تصویر ۵۰

و ۴۹)

انگلستان برای مدت بیش از دو بیست سال تا حدود ۱۷۴۰ کانون مد تاریخی و افسانه‌ای

بود. در دوره کرامول (۱۶۴۰ - ۱۶۴۹) رنگ‌هایی که همه از خاکستری و غمگین بود در تمام

لباس‌ها مشاهده می‌شد. در دوره بازگشت خاندان سلطنتی استورات، چارلز دوم پیراهن زنان

نسبتاً ساده و زیبا بود و از پارچه‌های ساتن ساده یا مخمل و زربفت تهیه می‌شد.

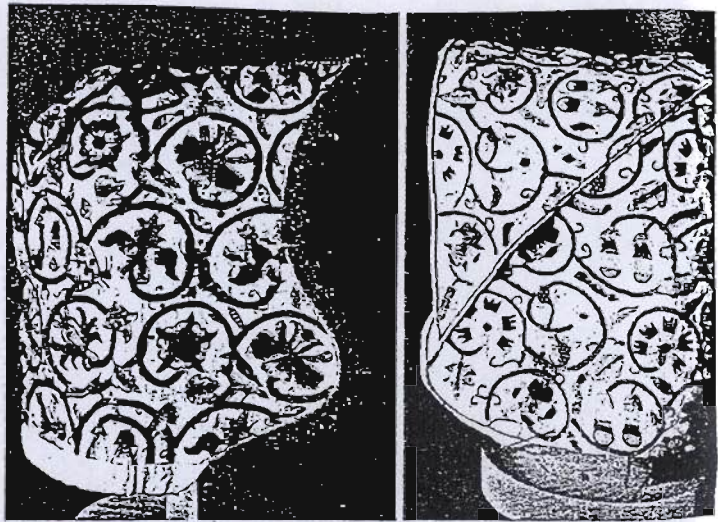
قرن هجدهم در انگلستان بخاطر بازار جدید که با مستعمرات اسپانیایی باز شد صنعت بافندگی به سرعت و کاملاً تغییر یافت واردات فراوان از کتان هند و گسترش کارگاههای ابریشم از طریق فرانسه در پایان قرن پیش رخ داد. (تصویر ۵۲ و ۵۱) ورود پارچه‌های کتان تولید شده در شهر کلکته و هندوستان به بازار انگلستان در زمان فرمانروایی الیزابت آغاز شد. با واگذار کردن صنعت بافندگی کتان به بریتانیا پس از جنگ هفت ساله از طریق هند کمک شایانی به صنعت بریتانیا شد، در سال ۱۷۸۶ شالی از پارچه کشمیر انگلیسی در لندن عرضه شد که پارچه‌ای به طول ۵۴۰ سانتیمتر و عرض ۱۸۰ سانتی‌متر بود و منشا شالهای هند قرار گرفت.



۶۴۔ انگلستان - موزہ ویکتوریا و البرٹ لندن - ۱۶۱۶ء



۴۵- بلوز برودری دوزی شده خطی - قرن شانزدهم - ویکتوریا والبرت لندن.



۴۶- برودری دوزی خطی بر روی کلاه - ۱۶۰۰ - ویکتوریا والبرت لندن.



۴۷- ابریشم برودری دوزی خطی انگلستان - ناتینگهام - کلکسیون لرد میدلتون - ۳۵ تا ۱۶۱۰.





۴۸- لندن - ۱۵۹۰.



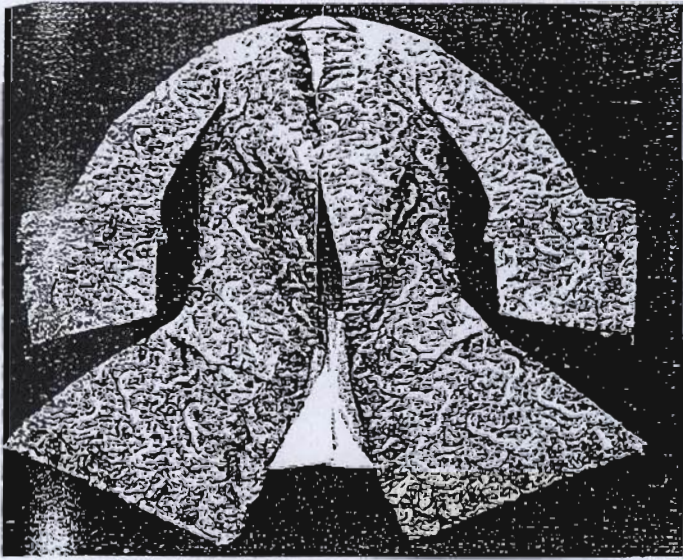
۴۹- انگلستان - لندن - ۱۶۱۴.



۵۰- انگلستان - لندن - کلکسیون والاس - ۱۷۶۳.



۵۱. ابریشم زریفت با طرح طلائی، نقره‌ای، آبی و صورتی - انگلستان - ناینگهام - کلکسیون لرد میدلتون - ۱۶۲۰.



آذربایجان انگلستان - جوج سوم - کلکسیون لرد میدلتون - ناتینگهام - ۱۷۶۰.

## منسوجات فرانسه تا قرن هجدهم

البرت شامبادر در کتاب صلاح الدین قیرمان بزرگ اسلام می نویسد: «... فرانسوی ها

صنعت حریربافی و ساخت پارچه های دارای طلا و نقره و منسوجات لطیف و شفاف و تافته را از مسلمانان آموختند.

در قرن سیزدهم پاریس به خلق زیبا و هنرمندانه ترین پوشاک شهرت داشت. در طول

امپراطوری لویی چهاردهم در فرانسه از ایتالیا پارچه ابریشمی برای مانتو وارد می شد. لویی

پانزدهم در سال ۱۴۶۶ در شهر لیون فرانسه نخستین مرکز ابریشم بافی را تاسیس کرد. لباس

فرانسویان متعلق به دربار لویی پانزدهم از مخمل و ساتن بود و برودری دوزیهایی پرکار

داشت و رنگیها به طرف تیره تمایل یافت و لباس رسمی اروپا تا قرن نوزدهم باقی ماند. در این

دوره پارچه های قالی نما و پرگل و بته طرفدار داشت. (تصویر ۵۳)

در قرن شانزدهم پارچه، ساتن ساده در رنگهای مختلف همچون سرخ، گل بچی،

قهوه ای نارنجی و طلایی مورد استفاده زیاد داشت. در حالیکه صد سال از رنسانس ایتالیا

می گذشت رنسانس فرانسه به شکوفایی رسید. در سال ۱۶۱۰ و ۱۶۴۳ فرانسه پس از حکم

ریشلیو Richelieu علیه واردات پارچه و سادگی، پوشاک تغییر بسیار زیادی یافت و پیراهن

از جنس کتان لطیف اهمیت یافت.

در طول سالیهای ۱۶۹۰ تا ۱۶۶۰ تزیین پوشاک زنان به حد افراط رسید و برای اولین بار

بافت پارچه سایه روشن مورد توجه قرار گرفت. سال ۱۶۷۰ طرح پارچه پیراهن ها نقش دار

بود. در قرن هفدهم پارچه های فرانسه دارای طرحهای گیاهی و گلهای انتزاعی و درهم پیچیده و

گاه پرکار بر پارچه ابریشمی بافته می‌شد (تصویر ۵۷ و ۵۶ و ۵۵ و ۵۴) و پارچه‌های زربفت بر روی ساتن و ساتن ساده و ساتن با طرح درباغت به صورت سایه و روشن مورد استفاده قرار می‌گرفت (تصویر ۵۶۴)

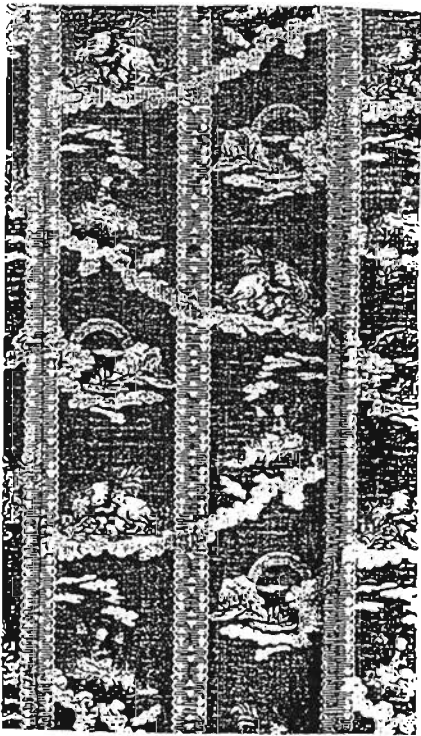
توری های برودری دوزی شده اطراف یقه و استین زنان و مردان قرار می‌گرفت و پارچه‌های راه راه عمودی (تصویر ۵۸) بر پارچه لباس بانوان در اندازه ریز و درشت دیده می‌شد. (تصویر ۵۹) تصویری از پارچه توری بافت نقش دار از قرن ۱۷ فرانسه می‌باشد. در حدود ۱۷۵۰ منسوجات ضخیم تبدیل به انواع ظریفتر با نقشهای زیبایی از گل، راه راه یا ساده شد. (تصویر ۶۰) با آمدن خاندان بوربونها صنعت ابریشم فرانسه روبه برتری و فزونی نهاد.

طراحان منسوجات شکلهای شرقی را برای سبک پومپادور در فرانسه در حدود ۱۷۵۰ فراهم کردند. و شکلهای عجیب و کمیاب شرقی را مخصوصا برای خانم پومپادور بوجود می‌آوردند.

در سال ۱۷۸۳ تحولی ناگهانی در پوشاک پدید آمد و سادگی جای تجملات افراطی را گرفت. نفوذ سادگی لباسهای انگلیسی و پیراهنهای نخی ماری اتوانت در مسافرتهاى خارج از شهر دلیل این تغییر بود. در قرن ۱۸ پارچه‌هایی با گلهای درشت هنوز برای پیراهن زنان مورد استفاده بود. (تصویر ۵۳)



۵۳- زریفت فرانسه - ۱۷۳۰.



۵۴- ۵۵- زریفت ابریشم لیون - قرن هفتم - موزه تاریخ لیون.



۵۶-۵۷. ابریشم زریفت - دوره لویز پانزده و شانزدهم - موزه تاریخ لیون.





۵۹. توری بافت فرانسه - قرن هفدهم - موزه کوپربونیون نیویورک.



۶۰. ابریشم زربفت فرانسه - ۱۷۵۰ تا ۱۷۷۰.

## منسوجات اسپانیا تا قرن هجده میلادی

لباس اسپانیا در دوره هیسپانو - مورسک Hispano - Moresque از پارچه‌های پشمی تهیه می‌شد. در اواخر سده پانزدهم کلاه مرد و زن از جنس ساتن یا مخمل بود و در نیمه نخست سده شانزدهم زیر استینی از پارچه کتان لطیف توردوزی استفاده می‌شد و دور یقه و میج دست با حاشیه توردوزی بود مردان دابلتی کوتاه و برودری دوزی شده می‌پوشیدند و کلاه بره ساتن یا مخمل توسط زن و مرد استفاده می‌شد. اسپانیا در نقش پارچه‌هایش از جهان اسلام الهام گرفته بود.

قرن شانزدهم در مادرید پارچه‌های برودری دوزی و بسیار تجملی مورد استفاده اشراف بود. (تصویر ۶۲ و ۶۱) پارچه‌ای از قرن شانزدهم اسپانیا در موزه تاریخی لیون از جنس مخمل ابریشمی (تصویر ۶۳) نشان دهنده طرح‌های پر نقش و پر شونده بوسیله خط‌های محیطی و طرح داخلی تشکیل یافته از طرح‌های ختایی و اسلیمی است. (تصویر ۶۴) طرح‌های درشت ترنجی یا حاشیه و گل و برگ پرکار که از خصوصیت طرح پارچه‌های اسپانیایی قرن شانزدهم می‌باشد. را نشان می‌دهد.

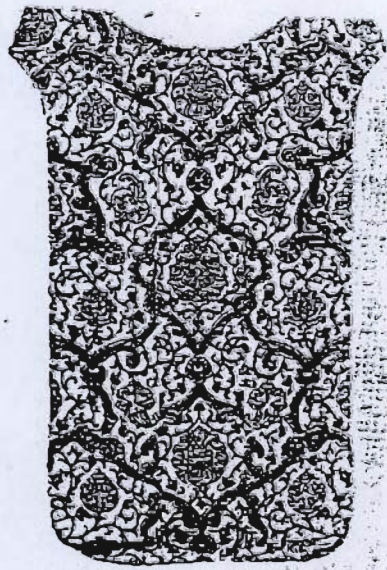
در قرن ۱۸ اسپانیا از پارچه‌های راه راه عمودی برای لباس زنان استفاده می‌شد (تصویر ۶۵) و بر پارچه لباس زنان ثروتمند گلدوزی‌های وسیعی می‌شد و از پارچه‌های تور نازک و گاهی با حاشیه‌های افقی و طرح‌های تک در سطح زمینه استفاده می‌نمودند. (تصویر ۶۶)

۶۱ اسپانیا - مادریدا - قرن پانزدهم.





۶۲ اسپانیا - مادرید - ۱۶۲۰.



۶۳ - مخمل ابریشم اسپانیا - قرن شانزدهم - لیون فرانسه.



۶۴ منخل اسپانیا - از اواخر قرن شانزده تا اول قرن هفده.



۶۵ ملکه اسپانیا - ۱۷۶۵ - موزه متروپولیتن نیویورک.



۶۶- اسپانیا - مادریدا - ۱۵۳۵.

## تاریخ چاپ پارچه

چاپ پارچه ابتدا توسط دست صورت می پذیرفت و پس از آن چاپهای سنگی، کلیشه  
سی، غلتکی، اسکرین و روتاری بوجود آمد. با اختراع اولین ماشینهای چاپ تولید پارچه  
تحول یافت و تاریخ جدیدی از این صنعت را رقم زد. پارچه یا انواع متنوع در نقش و بافت و  
سرعت فزاینده تولید می شد.

چاپ لوحی block - printed در زمره چاپهای قدیمی پارچه می باشد. ابتدایی ترین  
نمونه بدست آمده آن مربوط به قرن چهارم بعد از میلاد است و از زیرزمینی در مصر علیا  
بدست آمده است. این نوع چاپ در طول ربع چهارم قبل از میلاد در هندوستان مورد استفاده  
بوده است اما مدرکی از آن در دست نمی باشد.

چاپ لوحی یا قالبی در قرون وسطی رواج یافت و سبب موفقیت تجارت خصوصاً در  
ایتالیا و آلمان و در طول قرن هجدهم و سپس نوزدهم شد. در این گونه چاپ لوحها از  
چوبهای متفاوتی ساخته می شدند. چوب شمشاد و چون درخت راج برای نقشهای دارای  
جزئیات و ظرافت کم استفاده می شده از چوب درخت گردو و لیمو برای چاپهایی با سرعت  
زیاد و چوب درخت گلابی برای حاشیه نقش ها استفاده می شده است. نقش در این گونه  
چاپ بر روی چوب به صورت برجسته کنده کاری شده و برای اجرای رنگهای مختلف در  
یک نقش بر روی هر قالب طرح مورد نظر برای چاپ یک رنگ از رنگهای مورد نظر نقش  
برجسته شده و مورد استفاده چاپ قرار می گرفته است. امروزه از این روش بسیار کم استفاده  
می شود.

چاپ کلیشه مسی Copperplate- Printed در سال ۱۷۶۵ بوجود آمد در این روش طراحی نقش بر روی یک کلیشه مسی مسطح صورت می‌گرفت. اولین کلیشه مسی بسیار بزرگ و در حدود  $۱۱۴ \times ۶۸/۵$  متر بود. پارچه‌های کتان نازک زیبا با نقشهای ظریف به وسیله استادان چیره دست با این روش چاپ شکل می‌گرفته است.

چاپ غلطک Roller - Printed اولین مکانیزم چاپ پارچه ماشینی است که با روش کنده کاری بر روی غلطک مسی توسط اسکاتس من توماس بل اسکاتلندی در سال ۱۷۸۳ بوجود آمد. در سال ۱۷۹۷ با پیشرفت این ماشین حدود ۴۵۰۰ متر پارچه در روز بوسیله یک دستگاه چاپ می‌شد. در حالیکه چاپ بوسیله دست بالوچه‌های دست ساز حدود ۲۷ تا ۹۰ متر در روز بود.

دو سال پس از ایجاد این روش چاپ با شش رنگ چاپ می‌شد. در سال ۱۸۲۰ غرب بیشترین کارخانه‌های چاپ غلطکی را استفاده می‌کرد. و در سال ۱۸۳۶ امریکا به تنهایی در کارخانه‌های خود حدود ۱۰۸ میلیون متر در سال پارچه چاپ می‌کرد. در این روش امکان چاپ پارچه تا ۱۸ رنگ نیز موجود می‌باشد اما هر قدر تعداد رنگ چاپ شده بر روی پارچه بیشتر باشد هزینه بیشتری صرف خواهد شد. این روش چاپ بطور کلی پر خرج تر از چاپ اسکرین که تقریباً به طور کامل جانشین آن شده است می‌باشد.

چاپ اسکرین Screen- Printed بوسیله دست در سال ۱۹۲۰ شروع شد. استفاده از این تکنیک بیشتر در فرانسه صورت گرفت. در سال ۱۹۳۰ چاپ اسکرین دستی گسترش یافت و به کشورهای اروپایی و امریکا راه یافت. در چاپ اسکرین دستی یک تور نازک



ابریشم بر زمینه قاب جای می‌گرفت و طرح چاپ بوسیله لعاب محافظ در جاهای خالی پوشیده می‌شد. در سال ۱۹۵۰ بیشترین کارخانه‌های غرب از چاپ اسکرین تمام خودکار استفاده می‌کردند. تولید با این روش بسیار سریع بود. قابلیت این نوع دستگاه چاپ بیست رنگ و در حدود ۳/۵ متر در ساعت می‌باشد. و بوسیله آن می‌توان در کمال آزادی نقشهای متفاوت و آزاد هنرمند را چاپ نمود. تهیه لباس از پارچه تولیدی توسط این دستگاه بسیار ارزان تمام می‌شود و در طی سالهای ۱۹۶۰ این نوع چاپ با چاپ روتاری رقابت می‌کرد. با ایجاد تکنولوژی جدید به جای تور ابریشم از تور فلزی در کار چاپ این روش استفاده شد. چاپ روتاری Rotary- Printed دارای سرعت ۴۰ تا ۸۰ متر در دقیقه می‌باشد. ساخت و نصب شابلونهای این روش از شابلونهای تخت راحتتر است و مخارج تهیه شابلونها از شابلونهای مسی بسیار کمتر می‌باشد. این دستگاه قادر به چاپ پارچه‌های عریض می‌باشد. شابلونهای روتاری از جنس نیکل و به شکل استوانه‌ای بدون درز و بازگ با نمره‌های مش یا منفذ متفاوت می‌باشد این شابلونها انعطاف پذیر و شکننده‌اند.

## تاریخ بافت پارچه

بنابر تحقیقات صورت گرفته توسط محققان اولین طریقه تولید پارچه توسط بشر آویختن نخهای تار از چوب افقی و آویزان کردن وزنه‌هایی در انتهای آنها در حالی که نخ پود رالابه‌لای آن گذشته و تشکیل پارچه را می‌داده بوده است. پس از این روش در ابداعی جدید نخهای تار در یک چهارچوب بصورت کاملاً کشیده قرار می‌گرفته و نخ پود از لابه‌لای آنها عبور داده می‌شده است. به همین دلیل پارچه‌های بافته شده در دوران اولیه دارای اندازه محدودی می‌باشند. بعدها نخ تار را بر روی غلطکی می‌پیچیدند که در یک دستگاه بافندگی ساده قرار می‌گرفت و با حرکت غلطک نخهای تار باز شده و نخ پود با آن درگیر می‌شده است و پارچه بافته شده بر روی غلطک دیگری بسته می‌شد. این نوع دستگاه بافت تا اواسط قرن نوزدهم میلادی تنها روشی بود که مورد استفاده بافت پارچه قرار می‌گرفت.

در سال ۱۷۳۳ توسط جان کی John- Key دستگاه بافندگی بوجود آمد که ماکوی حاری نخ پود را با روش پرتاب سریع در عرض دستگاه حرکت می‌داد بدنبال اختراع این ماشین بافت دستگاه بافندگی جیمز هارگریوز James- Hargreavs در سال ۱۷۶۵، دستگاه بافندگی کتان ریچارد الکرایت Richard- Arkwright در سال ۱۷۶۷، بافندگی زنجیری گرین Josiah- Granes در سال ۱۷۶۷ بوجود آمد در سال ۱۷۵۰ تعداد ۱۴/۰۰۰ ماشین نساجی در حال تولید بودند و در سال ۱۷۸۰ این تعداد به ۲۰/۰۰۰ عدد رسید.

ماشین بخار جیمز وات James- Watt در سال ۱۷۷۶ اختراع شد و با استفاده از بخار دستگاه بافندگی کتان توسط رابینسون Rabinsons و پاپلیویک Papplewick در سال ۱۷۸۵

بوجود آمد. در سال ۱۷۸۶ ادmond کارت رایت انگلیسی Edmund - Cartwright دستگاه مکانیکی بافندگی اختراع نمود که قسمت اعظم آن از چدن و آهن ساخته شده بود و با نیروی بخار کار می کرد. همچنین ماشینهایی برای نسج و حلاجی پشم اختراع نمود مرکزهای صنعتی و بافندگی و نساجی رشد قابل ملاحظه‌ای یافتند و قیمتها کاهش یافت و ارزانی منسوجات انگلیس باعث پیروزی او در بازار جهانی گردید.

دستگاه بافت ژاکارد در سال ۱۸۰۹ توسط ژرف ماری ژاکارد فرانسوی Joseph- Marei- Jaquard اختراع شد و به این ترتیب روش انتقال طرح پارچه به ماشین بافت توسط کارتهایی علامت گذاری شده بصورت مکانیزه صورت می گرفت. در سال ۱۸۶۶ دستگاه بافت باکستون Bakeston و شرمن Shirman بوجود آمد و با این اختراع جدید نخ بود توسط سوزن گیره‌داری در عرض بافت پارچه وارد می شد. بدنبال این اختراع دستگاههای بافندگی با روش سوزن گیره‌ای به شکلهای دیگر و پیشرفته تر ارائه گردیدند. در سال ۱۹۱۴ اولین روش حرکت نخ بود در عرض پارچه به وسیله هوا توسط جی. سی. بروکز J. C. Brockez بوجود آمد، و در سال ۱۹۴۹ در چکسلواکی ماشین بافندگی توسط ولادیمیر اسواتی Esvatti بوجود آمد که باجت آب کار می کرد. در سال ۱۹۶۰ به جهت بالا رفتن کارایی و کیفیت ماشینهای مکانیزه کارخانه‌های نساجی بیشتر به استفاده از این گونه ماشینها روی آوردند و در نتیجه تولید اینگونه ماشینها افزایش یافت. در سال ۱۹۳۰ ماشینهای مختلفی از جمله توسط کارل موتر Carrel - Motor عرضه شد که با استفاده از آن همزمان چندین بود در عرض پارچه قرار می گرفت و بافت سرعت چند برابر می یافت.

## منسوجات اروپا در قرن نوزدهم

اصطلاح رومانتی سیسم در اواخر سده هجدهم در میان عده‌ای منتقد آلمان مطرح شد و هدف آنها متمایز ساختن خصایص نوین یا مدرن از خصایص کلاسیک در عرصه هنرها بود. که در سده هجدهم از نو در برابر باروک و روکوکو بروز کرده بود. بسیاری از هنرمندان نوین اصرار دارند از چهارچوب سنتها و میثاقهای مسیحیت و اومانیسیم فراتر روند و ارزش تجربه ژرف شخصی را به عنوان بیان قدرت زیست قهرمانانه و ارزش روح آدمی مطرح نمایند. در این قرن سبکهای رنالیسم، باریزم، امپرسیونیسم و پست امپرسیونیسم ظهور داشت.

اواخر قرن هجدهم فرانسه تکنیک چاپ را بهتر شناخت و پارچه‌های کرباس با نام جوی Jouy شهرت افسانه‌ای یافت بطوری که بوسیله کار بهترین طراحان چاپ در سال ۱۷۸۳ حمایت می‌شد. سرچشمه واردات کرباس برای استفاده عموم و منزلهای در حقیقت ابداعی از طرف فرانکلین و واشنگتون Franklin, Washington بود و جنگ تجاری منسوجات کرباس با انگلیس چرا که ایرلند از پارچه‌های کرباسی و کتان برای چاپ استفاده می‌نمود و طرفداران فراوانی نیز داشت.

در انگلستان در سال ۱۸۰۹ پیراهنهای نخ و ابریشم مخلوط و کتان ویژه روز بود و در سال ۱۸۲۰ تی - هن کاک T. Hancock اختراع نوارهای قابل ارتجاع را در لندن به ثبت رساند. کش یا نوار قابل ارتجاع جایگزین بند جوراب روبانی شد. سهولت مسافرت در دهه ۱۸۵۰ لباس راحت مردان را بوجود آورد که از کتان سفید مایل به زرد، پارچه پشمی نازک الپاکا و

مخلوط نخ و ابریشم به رنگهای روشن بود.

در طول نیمه اول قرن نوزده فرانسه ادامه دهنده بافت پارچه‌های مکانیزه شده‌ای که در طول تاریخ آغاز شده بود و اقتباس از ماشینهای بافت قدرتمند قبل بود قرار داشت. در سال ۱۸۴۸ فرانسه تنها ۲۲۸/۰۰۰ ماشین بافت اتوماتیک داشت. همچنین انگلستان در شروع ۶۷۵/۰۰۰ ماشین بافت داشت، اما مواد پارچه پوشاک فرانسه متفاوت بود.

در سال ۱۸۴۸ مخملها، توری‌های ابریشمی نازک و ابریشمها بدنبال تفکر سازنده توسعه یافت و پوشاک به یک تفاوت شگفت‌آوری از تزئینات مخصوصا در ابریشم‌ها رسید. ابریشمهای زربفت با دسته گلها و بافت حاشیه‌ها، (تصویر ۶۷) ساتنیا، براقها، چاپ پارچه‌ها مد روز بود.

از سال ۱۸۵۰ شاه و ملکه به رشد تجملات در لباس تاثیر می‌گذارند و پاریس خلاق و مرکز بین الملل سلیمه‌ها می‌شود. از پشم نورماندی، توری شمالی فرانسه و ابریشم لیون گرفته تا صنایع دیگر فرانسه بر مد تاثیر مستقیمی داشت. در سال ۱۸۶۰ حدود ۱۰/۰۰۰ دستگاه بافتگی با بافت ژاکارد ابریشم فرانسه بر پارچه‌های جهان برتری داشت. لباس شب زنان از پارچه تافته تهیه می‌شد و دامنه‌های مثل بالون از پارچه‌های گران قیمت که بافت ساده‌ای داشت همانند ابریشم براق، ساتن تیره، مخمل کلاسیک که از نخهای جدید بافته می‌شدند تهیه می‌شد. و پارچه‌هایی با بهای مناسب متداول شد که برای طبقات بالا و متوسط بصورتی یکسان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

تشکیلات خیاطی زنانه در پاریس انعکاس قابل توجه‌ای در صنعت منسوجات داشت.

تمام فعالیت خلاقه مد در پایتخت جائیکه بصورت متوالی سبک‌هایی را بدون توجه به درخواست تولیدی از مراکز منسوجات مختلف خصوصا در لیون تهیه می‌کرد متمرکز بود. بهر حال پیشرفت‌ها بواسطه متناسب شدن پارچه لباس و پیشرفت خیاطی در قرن نوزدهم توسعه چشمگیری بوجود آورد بطوریکه در بازار خارجی اثر می‌گذاشت.

لطافت طرحها و توجه به مقدار زیاد پوشاک باعث پایین آمدن قیمت شد. در زمان ناپلئون سوم در فرانسه صنعت توسعه یافت و صنعت شیمی در رنگرزی موجب بوجود آمدن موارد جدید و صرفه جویی مالی شد. ارننگ نیلی مصنوعی توسط گیمیت Guimet در سال ۱۸۲۶ ساخته شد، رنگ نیلی ترکیبی در ۱۸۷۶ در لیون Lyon بوجود آمد و ورجین Verguin در ۱۸۵۶ رنگ قرمز مایل به آبی را بوجود آورد. پس از سال ۱۸۶۹ با استفاده از زغال سنگ خشک خالص رنگ الیزابین ساخته شد اما در قرن هیجده و نوزده هنوز از رنگ روناس در چاپهای باسماهی و قلمکار استفاده می‌شد. کیفیت ضعیف بعضی از رنگها موجب تغییر زود به زود پوشاک شد و عموم مردم را به سمت تغییر لباس زود به زود و آلامد شدن هدایت نمود. همچنین شکل‌های برجسته از توسعه نوع لباس در اروپا از ۱۸۵۰ تا ۱۸۶۸ که موجب پیدایش زنانه دوزی، بهبود تکنیکی، اقتصادی شدن پوشاک و برتری مدهای فرانسه بود، تمامی به عنوان عواملی بود که تغییرات زود به زود را بوجود می‌آورد.

در سال ۱۸۳۰ شال در فرانسه از جنس پشم مرغوب کشمیر بود و نوع حاشیه تور دار آن از اسپانیا و نوع کرب ابریشمی شرابه دار و برودری دوزی شده از چین وارد می‌شد. در سال ۱۷۸۹ تا ۱۸۹۰ متع پارچه ابریشمی و محمل موجب استفاده از کتانهای ساده و نقش دار

گردید. این تاثیرات قبل از انقلاب فرانسه بود بدان جهت که تصور می شد دوران باستان همه چیز سفید بوده پس در همه موارد به استفاده از منسوجات تاثیر گذاشت، وسایل منزل پارچه شیت یا پیراهن شمیز و پیراهنهایی که از پارچه های نازک کتان و ابریشم سفید دوخته می شد. در سال ۱۸۱۵ تا ۱۸۱۰ لباس رسمی مردان از کت مخمل، شلوار ساتن، جلیقه های ابریشمی برودری دوزی و پوشاک زنان از پارچه های نازک و نیمه شفاف تهیه می شد.

طی سالهای ۱۸۳۰ تا ۱۸۱۵ و بازگشت سلطنت به فرانسه مردان جلیقه از پارچه های ابریشمی مخمل یا پیکه راه راه به رنگهای درخشان استفاده می کردند پوشش سفید برای عروس از دوره بازگشت سلطنت به فرانسه باب شد.

در سال ۱۸۳۵ پیراهن زنان در تابستان از پارچه های لطیف و در زمستان ضخیم بود و پشم مرغوب کشمیر برای شال استفاده می شد. نوعی حاشیه تور از اسپانیا و کرب ابریشمی شرابه دار و برودری دوزی شده از چین وارد می شد.

از سال ۱۸۴۰ پارچه های ضخیم چون زربفت، پوپلین، ابریشم ضخیم موج دار و مخمل و پارچه های چهارخانه و راه راه باب روز شد همچنین پارچه های تور سیاه پونک و برودری دوزی شده نیز رواج یافت. (تصویر ۷۰ و ۷۰ و ۶۹ و ۶۸) طی سالهای ۱۸۹۰ دو سه Doucet طراح و دوزنده فرانسوی برای اولین بار از پوست به جای پارچه استفاده نمود. در سال ۱۸۹۰ دو تاسه نوع پارچه در یک لباس بکار می رفت.

در سالهای ۱۸۸۰ مردان زیر لباس خود پیراهن و شلواری سرخود از کشف کتان یا پشمی می پوشیدند. کت از پارچه پشم خام سیاه، جلیقه از همان و یا از پارچه قابل شستو

چون کتان به رنگ روشن و شلوار از پارچه پشمی راه راه خاکستری یا سیاه و پیراهن کتان سفید بود.

در قرن نوزده و بیست از نگاه کشورهای مختلف بر روی طرح پارچه استفاده می شد و این کشورها شامل افریقا، هند، اندونزی، چین، ژاپن، ایران، روسیه، ازبکستان، افغانستان، یونان، هاوایی، مکزیک، کلمبیا، هلند، ترکیه و ... بود. (تصویر ۷۵ و ۷۴ و ۷۳ و ۷۲) اینگونه استفاده از طرح پارچه به بازار فروش تولید کنندگان و انتقال تنوع طلبی به مصرف کنندگان بسیار کمک می نمود.





٤٧ لندن ١٨٥٦ - جالري بين المللي



۶۸- ابریشم لیون - ۱۸۵۰ تا ۱۸۶۰ - موزه لندن.



۶۹- زریفت - ۱۸۵۰ تا ۱۸۶۵ - موزه لندن.



۷۰ - پاریس - ۱۸۳۰



۷۱- ابریشم برودری دوزی شده - ۱۸۵۰ - بارسلون موزه هنر کلیسیون دون روکامورا.



۷۲- روش طراحی ایرانی - فرانسه - ۱۸۸۰.



۶۳- روش طراحی ہندی - انگلستان - ۱۸۹۶.



۷۴- روش طراحی مصری - انگلستان یا فرانسه - ۱۸۵۰

روش طراحی افریقایی - فرانسه - نیمه اول قرن بیستم





۷۵- روش طراحی چینی - فرانسه - ۱۸۸۰.



## منسوجات اروپا در قرن بیستم

قرن بیستم علم تصویری را که انسان از جهان مادی و دنیای درون خویش داشت، دگرگون نمود ارتباط آنی با دورترین نقاط جهان، حمل و نقل سریع، پرواز و گسترش دامنه درک حسی برای هر چند عده‌ای محدود شرایط بهتر مادی چنانکه در گذشته امکان نداشت بوجود آورد.

در آغاز سده بیستم تئوریهای جدید علم فیزیک مخصوصاً تئوری کوانتوم و تئوری نسبیت به توصیف دنیاهای مادون حسی و ماورای حسی میدانهای الکتریکی می‌پردازند که در آنها به نام مکان یا زمان مطلق وجود ندارد. و هر حرکتی در آنها وابسته نظامها یا شبکه‌هایی است که خود نیز در حرکتند. در این جان پرشتاب و گسترش یابنده که در معرض تهاجمات الکترونی و کلهکشانی است هیچ مرکز ثابت یا هیچ نقطه مطلقى وجود ندارد که بتواند براندازه گیریهای زمان و مکان توسط ماصحه بگذارد. دنیای جامدات و فضاهاى آشنا در اثر تجزیه فیزیکی از هم می‌شکافد و به صورت رقص اتمهایی جلوه می‌کند که پیکربندیشان ظاهراً ارتباط چندانی با آنچه ما به عنوان واقعی می‌بینیم و حس می‌کنیم ندارد.

علم روانشناسی جدید که در نخستین سالهای پیدایش و تکاملش با نام زیگموند فروید پیوند داشت ضربه بعدی را برپیکر اعتقادات کهن وارد آورد. این توصیف دوباره ماهیت غیر منطقی ماهوی آدمی با آنکه ریشه‌های ژرفی در رومانی سیسم دارد، به تبیینات هزارساله رفتار انسان پورش آورد. در این نظریه جدید رفتار و کردار ما وسیعاً تابع انگیزه‌هایی دانسته می‌شوند که در زیر آگاهی در سطح ناآگاه یا نیمه آگاه ضمیر ما تاثیر دارند.

سواد از اواخر سده نوزدهم در اروپا رواج یافته است و رادیو و تلویزیون به عنوان وسایل ارتباطی یا رسانه‌های گروهی و چاپ را تکمیل کرده‌اند. گسترش پدید آمده در خدمات ارتباطی کاهش اعتماد و اعتقاد را بوجود آورد. هنر و زندگی سرشار از انواع ابهامات است که از بین رفتن این ابهامات به تهی و بی‌ارزش شدن هر دو خواهد انجامید.

شناخت ما از جهان با کاربرد ابزارها به دست می‌آید و زبان واسطه بیان این شناخت زبان اختصاصی ریاضیات است پس معنی حقیقت و واقعیت تجربه علمی یعنی شناخت علمی در ابزارهای مورد استفاده آن نهفته اند و از آن قابل تفکیک نیستند. در روزگار ما هنر را بنای آزادی از این گونه عناصر بدون نیاز به اشاره هیچ چیز خارجی از خود می‌دانند چنانکه نیازی به شبیه سازی از چیزی ندارند.

وحدت علم و هنر در دوره رنسانس که بر پایه خرد اومانیستی عملی می‌شد در سده بیستم از هم می‌گسلد و اکنون به تکنولوژی نزدیکتر می‌شود. پست امپرسیونیزم از رئالیسم و امپرسیونیزم فاصله می‌گیرد و به یک سبک و جنبش اروپایی به نام سمبولیزم پیوند می‌خورد. اصطلاح سمبولیزم در دو کارکرد هنر و ادبیات وجود دارد و منتقدان بین این دو پیوند تنگاتنگی را بیان نموده‌اند. سمبولیزم واقعیت صرف را در هنر به عنوان چیزی پیش پا افتاده ناچیز می‌داند و ادعا می‌کند واقعیت باید به سمبل یا نمادی از تجربه درونی آن واقعیت تغییر شکل یابد. در این صورت وظیفه هنرمند دیدن اشیاء در کار هنری نیست بلکه نگاه از طریق اشیاء به ارزش و واقعیت ژرفتر از آن چه در ظاهر به چشم می‌یابد می‌باشد.

(قرن بیستم شاهد سبک‌هایی چون فووها، اکسپرسیونیست، کوبیزم، فوریسم، دادا،

کانستروکتونیسم، سوپرماتیست، مکتب پیئوریاتافیزیکا، سورنالیست، رئالیسم اجتماعی، فرمالیسم اجتماعی، پاپ، هنر کوچک، هنر خاکی و ... می باشد که در استفاده طرحهای پارچه نقش اساسی در این دوره بازی می کنند.

هنر نو Nouveau از سال ۱۸۸۰ تا حدود ۱۹۱۰ سبک مورد استفاده در تزئینات و طراحی پارچه بود. (تصویر ۷۶) از بریتانیا شروع شد و به اروپا رسید در ایتالیا، لندن، آلمان، استرالیا، اسپانیا و فرانسه با نامهای متفاوتی نامیده می شد. هنر دکو Deco طراحی مدرن در تزئین و طراحی پارچه از سال ۱۹۲۰ مورد استفاده قرار داشت. (تصویر ۷۷ و ۷۸)

در نیمه دوم دهه بیست کت و شلوار زمستانی از ساتن و ماهوت سیاه یا پشمی کج باف و نوع تابستانی از تافته سیاه یا حریر هندی دوخته می شد

اولین چاپ طرح پارچه به سبک فوویسم در سال ۱۹۰۹ در پاریس صورت گرفت و اوج این گونه طراحی از ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ بود. (تصویر ۸۰)

استفاده از ایربراش جهت طراحی پارچه بوسیله پرتاب اسپری رنگ بوسیله ری اروگراف Ray Aerograph در سال ۱۹۱۷ مرسوم شد. خلق این گونه نگاه باعث شد از حدود ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ طراحی پارچه بوسیله ساخت شابلون نگاهی از روش ایربراش داشته باشد. در سال ۱۹۳۰ چاپ نور تکنیکی برای چاپ عکاسی بر روی پارچه بود اولین چاپ با این روش بر روی قطعه ای از یک یادبود صورت گرفت در این نوع چاپ منظره چشم انداز یا انسان و ... به شکل بسیار مشابه ای بر روی پارچه چاپ می شد.

در سال ۱۹۳۰ بعد از زمان حقیقی امپرسیولیسم سابقه هایی در چاپ پارچه دارد

(تصویر ۷۹) و در سال ۱۹۶۰ نوآوری در این گونه طراحی برای چاپ پارچه صورت گرفت به صورتی که با محو کردن، نیمه آبستره زمینه و رنگهای مخلوط بر روی پارچه‌های ابریشمی و الیاف دیگر یک حرکت سیال، نرم و لطیف در نگاه بیننده ایجاد می‌کند. طرح پارچه‌های سبک پانک از سال ۱۹۷۰ بر روی تی شرت‌ها و پارچه‌های جین مورد استفاده قرار می‌گرفت. روش طراحی پارچه به سبک گوتیک از قرن هجده به بعد نیز استفاده می‌شد و از حدود

سال ۱۹۴۹ سبک رنسانس بر روی پارچه‌های ابریشم، مخمل و کتان صورت می‌گرفت، طراحی پارچه با نگاه به سبک رکوکو و باروک طی قرن ۱۸ در فرانسه شروع شد.

در طی سالهای ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۰ شنل‌های آستین دار دوخته شده از زیرفت‌های پر کار و مخمل یا نوارهای خز و تور و براق در میهمانی شب مورد استفاده قرار می‌گرفت. در سال ۱۹۱۸ پارچه ژرسه وارد بازار گردید و برای دوخت پیراهن و کت و دامن به کار می‌رفت و لباس شب از کرپ، ابریشم یا ژرژت متداول بود.

پس از جنگ اول در امریکا کت و شلوار تابستانی ویژه پوشیدن در دفتر کار عرضه گردید که از کتان ضخیم، لطیف با الیاف برجسته، ابریشم، شاتون مخلوط نخ و ابریشم و محبوب‌تر از همه نخ و موهر تولید شد. پیشرفت زیاد در شیوه بافتن و رنگ کردن پارچه‌هایی از الیاف مصنوعی باعث شد که این پارچه جایگزین پارچه‌های ابریشمی در آسترکشی لباس مردانه گردید. در تهیه پارچه‌های ضد آب پیشرفتهایی صورت گرفت و برای بالا پوش‌ها از انواع پارچه‌های پشمی و پوست استفاده می‌شد. پیراهن رسمی مردان از پارچه کتان لطیف تهیه می‌شد. کت و شلوار رسمی شب از پشم خام به رنگ سورمه‌ای یا سیاه دوخته می‌شد و

شلوار برای استفاده معمول از پارچه پشمی راه راه خاکستری با سیاه بود.

بعد از سال ۱۹۳۰ از پارچه گاباردین که از پشم و کتان بود استفاده می شد این پارچه دارای سبک بافت با راههای اریب و مناسب فصل تابستان و دارای دوام بود. بالاپوش ساده از پشم شتر یا ماهوت در تمام اوقات بکار می رفت و کت گشاد و جیر، کت نظامی گاردین و کت بادگیر پوشیده می شدند.

در سال ۱۹۲۰ کت و دامنی از پارچه توپید یا ژرسه عرضه شد در این سال پلیورهای بافتنی نیز وارد قلمرو لباس شد. پارچه های پشمی، ژرسه پشمی، پشمهای شل بافت، زربفتهای مرغوب و شانتون هم از رونق برخوردار بود. در سال ۱۹۵۶ پیراهن زنانه از پارچه های ابریشمی، شیغون، تور و دراپه های منجوق دوزی شده تهیه می شد.

در اوایل سالهای دهه ۱۹۵۰ پوست خرگوش و گوسفند و پوستهای بره ایرانی و فوک دریایی آلاسکا برای تهیه بالاپوش استفاده می شد. در همین سال برای اولین بار پوست مصنوعی به بازار آمد و به دلیل ارزانی می توانست مورد استفاده عموم قرار گیرد. در سده نوزدهم انسان توانست الیاف ابریشم مصنوعی یا ریون را اختراع کند. در سال ۱۹۱۵ برای اولین بار از این ابریشم مصنوعی لباس دوخته شد. اول امریکا و بعد ژاپن تولید کننده بزرگ الیاف مصنوعی گردیدند.

از جنگ جهانی دوم به بعد تولید الیاف مصنوعی زیاد شد و لباسهای زنانه و مردانه از آن آماده می شد. در امریکا استات Acetate، نایلون Nilion، اورلن Orion، داکرون Dacron، انیل Cynel و ویکارا Vicara بوجود آمد. این پارچه ها ارزان قیمت و قابل شستشو

در خانه و سبک وزن بود، بعدها پارچه‌هایی با الیاف مصنوعی و طبیعی همزمان درست شد که دوام بیشتری داشت، پارچه‌های دارای کشش زیاد برای تهیه جوراب به کار رفت و جوراب بدون درز تهیه شد و گاهی نیز تزیین می‌شد.

قرن بیستم پارچه‌های کتان، ابریشم، الیاف مصنوعی خنک و لطیف یا گرم و ضخیم تهیه می‌شد. کت غیر رسمی از پارچه چهارخانه اسکاتلندی دوخته می‌شد و کت و شلوار فلانل خاکستری تیره طرفداران بسیار داشت. با پارچه‌هایی از ترکیب کتان و داکرون کت و شلواری تولید شد که شستشو و خشک کردن آن سریع بود و نیاز چندانی به اتو نداشت.

در سال ۱۹۵۸ - ۱۹۴۸ با پایان جنگ تولید مجدد پارچه شروع شد بارانی ضد آب به عنوان بالاپوش بویژه هنگام مسافرت بکار می‌رفت، پیراهن از پارچه نایلن رواج یافت که نیاز زیادی به اتو نداشت. پیراهن‌های راحت دارای نقشهای ظریف چهارخانه و راه راه باریک به رنگهای ملایم بود.

سال ۱۹۵۵ آمریکا در حال صادر کردن جین و ژاکتهای چرمی به قاره کهن بود. طی سالهای ۱۹۶۰ جین تحت تاثیر مقوله‌های کم اهمیتی چون مخمل کبریتی قرار گرفت. سالهای ۱۹۸۳ - ۱۹۶۰ لباس یک تکه بلوز و شلوار از پارچه‌های ارتجاعی نایلون و پارچه‌های بافت آن به حالت کش دار قابل استفاده بود. از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ پسران و زنان جوان بسیار از لباسهایی که از جین درست شده بود استفاده می‌کردند، پارچه و لباسهای راحت جین به زردی نه تنها در سراسر اروپا بلکه در کشورهای شرقی نیز مورد استفاده قرار گرفت و پارچه و مدل‌های بین المللی بوجود آمد.

در سال ۱۹۶۴ راکرها یعنی نسلهای تدی با ژاکتهای چرمی و جین‌ها وجود داشتند این سبک جنگی با اهمیت بود چون این تنش‌ها و تضادها ناشی از ورود کارگران یا طبقه کارگری به داخل ناحیه مکیلان در ۱۹۶۳ - ۱۹۵۷ بود. راکرها Rockers در حسرت گذشته شدیداً غرق شده بودند بنابراین رد امکانات مدرن را به صورت یک سمبل درآورده بودند. آونت گاردها Avant- Gard هر چیز مدرن را دوست داشتند. سایر کشورهای صنعتی نیز حالت یکسانی را از تغییر پشت سر گذاشتند.

موارد مورد استفاده در پارچه از حدود ۱۹۷۰ در رقابت پیدایش مواد ترکیبی نخ پارچه با مواد سنتی است. اگرچه گسترش سریع نخ ترکیبی نه تنها تعجب آور نبود بلکه قابل پیش‌بینی بود و یک انقلاب بی‌نظیر در صنعت نساجی و لباس به شمار می‌رود. پیشرفت ابریشم برای دوازده قرن و کمی بیشتر، کتان در نوزده قرن بطوری که استخراج کتان دنیا در سال ۱۹۵۱ بیش از سه برابر سال ۱۸۹۰ بود، ادامه داشت و بواسطه بوجود آمدن پارچه‌های مصنوعی صنعت پارچه‌بافی چهار برابر سال ۱۹۷۰ ترقی نموده بود. (تصویر ۸۲ و ۸۱ پارچه‌های مصنوعی برای انسان فرم کاملی از پیشرفت را ارائه می‌دهند در طول بعضی دوره‌ها استخراج پشم افزون بر نیمی از نیاز پارچه دنیا بود. در حال حاضر پارچه‌هایی با نخ طبیعی کمترین پیشرفت اقتصادی را برای کشورها دارند و نخهای ترکیبی و مصنوعی بیشترین استفاده را در کشورهای صنعتی دارند.

بافت پارچه با مواد نازک شده بسیار قابل انعطاف است و نوآوری در بافت پارچه‌ها بوجود آورده است. مواد مصنوعی پارچه بصورت پذیرش عموم در سال ۱۹۲۵ بوجود آمد و

در سال ۱۹۳۰ پیدایش اولین مخلوط نخهای مصنوعی با قابلیت ارتجاعی متفاوت ثبت شد. در سال ۱۹۳۲ مخلوطهایی از البین Albene و پشم با نامهای فلانزا Flamenza و اورگانزا Lorganza بوجود آمد. کشف مواد پارچه در بیست سال اخیر مقصود تبلیغاتی خوبی نیز به همراه آورد.

در سال ۱۹۹۰ پیشرفتهای جدید تکنولوژی موجب ایجاد شکلی از مد به صورت پارچههای فوق مدرن شد. طراحان مد عقیده دارند که آینده مد به تکنولوژی الیاف بستگی دارد از این روست که بسیاری از طراحان پارچه بوسیله طراحان مد به کار گمارده می شوند. در سال ۱۹۹۶ میشل لایر به جسارت در تکنیک پارچه دنیای جدید معروف شد. این پارچههای جدید بعدها موجب بوجود آمدن پارچههای ضد حریق و پارچههای پوشاک ورزشی (اسکی، تخته سواری روی برف، موج سواری، کوهنوردی و...) شدند. و در مواردی از پارچه ریز بافت با رنگ منعکس کننده استفاده شد، که بوسیله آلومینیوم میکروسکوپی و گوههای شیشه‌ای در رنگ مورد استفاده قرار گرفت. نوپرین Meoprene ماده‌ای است که برای پارچه بارانی استفاده می شود و همانند شیفون ابریشم می باشد.

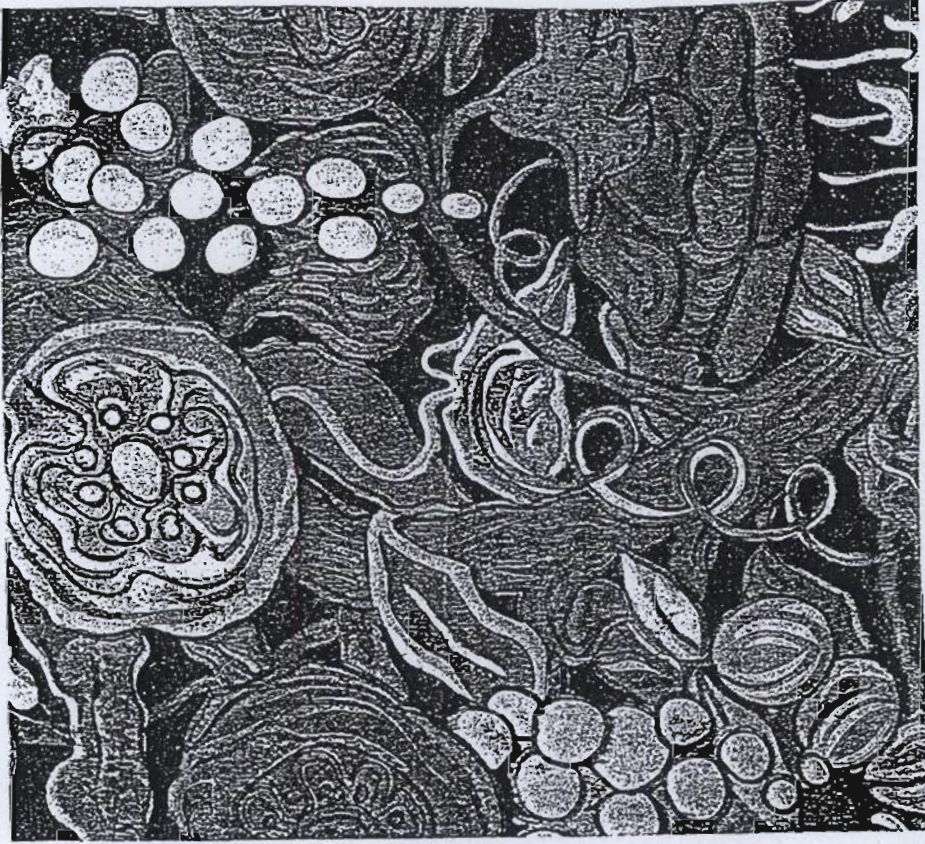
در سال ۱۹۶۰ پی‌یر کاردین از شکلهای توخالی و پارچههای پوسیده استفاده نموده و آندره کورجز از ژرسه‌های چسبانده شده و پارچههای مصنوعی استفاده کرد. پاکوروبین فلز وصل شده به صورت حلقه را همراه با لباسهایی شبیه به زره و جوشن ساخت.

در آینده ممکن است پارچه هایی ساخته شود که پوست را از اشعه زیان آور حفظ و جذب ویتامین به پوست بدن را ممکن سازد و به زودی ماشینهای چاپ کامپیوتری می توانند نیاز مقرون به صرفه‌ای برای چاپ پارچه باشند.

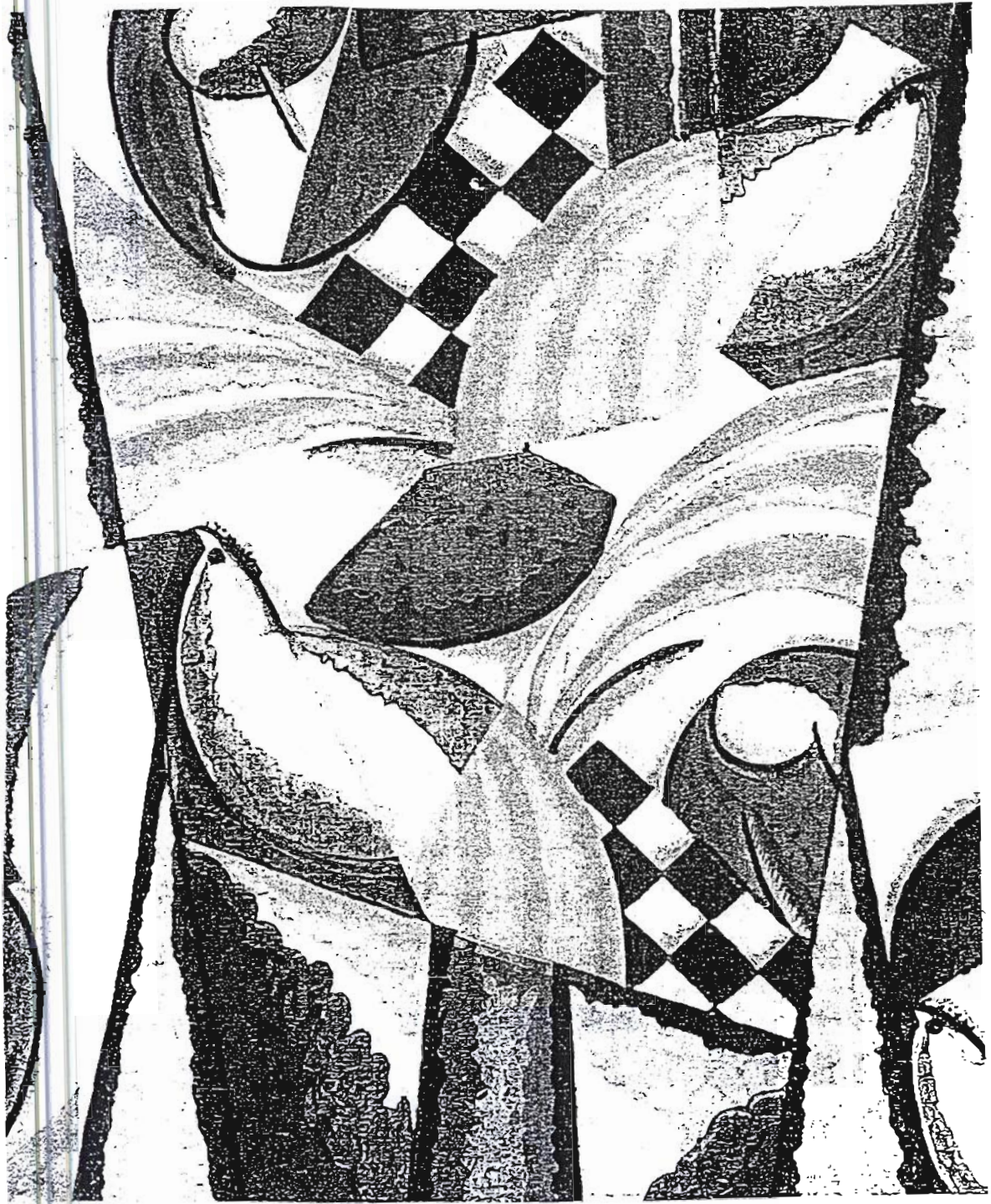




۷۹- طراحی پارچه به سبک هنر نو و انگلستان - ۱۹۰۷.  
۱۱۳۳



۱۷- سبک ملدن امپراطوری از هنر دکو (۳۰ - ۱۹۲۰) - ۱۹۳۰.



۷۸- روش طراحی پارچه با سبک هنر دکو - فرانسه ۱۹۲۵.

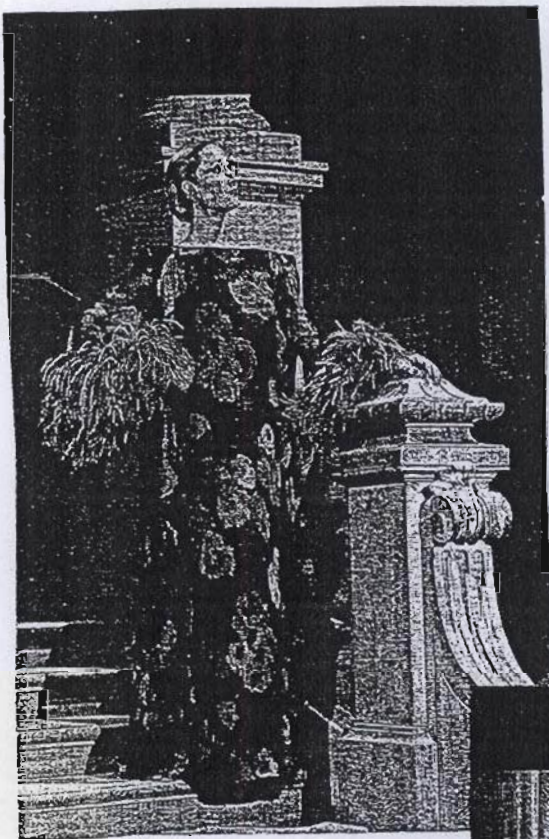


۱۹۳۰ - فرانسه - امپرسیونیسم - سبک امپرسیونیسم



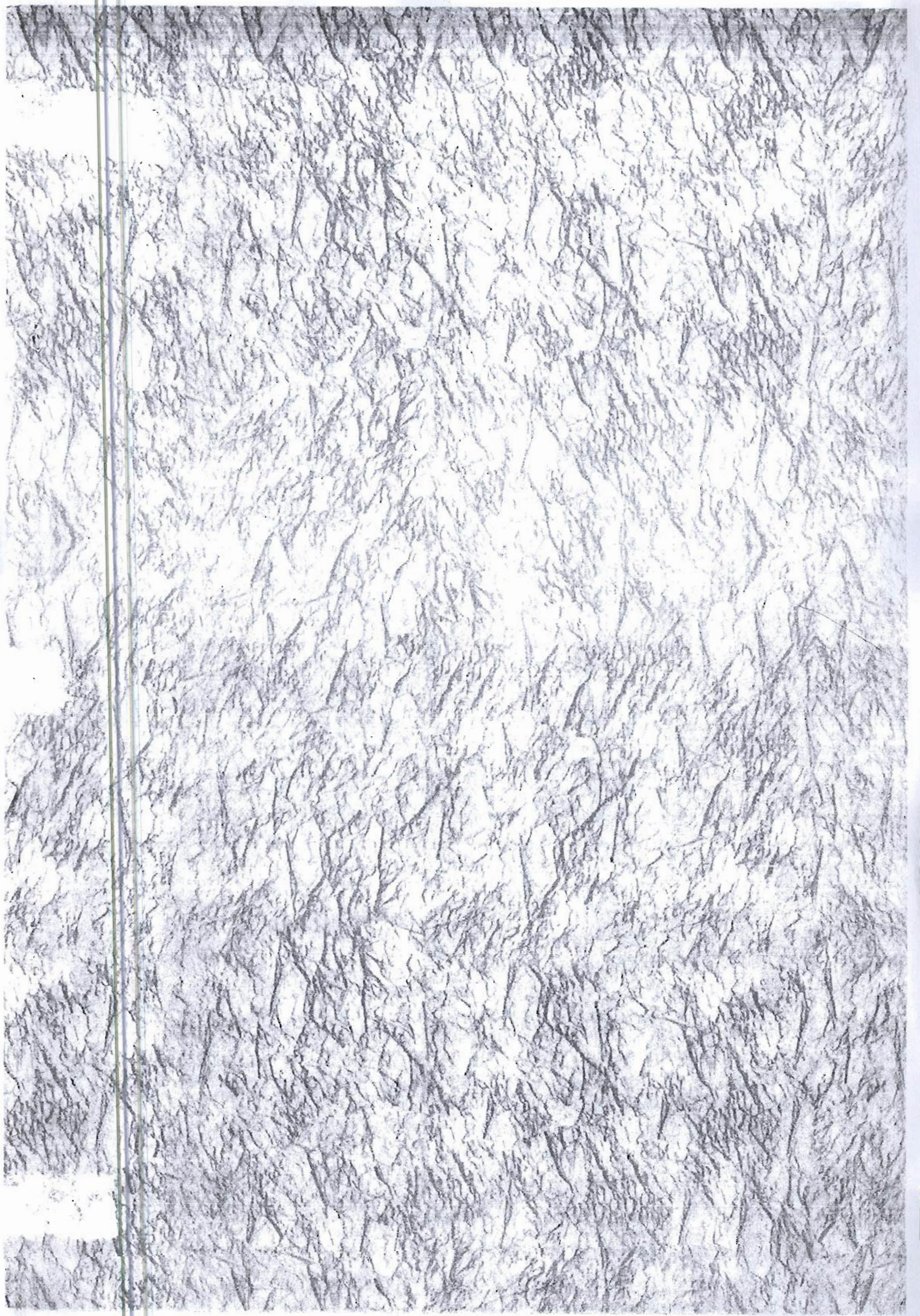
۸۰- روش طراحی پارچه با سبک هنر فور- فرانسه - ۱۹۲۰.

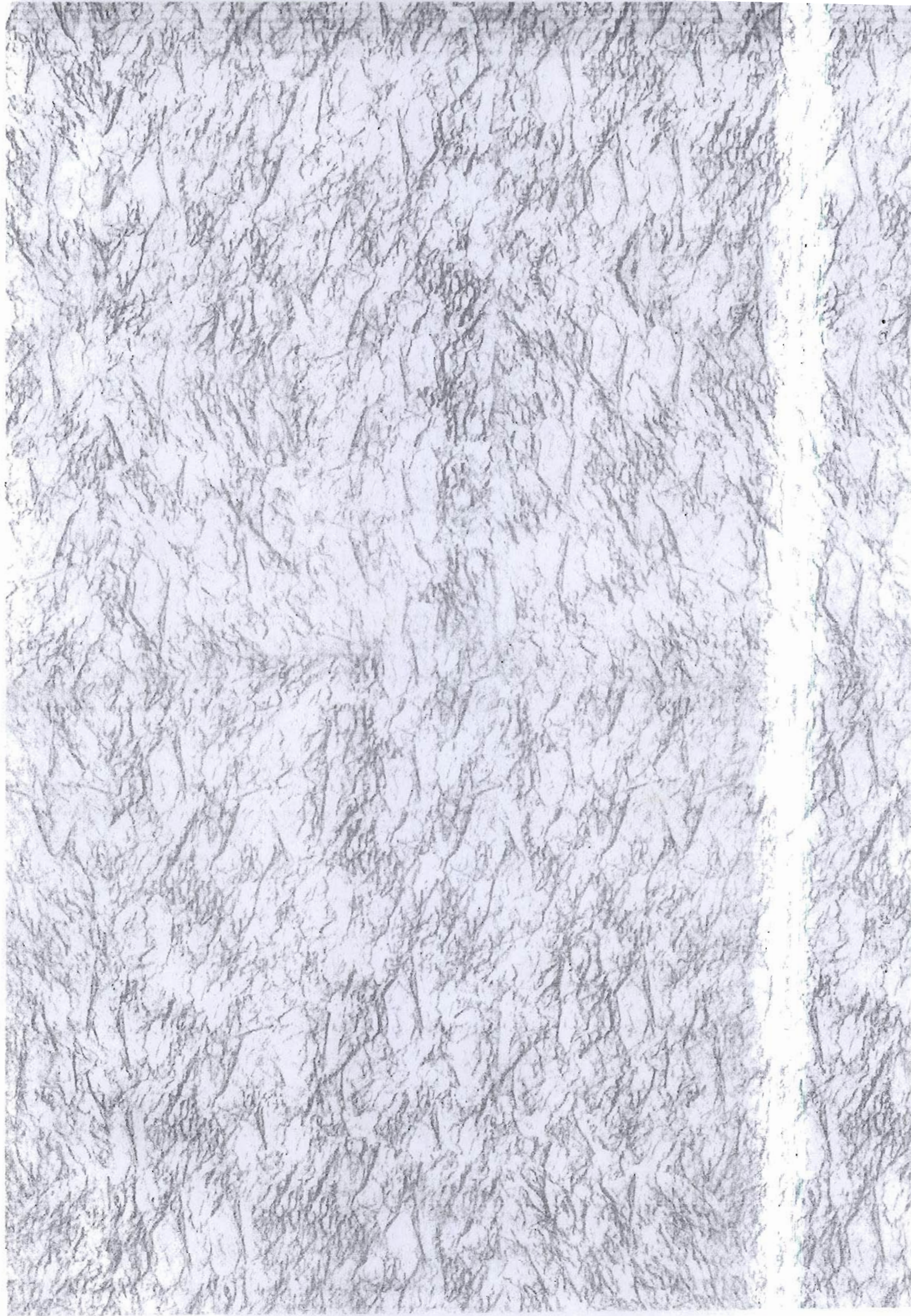
۱۲ ابریشم سیاه - ۱۹۷۹



۱۱ کرپ سیاه - ۱۹۶۴









- A History of costume in the west - Francois Boucher - Thames and Hudson - English - 1997.
- A History of man's fashion - Farid Chensune - Flammarion - France - 1993.
- Textile designs - Susan Meller, Joost Elffers - Thames and Hudson - Great Britain - in 1991. RePrinted in 1996.
- English and American Textiles (from 1700 to the present) - by Thames and Hudson - London. First Published - 1989 - Mary Schoeser and Ruffey.
- Textiles of ancient Peru and their techniques, 1962.
- Ancient Persia - British Museum, Curtis, London, 1989.
- 5000 years of textiles, Jennifer Harris, London, 1993.
- Ancient, Egyptian, Mesopotamian and Persian costume and decorations, by Mary G Houston
- A History of world costume, Carolyn Bradley.
- Costume through the ages, James Laver, 1964.
- Color and design, fashion in men's and women's clothing and home furnishing, New York, Chambers Bernice Cerlwe, 1951.
- Fashion in costume in pictures, Braun and Schneider, New York, 1975.
- Interpretative costume design, Daniel Fleischhacker, 1984.
- A world History of Art, Honour and Fleming - 1995.

